

## کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

**WORKER TODAY**

An Internationalist Worker's Paper

Vol 6, NO 53, April 1995

سال ششم، شماره ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۴

### اعتصابات کارگران فلز آلمان برای افزایش دستمزد

صفحه ۸



### کارگران این اوضاع را تحمل نمیکنند

خون کشید زیرا به گفته وزیر کشورش "جمهوری اسلامی نمیتواند این ناآرامیها را تحمل کند". کارگران نیز این اوضاع را تحمل نمی کنند. امسال سال آغاز روز در روسی دو نیرویی است که یکدیگر را تحمل نمی کنند.

مزد خود ندارند. فقط با یک طبقه کارگر فاقد حق تشکل و اعتصاب و در یک کشوردیکتاتوری می توان چنین رفتاری داشت. اما این اوضاع قابل ادامه نیست. تظاهرات عظیم کارگران در اسلام شهر اولین نشانه غیر قابل ادامه بودن اوضاع در سال جدید بود. رژیم اسلامی با هلیکوپتر تظاهرکنندگان را به خاک و

تصمیم خشن شورای عالی کار که فقط اندکی بر حداقل دستمزدها افزود یک قلدری آشکار علیه کارگران است. در کشوری که سبزی فروشان شمبلیله را قبل از ساعت یازده صبح و روشن شدن نرخ روز دلار در دوی و لندن بفروش نمیرسانند این تنها کارگران هستند که کوچکترین مداخله ای در تعیین بهای

### قتل یک رهبر اتحادیه کارگری در پاکستان

رهبر فدراسیون کارگری استان پنجاب در پاکستان، عارف شاه، در روز ۲۹ دی ماه توسط عوامل کارفرماها به قتل رسید. نزدیک به ۲۰ هزار کارگر که در مراسم تشییع جنازه عارف شاه شرکت کرده بودند بزرگراه کراچی - لاهور را ساعتها مسدود کردند. اخیر تعدادی از دیگر از رهبران اتحادیه ای پاکستان که در تلاشند تا در مقابل اتحادیه های کارگری دست راستی، اتحادیه های کارگری دیگری تشکیل دهند مورد ضرب و شتم عوامل کارفرماها قرار گرفته اند.

### افزایش اندک حداقل دستمزد، دعوت کارگران به عدم تحمل است

صورت گرفت که حتی شوراهای اسلامی خواهان حداقل مزد ماهانه ۳۳ هزار تومان یعنی دو برابر میزان کنونی بودند. شوراهای اسلامی بسیج شدند تا به گوش مقامات برسانند که کارگران خواهان افزایش دستمزد هستند. اما این چیزی نیست که رژیم اسلامی آنرا نداند. کارگران به اظهارات شوراهای اسلامی و سرمقاله نویسان روزنامه "کار و کارگر" احتیاجی ندارند. کارگران به عدم تحمل اوضاع موجود و مبارزه برای افزایش دستمزد و حق تشکل و اعتصاب احتیاج دارند.

باتصمیم شورای عالی کار حداقل دستمزد از ابتدای سال ۷۴، ۲۰ درصد افزایش یافت و حداقل مزد روزانه و ماهانه به ترتیب به ۵۳۳۳ ریال و ۱۵۹۹۹۰ ریال رسید. این افزایش تنها شامل حداقل دستمزد میشود و بمعنای آن نیست که دستمزد کلیه کارگران ۲۰ درصد افزایش یافته است. به کلیه دستمزدها ۱۰ درصد و همچنین روزانه ۱۰۵۰ ریال افزوده شده است. لذا به دستمزد کارگران با چند سال سابقه کار و حتی نیمه ماهر کمتر از ۲۰ درصد اضافه شده است. این افزایش اندک به دستمزدها در حالی

### بزرگترین اتحادیه کارگری اتریش جمهوری اسلامی را محکوم کرد

حزب چپ سوئد در بخشی از نامه خود "خواهان ایجاد امکان دیدار و کنترل سازمانهای بین المللی مستقل و مدافع حقوق بشر از زندانهای ایران" شده است. اتحادیه متال در شهر یوله سوئد در بخشی از نامه خود "خواهان حق متشکل شدن کارگران بدون دخالت دولت" شده است. بقیه در صفحه ۲

مرکز خبری کارگر امروز: با فعالیت فعالین کمیته های همبستگی در اتریش و سوئد، بزرگترین اتحادیه اتریش، اتحادیه کارگران متال در شهر یوله در سوئد و همچنین حزب چپ سوئد شاخه شهر یوله با ارسال نامه هایی به سفارتخانه های ایران دستگیری کارگران در ایران را محکوم کردند و خواهان آزادی آنها شدند.

### کارگر امروز رایگان شد

صفحه ۲

"جمال احمد یوسف" از فعالین اولیه و بنیانگذار اتحادیه بیکاران کردستان عراق:

### جدا ماندن "تشکل بیکاران کردستان"

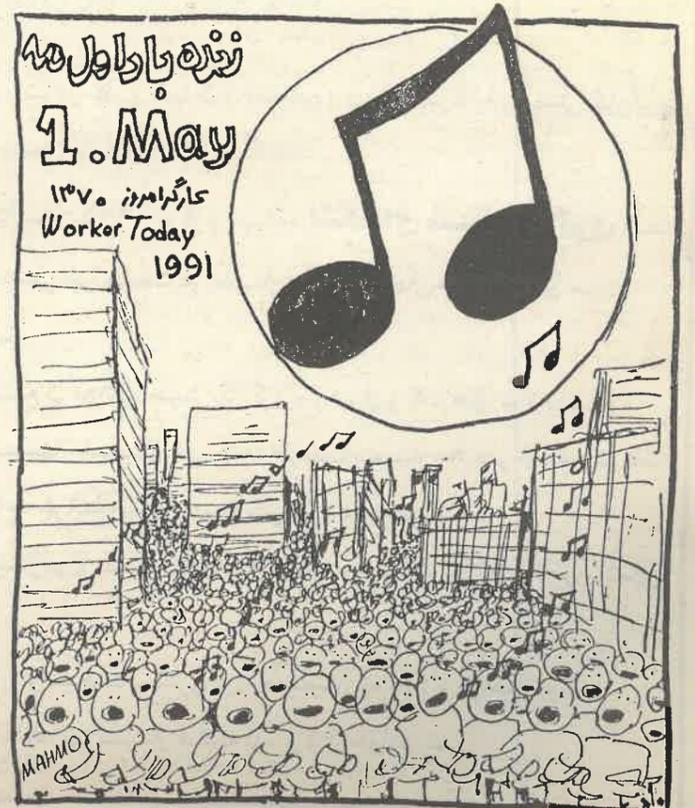
از صف دیگر تشکلهای کارگری، به جنبش ضرر میزند

صفحه ۱۳

درباره اعتصاب کارگران فلز در ایالت بایرن آلمان

### اعتصابی پر از ابهام

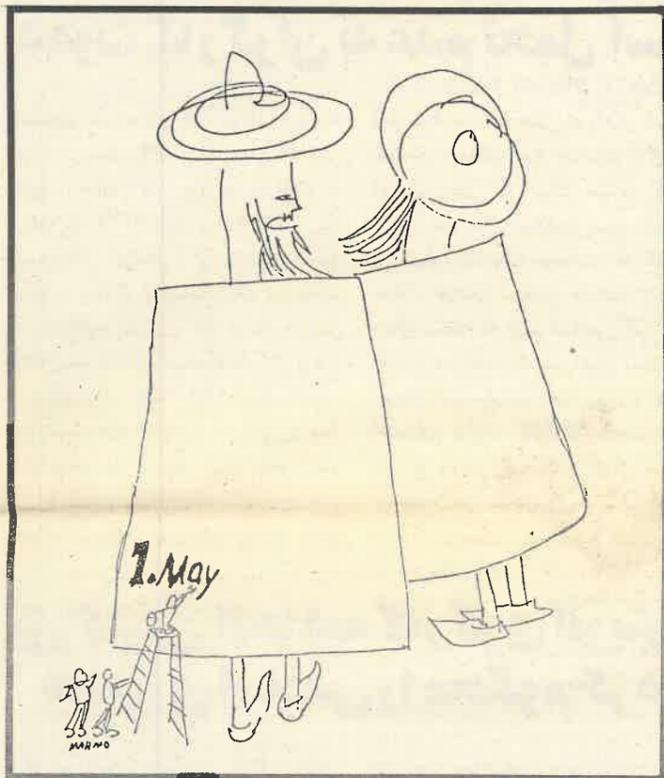
صفحه ۱۰



# کارگر امروز رایگان شد

با همت اسپانسورها و علاقه مندان به نشریه، کارگر امروز رایگان شد. در شماره قبل آمده بود که رایگان شدن نشریه در گرو افزایش تعداد اسپانسورهاست از ۲۰۰ به حدود ۴۰۰ است. طی این مدت به اسپانسورهای کارگر امروز تنها ۵۶ نفر و سه نهاد اضافه شد. سه نفر از اسپانسورهای جدید مایل نبودند نامشان در لیست اسپانسورها درج شود و یکی از نهادها تعهد مالی معادل سه اسپانسور را بعهده گرفته است. از میان تعدادی اظهار داشته اند که بعلت وضع بد مالی تعهد خود را در چند نوبت خواهند پرداخت. با آنکه تعداد اسپانسورهای کارگر امروز هنوز به حدنصاب کافی نرسیده است اما بعلت قولهایی که برای ادامه فعالیت برای افزایش اسپانسورها داده شده است و همچنین قولهای کمک مالی که دریافت کرده ایم، کارگر امروز از این شماره و در ششمین سال انتشار خود رایگان توزیع میشود. از تمام کسانی که برای افزایش اسپانسورهای کارگر امروز تلاش کردند، یا خود اسپانسور شدند، و یا قول کمک مالی دادند تا کارگر امروز رایگان شود، صمیمانه تشکر میکنیم.

کارگر امروز

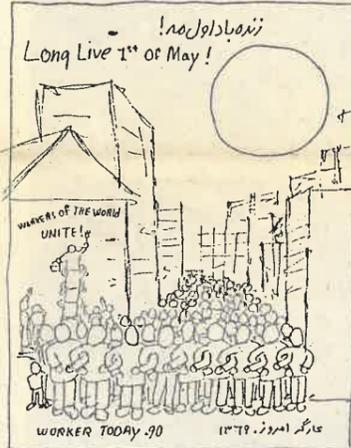


همکاری دیگر کشورها در کنفرانسهای بین المللی علیه این سیاست ضد انسانی تلاش خواهد کرد.

با احترام  
هانس سالموتز - رئیس اتحادیه  
۱۶ مارس ۱۹۹۵

## "همبستگی کارگری" نشریه کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش منتشر شد

شماره های هشتم و نهم "همبستگی کارگری" نشریه کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش منتشر شد. شماره هشتم حاوی مطالب زیر است:  
دستگیری کارگران در ایران. میلیونها افغانی در ایران را خطر دیپورت تهدید می کند. صرفه جویی، نه متشکریم! (مطلبی درباره سیاست صرفه جویی دولت اتریش و تاثیرات آن) ترور فعالین کارگران کردستان عراق همچنان ادامه دارد.  
شماره نهم حاوی مطالب زیر است: متحدا علیه سیاست ضد اجتماعی دولت، خارجیهها و حق انتخاب (پروژه اتحادیه)، معرفی کمیته همبستگی با زنان ایران، تاریخ جنبش کارگری ایران - بخش سوم، "تی-یوسی" سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کرد.



# بزرگترین اتحادیه کارگری اتریش جمهوری اسلامی را محکوم کرد

بقیه از صفحه اول

روزهای اخیر تعدادی از فعالین اتحادیه ای در شهرهای تهران، شیراز، و در شمال ایران را دستگیری نموده است. مطابق گزارش کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد و نیز مطابق گزارش سازمان عفو بین المللی زندانیان سیاسی در ایران شکنجه و اعدام می شوند.  
متن کامل نامه اتحادیه کارگران و کارمندان بخش خصوصی در اتریش را می خوانید.  
آقای سفیر محترم  
مطلع شدیم که دولت جمهوری اسلامی در

## درباره سمینار "تشکلهای مستقل کارگری"

\* موضوع سمینار شامل تمهای زیر است:  
۱ - جنبه های تاریخی، تئوریک و عملی تشکلهای مستقل کارگری  
۲ - طبقه کارگر و احزاب سیاسی و افقهای اجتماعی  
۳ - استقلال طبقه کارگر در عرصه سیاسی  
\* هر یک از کمیته های همبستگی با جنبش کارگری ایران می توانند دو نفر را به انتخاب خود به سمینار بفرستند.  
\* کارگر امروز از شرکت هر چه وسیعتر فعالین جنبش کارگری و کادرها و رهبران احزاب سوسیالیست و درگیر در مسائل کارگری در سمینار استقبال می کند.  
\* کسانی که مایل به سخنرانی هستند باید قبلا رتوس مطالب، تژها و یا متن سخنرانی خود را ارسال دارند. این امر به بهتر برگزار شدن سمینار کمک زیادی می کند. مطالب رسیده تکثیر میشود و در اختیار همه شرکت کنندگان قرار میگیرد.  
\* بعد از هر سخنرانی شرکت کنندگان به اظهار نظر راجع به آن می پردازند و در پایان سخنران فرصت خواهند یافت تا درباره مسائل عنوان شده توسط شرکت کنندگان توضیحات و یا جوابهای خود را ارائه دهند.  
\* هزینه آمد و رفت شرکت کنندگان به کشور و شهر محل سمینار با خود آنهاست. هزینه اجاره سالن، محل خواب و غذای شرکت کنندگان بعهده کارگر امروز است.  
\* مدت این سمینار، محل و تاریخ دقیق آن و همچنین مسائل ریزتری درباره برگزاری جلسات آن به اطلاع شرکت کنندگان خواهد رسید.  
\* سخنرانیها و برگزیده ای از مطالبی که در جلسات سمینار مطرح می شود در یک مجموعه و بصورت کتاب منتشر خواهد شد. بعلاوه تعدادی از متون سخنرانی در نشریه کارگر امروز چاپ میشود و کارگر امروز در نظر دارد با تعدادی از سخنرانان مصاحبه کند. هدف این است که مجموعه نسبتا کاملی از نظرات مطرح شده در سمینار منتشر شود.

\* برای رسیدگی به تمام امور سمینار کمیته ای بنام "کمیته برگزار کننده سمینار" تشکیل شده است و مسئول آن مجید محمدی است. "کمیته برگزار کننده سمینار" به تمام سئوالات کسانی که مایل به شرکت در سمینار باشند پاسخ خواهد داد. برای تماس با این کمیته می توان به آدرس کارگر امروز نامه نوشت.

کمیته برگزار کننده سمینار

## سمینار وسیع کارگر امروز پیرامون

# تشکلهای مستقل کارگری

نشریه کارگر امروز به منظور تبادل نظر و همفکری فعالین و دست اندرکاران جنبش کارگری سمینارهایی را درباره مسائل جنبش کارگری برگزار میکند.

موضوع اولین سمینار که در تابستان ۱۹۹۵ برگزار میشود **تشکلهای مستقل کارگری** است.

جنبه های تئوریک، تاریخی و عملی این مبحث در سمینار و کمیسیونهای تخصصی آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

کارگر امروز از شرکت هر چه وسیع تر فعالین جنبش کارگری و رهبران و کادرهای سازمانها و

احزاب سوسیالیست در این سمینار استقبال می کند. ظرفیت سمینار ۸۰ نفر است و شرکت کنندگان از میان متقاضیان واجد شرایط، انتخاب و به سمینار دعوت می شوند.

علاقه مندان به شرکت در سمینار برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با کارگر امروز تماس بگیرند.

در شماره های آینده کارگر امروز توضیحات بیشتری درباره سمینار به اطلاع خواهد رسید.

این سمینار ویژه اروپا است. در کانادا نیز سمینار مشابه ای برگزار خواهد شد.

ISSN 1101-3516

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

سردبیر: رضا مقدم

شماره فاکس 8-52027259 (46)

مرکزخبری: نشرین جلالی، مریم کوشا

آدرس

شهلا دانشفر، سارا اقبالی

W.T. Box 6278

102 34 Stockholm Sweden

پست گیرو در اسکندیناوی

Post Giro 989012 - 0

حساب بانکی در سوئد

Bank Account:

5201 - 3306 202

S.E. Banken

Stockholm, Sweden

حساب بانکی در آلمان

W.T

Giro Konto 198242

B.L.Z: 50090100

OKO BANK, 60316 Frankfurt 1

Germany

آدرس در آمریکا

W.T

P.O.Box 241412

L.A., CA 90024

USA

آدرس در کانادا

W.T

1111 - 607 Gerrard St.E

Toronto - ON, M4M 1Y2

Canada

## فاجعه بیکاری در اقتصاد از نفس افتاده ایران،

## پنج دهان برای محصول کار یک نفر باز میشود

کمالی: اگر در چند سال آینده دو میلیون و پانصد هزار شغل جدید ایجاد شود، نرخ بیکاری فعلی ثابت خواهد ماند.

در برخی از صنایع خیلی سرمایه بر مانند فولاد مبارکه، برای اشتغال یک نفر ۵۰۰ هزار دلار سرمایه لازم است. در برخی صنایع شیمیایی، مانند صنایع شیمیایی سینا، با حدود ۱۲ میلیون دلار سرمایه گذاری، برای ۲۰۰ نفر شغل ایجاد شده است. اما اگر متوسط سرمایه گذاری لازم برای اشتغال هر نفر را ۲۵ هزار دلار در نظر بگیریم، برای ۴ میلیون نفر در پنج سال آینده نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است.

از میان ۳۰۰ هزار متقاضی شغل در سال ۷۲، ۵۲ هزار نفر به صورت مزدبگیری فرصت اشتغال پیدا کردند. فرصتهای شغلی ایجاد شده در نیمه اول سال ۷۳، تنها ۲۲ هزار نفر بوده است.

سن کار و فعالیت را بین سنین ۱۵ تا ۶۵ سال در نظر بگیریم و با توجه به اینکه طبق آمار رسمی ۴۵ درصد جمعیت ایران در سال ۶۵ در سن کار و فعالیت بوده اند، جمعیت فعال (در سن کار) رقی در حدود ۲۲ میلیون و پانصد هزار نفر بوده است. مطابق آمار موجود رقی در حدود ۳ میلیون و پانصد هزار نفر از افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال مشغول تحصیل در دوره متوسطه، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و گذراندن دوره سربازی بوده اند و به این ترتیب اقتصاد ایران باید در این سال برای نوزده میلیون نفر کار ایجاد می کرد.

تعداد افراد شاغل در این سال طبق آمار رسمی ۱۱ میلیون نفر بوده است. تعداد ۸۰۰ هزار نفر کار فصلی و در واقع بیکار فصلی در این آمار بعنوان شاغل محسوب شده اند. همچنین طبق اسناد مرکز آمار ایران از ۱۱ میلیون افراد شاغل، ۹۳۱ هزار نفر در سنین زیر ۱۵ سال و یا بالای ۶۵ سال قرار داشته اند. در صورتیکه مجموع یک میلیون و هفتصد هزار کارگران فصلی و نوجوانان زیر پانزده سال و سالخوردگان بالای ۶۵ سال را از رقم افراد شاغل کم کنیم، رقم واقعی اشتغال در سنین بین ۱۵ و ۶۵ سال رقی در حدود ۹ میلیون و سیصد هزار نفر بوده است. با توجه به رقم نوزده میلیونی افراد آماده به کار در سال ۶۵، جمعا نزدیک به ده میلیون نفر فاقد شغل و بیکار بوده اند، یا به عبارت دیگر ۴۵ درصد نیروی فعال بیکار بوده اند.

در مورد ارقام واقعی بیکاری در سال ۱۳۷۰، دکتر علی رشیدی می نویسد: در سال ۱۳۷۰ جمعیت کشور طبق آمارهای مرکز آمار ایران ۶۰ میلیون نفر و جمعیت در سن کار (بالای ۱۴ سال و زیر ۶۵ سال) ۲۶ میلیون نفر بوده است. اگر تعداد دانش آموزان دوره متوسطه (۲/۵۲۲ میلیون نفر) و کل دانشجویان (۱/۰۲۳ میلیون نفر) و نیز افراد نیروهای مسلح و وظیفه و افراد ناتوان از کار کردن را جمعا حدود چهار میلیون نفر محاسبه کنیم، اقتصاد ایران باید برای ۲۲ میلیون نفر کار ایجاد کند (۵). تعداد افراد شاغل در این سال حتی با محاسبه کارگران فصلی و شاغلین نوجوان و سالخورده در حدود ۱۲ میلیون و پانصد هزار نفر بوده و به این ترتیب ۹ میلیون و پانصد هزار نفر فاقد هرگونه شغلی بوده اند.

۵۹۲ هزار نفر است که از این جمعیت ۱۲ میلیون ۶۴۱ هزار نفر شاغل و ۱ میلیون ۹۵۱ هزار نفر بیکار (۱۳/۴ درصد) گزارش شده است. اگر این ارقام را با نتایج سرشماری سال ۶۵ مقایسه کنیم می بینیم که علیرغم ۱۰ میلیون و نیم افزایش کل جمعیت در فاصله پنج سال، نیروی فعال کشور تنها یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. احتمالا این بار هم امدادهای غیبی به کمک جمهوری اسلامی آمده است و با کنار گذاشتن زنان از صحنه فعالیت اجتماعی و تولید نیروی فعال کشور و به تبع آن تعداد بیکاران را کاهش داده است. دکتر علی رشیدی می نویسد: سازمان برنامه و بودجه با یکسره کنار گذاشتن زنان خانه دار، نیروی کار کشور در سال ۱۳۷۰ را ۱۴/۵۹۲ میلیون نفر و تعداد بیکاران را ۱/۹۵۱ میلیون نفر (۱۳/۴ درصد) اعلام کرده است که معرف ارقام واقعی بیکاری در جامعه نیست (۴).

## نرخ واقعی بیکاری

محاسبه نرخ بیکاری در ایران از هیچ معیار و منطق شناخته شده در سطح بین المللی پیروی نمی کند. غربیانی نماینده مجلس اسلامی و عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس نیز به این امر اعتراف می کنند. وی در اردیبهشت ماه سال گذشته در مصاحبه با روزنامه سلام میگوید: نرخ بیکاری در سال ۷۲ بر اساس برنامه اول باید به ۱۰ درصد می رسید که ۱۱/۸۴ درصد است. به نظر من این نرخ مطرح شده درست نیست. تعریف بیکاری در ایران منطبق با تعاریف جهانی از بیکاری نیست. بانوان و زنان کمتر متقاضی اشتغال هستند و علی الخصوص در مناطق کشاورزی و دور دست و مناطق محروم، خانمها به مراکز کارایی مراجعه نمی کنند تا آمار متقاضیان زن در آن منطقه معلوم شود. تعدیل نیروی انسانی در حال حاضر انجام می گیرد و فعالیت ها کم است. شاغلین مافصلی و موقت هستند و بعضا اینها در آمار بیکاری مورد محاسبه قرار نمیگیرند. بنظر من درصد بیکاری در حال حاضر بیشتر از میزان اعلام شده است.

کل جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ بر اساس سرشماری عمومی ۵۰ میلیون نفر بوده است. با توجه به اینکه قانون کار جمهوری اسلامی اشتغال نوجوانان کمتر از پانزده سال را ممنوع کرده است، اگر

سال ۶۵ را همانند سال ۵۵ جزو بیکاران منظور کنیم، تعداد بیکاران و نرخ بیکاری به مراتب بیشتر از ارقام ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران است. با توجه به اینکه حدود ۶ درصد کل جمعیت فعال سال ۵۵ بیکاران فصلی بوده اند، حتی اگر فرض کنیم که این نرخ در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۵ ثابت مانده است، باز هم نرخ بیکاری در سال ۶۵ از ۱۴ درصد به ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت (۱). عبدالله طاهری کارشناس اقتصاد کار و نیروی انسانی و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی نیز مشابه چنین نظری را ابراز می کند (۲). بنابراین با منظور کردن کارگران فصلی بعنوان بیکار، نرخ بیکاری به ۲۰ درصد و تعداد بیکاران به ۲/۵۶ میلیون نفر افزایش می یابد.

دومین نکته منظور کردن شاغلین کارهای غیررسمی و کاذب در ارقام مربوط به اشتغال است. بخش غیر رسمی دامنه وسیعی از مشاغل مانند دستفروشی، دوره گردی، مارگری، فال بینی، رمالی، سیگارفروشی، کوپن فروشی، تعزیه گردانی، عریضه نویسی و حتی خرید و فروش مواد مخدر را در بر می گیرد و این مشاغل در دوره حکومت اسلامی رشد سرسام آوری داشته اند. در سرشماری سال ۶۵ شاغلین مشاغل غیرطبقه بندی شده و یا همان مشاغل غیر رسمی ۳۶۰ هزار نفر برآورد شده است. اما غلامعلی فرجادی شاغلین غیر رسمی را بسیار بیشتر از این برآورد می داند. وی می نویسد: آنچه از بررسی های آماری سال ۶۵ بر می آید، این است که از کل ۱۱ میلیون شاغل ۱۰ ساله و بیشتر، ۱/۴ میلیون نفر را افرادی تشکیل می داده اند که دارای مشاغل طبقه بندی نشده بوده اند. به این ترتیب ۱۳ درصد از کل مشاغل کشور را مشاغل غیر رسمی تشکیل می داده اند (۳).

در مورد میزان جمعیت، تعداد افراد شاغل و بیکار و نرخ بیکاری در سالهای اخیر و پس از سرشماری سال ۶۵ آمار و ارقام واحد و یکدستی وجود ندارد. در فاصله دو سرشماری عمومی، ارگانهای ذیربط جمهوری اسلامی به روش آمارگیری نمونه ای آمار و ارقامی را ارائه می دهند که چندان دقیق نیست و به نتایج متفاوتی نیز می رسند.

مرکز آمار ایران جمعیت کشور در سال ۷۰ را ۶۰ میلیون و ۵۶ هزار نفر اعلام کرده است. بر اساس این پیش بینی جمعیت فعال کشور ۱۴ میلیون و

اگر در چند سال آینده دو میلیون و پانصد هزار شغل جدید ایجاد شود، نرخ بیکاری فعلی ثابت خواهد ماند. این سخنان کمالی که روزنامه کار و کارگر آذر ماه درج شده است بیانگر وسعت فاجعه بیکاری در اقتصاد از نفس افتاده ایران است. این ارقام بر اساس نرخ رسمی بیکاری اعلام شده از جانب مقامات جمهوری اسلامی است. در حالی که تعداد واقعی بیکاران در ایران بسیار بیشتر و در حدود دو برابر ارقام رسمی اعلام شده است. در هیچیک از کتابهای آمار و نوشته ها و سخنان مقامات و کارشناسان مختلف جمهوری اسلامی خبری از معیار سنجش و محاسبه تعداد بیکاران نیست. در کشور های صنعتی نرخ بیکاری بر اساس تعداد جویندگان کار و نسبت آن به تعداد جمعیت فعال یا جمعیت در سن کار محاسبه می شود. اما اجرای این روش در ایران به دلایل مختلف از جمله نبود سازمان و تشکیلات مناسب، وجود بیکاری بسیار گسترده و بی اعتمادی بیکاران به کارساز بودن جستجوی کار از طریق ارگان دولتی، امکان پذیر نیست. در حالیکه طبق آمار رسمی دو میلیون بیکار در ایران وجود دارد، منوچهر اشعاری مدیرکل خدمات اشتغال وزارت کار دردی ماه گذشته اعلام کرد که در سال ۷۲ تنها سیصد هزار نفر به عنوان جوینده کار به وزارت کار مراجعه کرده اند. روش دیگر سنجش تعداد بیکاران این است که با کسر کردن تعداد افراد شاغل از کل جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۵ سال) تعداد واقعی بیکاران محاسبه شود، اما همچنانکه بعدا خواهیم دید با این روش تعداد بیکاران نزدیک به دو برابر ارقام رسمی خواهد شد. بنابراین این فرض بسیار محتمل است که در آمارگیری عمومی سال ۱۳۶۵ کلیه کسانی که قبلا کار کرده و در آن مقطع شاغل نبوده اند بعنوان بیکار به ثبت رسیده باشند و در سالهای بعد نیز با توجه به نرخ رشد جمعیت و ترکیب سنی آن، به همین روش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری محاسبه شده باشد.

## ارقام رسمی بیکاری

معتبرترین منبع رسمی برای سنجش نرخ بیکاری نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ است. ارقام جمعیت و نیروی انسانی و اشتغال در سالهای غیر سرشماری که بطور نمونه گیری انجام میشود از دقت چندان برخوردار نیست. طبق سرشماری سال ۶۵ کل جمعیت کشور ۴۹/۴ میلیون بوده است. جمعیت فعال در حدود ۱۲/۸ میلیون نفر محاسبه شده که از این تعداد ۱۱ میلیون نفر شاغل و ۱/۸ میلیون نفر بیکار بوده اند. و بر این اساس نرخ بیکاری ۱۴/۲ درصد محاسبه شده است. در مورد ارقام بیکاری و اشتغال حاصل از این سرشماری در بین کارشناسان و برنامه نویسان جمهوری اسلامی اتفاق نظر وجود ندارد. اولین نکته محسوب کردن کارگران فصلی بعنوان افراد شاغل در سرشماری سال ۶۵ است. در حالیکه در کلیه سرشماری های سالهای ۳۵، ۴۵ و ۵۵ کارگران فصلی بعنوان بیکار محاسبه شده اند. دکتر غلامعلی فرجادی در این مورد مینویسد: در صورتی که بیکاران فصلی

اگر آمار ارائه شده از جانب جمهوری اسلامی را کاملا باور کنیم و کلیه کارگران فصلی و کارکنان مشاغل کاذب را بعنوان شاغل حساب کنیم، مطابق آمار سال ۷۰ از جمعیت ۶۰ میلیونی کشور مجموعا ۱۲ میلیون نفر شاغل بوده اند. به عبارت دیگر جمعیت شاغلین ۲۰ درصد کل جمعیت است و این بدین معنی است که پنج نفر از قبل کار یک نفر ارتزاق می کنند. و پنج دهان برای محصول کار یک نفر باز می شود. این وضعیت خوشبینانه ترین حالت است. اما ناصر حق جو می نویسد: داده های موجود نشان میدهد که بار تکفل ظاهری در سال ۱۳۷۰ معادل ۴/۳ درصد بوده، در حالیکه اگر اشتغال واقعی را منظور کنیم بار تکفل واقعی به ۷/۴ درصد فزونی می یابد که بار تکفلی بالا در مقیاس جهانی است. در صورتی که در حالت متعارف بار تکفل ۲ الی ۲/۵ درصد است (۶). نتیجه مستقیم وابسته بودن اقتصادی پنج نفر به محصول کار یک نفر گسترش فقر و فلاکت بی سابقه در ایران است.

## رانده شدن زنان به کنج خانه

یکی از ویژگی های بارز بازار کار در ایران راندن مداوم زنان از عرصه فعالیت های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بویژه فعالیت اقتصادی است. مطابق آمار رسمی ۴۹ درصد کل جمعیت ایران را زنان تشکیل میدهند. در حالیکه از جمعیت ۶۰ میلیونی ایران در سال ۷۰ بیشتر از ۲۹ میلیون نفر زن هستند، تنها یک میلیون و ۳۱۲ هزار نفر از این جمعیت عظیم در عرصه تولید فعال بوده و شاغل هستند. بعبارت دیگر در مقابل ده مرد شاغل تنها یک زن شاغل بوده است.

شرکت زنان در عرصه فعالیت اقتصادی در دوره حاکمیت دولت اسلامی دانشا محدود شده است. مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵، نرخ اشتغال زنان یعنی نسبت زنان شاغل به کل جمعیت ۳/۶ درصد بوده، اما این رقم در سال ۱۳۷۰ به ۲/۲ درصد کاهش یافته است.

## کار کودکان

مطابق قانون کار جمهوری اسلامی کار نوجوانان زیر پانزده سال ممنوع است. اما در آمارهای مربوط به سرشماری سال ۶۵، ۵۰۳ هزار نفر از شاغلین را کودکان ۶ تا ۱۵ سال تشکیل می دهند، که از این رقم ۱۳۶ هزار نفر کودکان زیر ۱۲ سال هستند. مطابق آمار موجود کار کودکان در روستاها بسیار گسترده تر از شهرهاست و ۱۰۱ هزار نفر از شاغلین زیر ۱۲ سال در روستا زندگی میکنند. بنا بر همین آمار ۳۴ هزار و ۵۰۰ نفر از شاغلین کودک در سنین ۶ تا ۹ سالگی هستند. تنها در بخش صنایع نساجی، پوشاک و چرم بیش از ۷ هزار کودک ۶ تا ۹ ساله مشغول به کار بوده اند. کارگاههای آجرپزی و قالی باقی از مکانهای سنتی کار کودکان در ایران است.

# کارگاه امروز

## فاجعه بیکاری در اقتصاد از نفس افتاده ایران

### پنج دهان برای محصول کاریک نفر باز میشود

بقیه از صفحه ۳

#### افزایش سرسام آور شاغلین بخش خدمات

روند تحولات بازار کار در سالهای ۵۵ تا ۶۵ حکایت از گسترده شدن بیسابقه بخش خدمات و افزایش اشتغال در بخش مذکور دارد. برابر آمارهای سال ۱۳۶۵، از کل جمعیت شاغل ۲۹ درصد (۳/۲ میلیون نفر) در بخش کشاورزی، ۲۵ درصد (۲/۸ میلیون نفر) در بخش صنعت، و ۴۶ درصد (۴/۷ میلیون نفر) در بخش خدمات فعالیت داشته اند. مقایسه این ارقام با ارقام ناشی از سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان میدهد که طی سالهای ۵۵ تا ۶۵ سهم اشتغال در بخش کشاورزی از ۳۴ به ۲۹ درصد، صنعت از ۳۴ به ۲۵ درصد و خدمات از ۲۲ به ۴۶ درصد افزایش یافته است.

بر اساس آمار موجود در طول این دهه از سهم شاغلین بخش کشاورزی و صنعت کاسته شده و به عکس، سهم اشتغال در بخش خدمات شدیداً افزایش یافته است. در این دهه در حالی که بخش صنعت ۲۳۰ هزار شغل را از دست داده است، نزدیک به دو میلیون شغل جدید در بخش خدمات ایجاد شده است. به عبارت دیگر از مجموع ۲/۲ میلیون شغل ایجاد شده در این دهه، دو میلیون مربوط به بخش خدمات و ۳۰۰ هزار نفر در بخش مشاغل غیر رسمی بوده است.

#### گسترش روزافزون تعداد بیکاران

باتوجه به نرخ بسیار بالای رشد جمعیت در ایران از یک طرف و از هم پاشیدگی

کامل اقتصاد ایران، کاهش درآمد نفت، افت شدید سرمایه گذاری ها و کمبود سرمایه از طرف دیگر، تعداد بیکاران در ایران بطور تصاعدی افزایش می یابد.

در مورد تعداد جویندگان کار که هر سال وارد بازار کار میشوند و همچنین فرصت های شغلی ایجاد شده برای ایجاد اشتغال نظر واحدی در میان کارشناسان و برنامه ریزان جمهوری اسلامی وجود ندارد. اما با یک حساب سرانگشتی می توان به خیل عظیم جویندگان کار که وارد بازار کار میشوند پی برد. با توجه به نرخ ۳ درصدی رشد جمعیت در ایران، هر سال تعداد دو میلیون نفر از جمعیت به سن کار میرسند. حتی اگر فرض کنیم که نیمی از این جمعیت بعنوان متقاضی شغل وارد بازار کار شوند، برای ثابت نگهداشتن نرخ بیکاری فعلی، هر سال باید یک میلیون فرصت شغلی ایجاد شود.

برآوردهای رسمی مقامات دولتی متقاضیان جدید کار در هر سال را با حذف کامل زنان بعنوان نیروی فعال جامعه نیم میلیون نفر ارزیابی کرده و بر این اساس ایجاد نیم میلیون شغل تازه در هر سال در طول برنامه دوم توسعه اقتصادی را هدف قرار داده است. اما پیش بینی های متفاوتی نیز در میان دست اندر کاران وجود دارد.

دکتر علینقی مشایخی، رئیس موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه سازمان برنامه و بودجه می نویسد: تعداد افراد بین ۱۵ تا ۱۹ سال در سال ۱۳۷۴ حدود ۶/۳ میلیون نفر بوده است. بدین معنا که این افراد در ۵ سال آینده به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال وارد می شوند و برای پیدا کردن کار وارد بازار کار خواهند شد. اگر از

این ۶/۳ میلیون نفر حدود ۶۰ درصد وارد بازار کار شوند، در واقع چیزی در حدود ۴ میلیون نفر وارد بازار کار خواهند شد. یعنی در پنج سال آینده به طور متوسط حدود ۸۰۰ هزار نفر در سال به جستجوکنندگان کار اضافه خواهد شد (۷). به نظر وی در پنج ساله دوم افرادی که در حال حاضر در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و به تعداد ۷/۸ میلیون نفر هستند وارد بازار کار خواهند شد و ابعاد بیکاری سال به سال وسیعتر می شود.

آیا ایجاد حتی نیم میلیون شغل تازه در سال امکان پذیر است؟ مطابق آمار رسمی موجود میانگین شغل ایجاد شده در سالهای ۵۵ تا ۶۵ کمتر از ۳۰۰ هزار نفر و در سه دهه ۳۵ تا ۶۵ کمتر از ۲۰۰ هزار نفر در سال بوده است. با توجه به اینکه در شکوفاترین سالهای توسعه اقتصادی ایران در سالهای قبل از ۵۷ با درآمد هنگفت نفتی و سرمایه گذاریهای خارجی میزان اشتغال سالیانه کمتر از ۲۰۰ هزار نفر بوده است، ایجاد نیم میلیون شغل در سال در شرایط افت شدید درآمدهای نفتی و بی اعتمادی بخش خصوصی و سرمایه گذاران خارجی به سرمایه گذاری در ایران خواب و خیالی بیش نیست. در این مورد آماری که وزارت کار ارائه داده است موید ناتوانی اقتصاد ایران از ایجاد فرصت های شغلی تازه است. منوچهر شعاری مدیر کل خدمات اشتغال وزارت کار در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی که متن آن در روزنامه سلام بیستم دی ماه سال گذشته چاپ شده، اعلام کرد از میان ۳۰۰ هزار متقاضی شغل در سال ۷۲، ۵۲ هزار نفر به صورت مزدبگیری فرصت اشتغال پیدا کردند. وی همچنین فرصتهای شغلی ایجاد شده در نیمه اول سال ۷۳ را ۲۲ هزار نفر اعلام کرد. باید توجه کرد که در همین سال ۷۲ حداقل ۱۰۰ هزار کارگر مشمول قانون کار بویژه در بخش صنعت اخراج شده و به خیل بیکاران پیوستند. همچنین در سال ۷۱، حسین کمالی، وزیر کار اعلام کرد، در حالی که سالانه ۴۰۰ هزار نفر وارد بازار کار میشوند، تنها برای ۳۵ هزار نفر کار

ایجاد می شود. بحران و بی ثباتی سیاسی و کمبود امکانات اقتصادی در ایران هرگونه امکانی را از جمهوری اسلامی برای غلبه کردن بر مشکل بیکاری و حتی ثابت نگهداشتن نرخ آن سلب کرده است. گذشته از بی ثباتی سیاسی، در مورد امکانات اقتصادی جمهوری اسلامی برای حل مشکل بیکاری نظرات علینقی مشایخی کارشناس سازمان برنامه و بودجه بقدر کافی گویاست. وی مینویسد: سرمایه گذاری لازم برای اشتغال یک نفر بسته به این که در چه نوع صنعت و حرفه ای اشتغال ایجاد شود متفاوت است. در برخی از صنایع خیلی سرمایه بر مانند فولاد مبارکه یا مجتمع های پتروشیمی، برای اشتغال یک نفر ۵۰۰ هزار دلار سرمایه لازم است. در برخی صنایع شیمیایی پایین دست صنایع پتروشیمی، مانند صنایع شیمیایی سینا، با حدود ۱۲ میلیون دلار سرمایه گذاری، برای ۲۰۰ نفر شغل ایجاد شده است. اما اگر متوسط سرمایه گذاری لازم برای اشتغال هر نفر را ۲۵ هزار دلار در نظر بگیریم، برای ۴ میلیون نفر در پنج سال آینده نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است که برای هر سال ۲۰ میلیارد دلار می شود. البته این سرمایه گذاری ناخالص است و به همین مقدار سرمایه گذاری برای جبران استهلاک سرمایه لازم است. حتی بدون منظور کردن استهلاک، مبلغ ۲۰ میلیارد دلار رقم بسیار بالایی است. حتی اگر بخواهیم نصف این مبلغ را در نظر بگیریم باز هم رقم بسیار بالایی است و از این رو ابعاد مشکل بیکاری در کشور بسیار وسیع است (۸).

نیاز به چنین سرمایه هنگفتی در شرایطی است که در طول سالهای ۷۱ و ۷۲ بدنبال یک نرخ شدن ارز و نبود سرمایه برای ورود مواد اولیه و لوازم یدکی، صدها کارخانه و مرکز تولید تعطیل شده و صدها هزار نفر کارگران شاغل به صف بیکاران پیوستند. بیکاران، فاقد تامین اجتماعی بیکاران در ایران فاقد هرگونه تامین

اجتماعی جدی هستند و میلیونها بیکار تحت پوشش بیمه بیکاری قرار ندارند. قانون بیمه بیکاری که در شهریور ماه سال ۶۹ به تصویب رسید تنها بخش بسیار ناچیزی از جمعیت چند میلیونی بیکاران را تحت پوشش قرار می دهد. این قانون هیچ تعهدی نسبت به بیکاران موجود نداشته و تنها کسانی را شامل می شود که قبلاً شاغل بوده و علیرغم میل خود از کار بیکار شده اند. همچنین از میان کارگران شاغل تنها شامل کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی شده و به این ترتیب میلیونها کارگر شاغل در بخش ساختمان، کوره پزخانه ها و کارگران کارگاههای کوچک که تحت پوشش قانون کار و قانون تامین اجتماعی نیستند، خارج از دایره شمول قانون بیمه بیکاری قرار گرفته اند.

در مورد تعداد بیکارانی که از مزایای این قانون پس از تصویب آن استفاده کرده اند، ارقامی که از طرف وزارت کار ارائه شده است، نشانگر پوشالی بودن این قانون و بی تاثیری مطلق آن در تامین زندگی بیکاران است. مطابق ارقام ارائه شده، در سال ۱۳۷۰ تنها ۱۹ هزار نفر تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته اند. همچنین در سال ۱۳۷۲ که موج بیکارسازی ها صدها هزار کارگر را به صف بیکاران پرتاب کرد، تنها ۳۶ هزار نفر تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفتند.

- ۱ - نشریه برنامه و توسعه، پاییز ۱۳۷۱
- ۲ - مجله ایران فردا، شماره ۱۵، مهر و آبان ۱۳۷۳
- ۳ - نشریه برنامه و توسعه، پاییز ۱۳۷۱
- ۴ - اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۶ - ۸۵، مهر و آبان ۱۳۷۳
- ۵ - اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۶ - ۸۵
- ۶ - مجله ایران فردا، شماره ۱۵، مهر و آبان ۱۳۷۳
- ۷ - مجله ایران فردا، شماره ۱۵
- ۸ - مجله ایران فردا، شماره ۱۵

بیکاران در ایران فاقد هرگونه تامین اجتماعی بیکاران در ایران فاقد هرگونه تامین

## پاسخ به نامه ها

از این شماره کارگر امروز ستونی تحت عنوان "پاسخ به نامه ها" درج خواهد شد. در این ستون به نامه هایی که احتیاج به پاسخ داشته باشد و همچنین مسائلی که کارگرمروزی بخواهد با خوانندگان و همکاران خود در میان بگذارد درج میشود.

\* بهای نشریه در کیوسکها و مراکز حرفه ای توزیع تنها معادل حق الزحمه فروشنده است.

\* کسانی که مایل هستند کارگر امروز را توسط پست دریافت کنند باید هزینه آنرا که برای هر شماره معادل یک مارک آلمان و سالانه ۸ مارک است، بحساب کارگر امروز واریز کنند و یا در جوف پاکت به آدرس کارگر امروز ارسال دارند.

\* با رایگان شدن نشریه بسیاری از مشترکین مبالغی از کارگر امروز طلبکار میشوند. برای این مشترکین بابت طلبشان، با احتساب معادل هر مارک آلمان بابت یک شماره، نشریه توسط پست ارسال می گردد.

\* از شماره آینده، کارگر امروز برای تمام اسپانسرهای نشریه توسط پست ارسال میشود مگر آنکه خودشان ترجیح دهند از طرق دیگری نشریه را بدست آورند و این

ارسال میشود همچنان معتبر است یا باید نشریه را به آدرس جدیدتان ارسال کرد.

\* دبیرخانه فنرایسون - واحد آلمان، نشریه برایتان ارسال خواهد شد.

\* نلیمان قاسمیانی، آبونمان مورد نظر شما وقتی به دست ما رسید که کارهای آبونمان کارگر امروز ۵۲ تمام شده بود.

\* صاحب صندوق شماره ۴، پول ارسالی تان رسید.

\* بهروز ناصری، ما آدرس شما را با نام دیگری در لیست آبونمان داریم، آیا میخواهید که با نام خودتان برایتان نشریه بفرستیم؟

\* رفیق م. ستاره، از کمک مالی ماهانه تان سپاسگزاریم آیا این کمک مالی همچنان از طرف شما و رفیقمان دیگرمان است.

### کمکهای مالی

م. ستاره ۲۰ مارک، مسعود زازی ۲۵ مارک، روناک ن. ۱۰۰ کرون، دوستداران کارگر امروز در جنوب کالیفرنیا ۲۰۰ دلار، غفار و شیرین ۱۰۰ کرون، جمع آوری توسط محمد کاکو، ۲۲۰ کرون برای کمک به خانواده کارگران زندانی.

بقیه در صفحه ۸

### اسپانسرهای کارگر امروز

#### نهادهای:

کمیته همبستگی کارگران ایران - کانادا، کمیته کارگری ایران - آمریکا، مرکز مطالعات کارگری سوسیالیستی - استکهلم، حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران، نشریه انترناسیونال، نشریه کارگر کمونیست، نشریه کربکار نه سرو (کارگر امروز به زبان کردی)، عراق، نشریه عامل الیم (کارگر امروز به زبان عربی) عراق، نشریه بویسه وه - عراق، حزب کمونیست کارگری عراق، کمیته همبستگی کارگران ایران - انگلستان، کمیته همبستگی با کارگران ایران - فرانسه، کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش، کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد، کمیته دفاع از حقوق زنان عراق در ترکیه، خانه حزب کمونیست کارگری ایران) در کابل - آلمان، فنرایسون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی - واحد آلمان.

#### افراد:

ایرج آذرنی، مهدی آردی، شیدا آروسیان، نیما آتش افروز، فرید آرمان، آفر. محمد آستگران، بهار آزاده، صابر آزاد، ثریا آرش، محمود احمدی، ریموار احمد، محسن ابراهیمی، هاجر احمد، زهرا اسدی، مرضی افشاری، هادی اسماعیلی، سیمین ارشدی، حسین احمدی نیا، پرشنگ احمد، ناصر اصغری، ستور احمد، فریدون الیز، اکبر، صلاح ایران دوست، زری اصلی، سیاوش المونی، شاهپور امیری، لیلی ارشدی، ثریا احمدی نیا، نعلال احمد، مهرداد امجدی، سعید احمد، رویا امیری، شیرین ارجمند، مجید اخوان، نادر افغانی، سارا اقبالی، روزبه افشاری، مجید الوند، مسعود اژنگ، فاتح بهرامی، فرهاد بشارت، نوری بشیر، مجید بهروزی، حمید بشارت، نادر بکناش، حبیب بزرگر، نسرتین بشارت، سوسن بهار، مریم بشارت، پدازم، ب. فرهاد بزرگر، بیژن بهزادی، سیامک بهاری، بهزاد بارخدا، میترا پرومند، فلورا پژمان سعید پرتو، لیدا پژوهش، ارغوان پایدار، امیر پیغام، خالد پاک نژاد، فرید پرتوی، رضا پایا، زینا پرتیا، حمید تقوایی، پروین تقفی، نسرتین جلالی، صمد جلالی، صمدی جهانی، غلام جمالی، ح. جعفر، بهرام جمشیدی، علی جوادی، مریم جوادی، جوادی، میرزا چارلنگ، منصور جلائی، امیر حسن زاده، جمال حاج رستمی، رحمان حسین زاده، آسو حامدین، خالد حاج محمدی، شمس الدین حکیمی، بهرام حیدری، ماجد حکمت، طاهر حسن، مجید حسینی، حبیب خالقی، علی خنری، شهاب دانش، فراد درویش، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور، لیدا دانش، امیر رحمانی، آیت زرمجو، خالد رحمانی، جعفر رسا، رضا روانسر، سلاخ رسول، یوسف رسولی، مسعود رازی، ج - رینوار، بهرام رحمانی، گیتی زمانی، لاله زندی، سیامک ستوده، کیومرث سنجر، کمال سلطانیان، ماجد سعید، نسیم سیار، سوسن، تقی سلطانی، حسام، س. امیر صالح سروری، مجید سیمانی، علی سگالی، منوچهر سلطانیان، بختیار سامی، جاوید سلامی، خسرو سایه، فروغ سیمایی، رستگار سیمانی، بهرام شورش، رحمان سپهری، حسن ساججلائی، رضا شهرستانی، مصلح شیخ الاسلامی، یمن شفیق، شیشه گر، فاتح شیخ الاسلامی، م. صبوری، مصطفی صابر، شهرام صنیعی، ساعد صارمی، مرخیه صفری، ابراهیم صادقی، جهان صابری، عبدالله سعید مرادی، جمال طبری، مهدی طاهری، ریموار عارف، نارام علی، پرویز عزیزیان، توران ع. یاسین علی، غفار غلام ویسی، حمید فرامرزی، علی فرهنگ، آزاد فراموند، محمد فضل، پریستا، ف. زهرا فرید، علاء فرهاد پور، حسین فخر شیخ، بابک فرامانی، ایرج فرزاد، محسن فائز، حمید قربانی، فهیمه تقوی، سلیمان قاسمیانی، محمود قزوینی، لیلی قانع، علی کتابی، علی کارگر، اصغر کریمی، سعید کرامت، سعید کارگر، حمید کریم، ذلیل کیوان، یوسف کهن، هبیت کاکاوند، امان کفا، سامان کریم، محمد کریمی، اعظم کم گویان، اردلان کعب، محمود کتمانی، محمد کاظمی، پرویز کاروان، مریم کوشا، علی کهن، عبدال گلبریان، بهروز گلشن، آند گلچینی، همایون گلزارگر، آذر ماجدی، ایرج مصطفایی، شایسته محمدیان، مظفر محمدی، آذر مدرسی، مجید محمدی، پدی محمودی، جلال محمدی، شیوا محمودی، حسین مراد بیگی، احمد معین، دلاور محمد، رضا منش، اسماعیل مولودی، حبیب مرادی، پروین معانی، حمید محمودی، کورش مدرسی، مسعود ناظری، آزاد نسیم، مریم نیک فر، ناصر، چلال نیکخواه، ترگس نوری، داروش نیکبام، کاظم نیکخواه، بهروز ناصری، ستار نوری زاده، بهرام نویدی، فریدون ناظری، آند نویدیانی، فروزی نصرت پور، اسماعیل ویسی، وارطان، حسن وارث، احمد هدایت، محمد هوشمند، ابراهیم هلالی، فریا هالکی، بیژن هدایت، مسعود یلقانی، شهرام یوسفی، ناصر یادگار، د. ناسو، موسی یوسفی، ر. ناسو، فهیمه یزدان پرست، م. یونس، علی هادی.

## نامه به سر دیر

نامه‌ها بی که به قصد درج در این ستون ارسال میشود با ید:  
۱ - کوتاه باشد  
۲ - تا پیل شده یا کاملا خوانا باشد  
۳ - چنانچه نویسنده ما پیل به درج نام خود نیست تصریح شود تا امضا محفوظ بماند  
کارگر امروز در انتخاب و تلخیص نامه‌ها آزاد است

## سرمایه داران صف طویل بیکاران را به رخ می کشند

مزایای دیگر را بگیرد. این خیلی روشن است که برای کار در خط تولید که باید پیچ و مهره‌ها را سفت کرد، احتیاج به لیسانس از دانشگاه نیست. خود جنرال موتورز در دوران رونق که به کارگر احتیاج داشت با تبلیغ و ترویج، کارگران امروزی خود را از صندلی مدرسه‌ها به محل کارخانه کشیده است. در چند سال گذشته اتحادیه‌های اتومبیل سازی حتی در مواردی از حقوق و مزایایی که از قبل با کارفرما در مورد آن به توافق رسیده بودند دست برداشتند و یا آنرا کاهش دادند تا به اصطلاح از بستن کارخانه و انتقال آن به جاهای دیگر (که یکی دیگر از حربه‌های رایج سرمایه داران در این عصر است) جلوگیری کنند. بنابه یک گزارش که توسط اتحادیه‌های کارفرماها چندین پیش چاپ شد رابطه کارفرماها و کارگران (اتحادیه‌ها) در چند سال گذشته به یمن درصد بالای بیکاری در جامعه خوب بوده است. اعتراضات و حرکات کارگری نسبت به قبل کاهش یافته است. اتحادیه‌ها معمولاً تلاش می کنند که هر طوری که شده است قبل از اتمام مدت قراردادهای کارفرما به توافق برسند. برای خیلی از اتحادیه‌ها حفظ همین حد از حقوق و مزایای کارگران یک پیروزی است. قطعاً تا زمانی که مشکل بیکاران به مشکل کارگران شاغل تبدیل نشود، سرمایه دارن با حربه بیکاری دمار از روزگار کارگران شاغل در خواهند آورد. مگر نه اینکه کارگران بیکار امروزی همان کارگران شاغل دیروز بوده اند و یا کارگران شاغل امروز کارگران بیکار فردا خواهند شد. باید برای سازماندهی کارگران بیکار و جلب حمایت شاغلان از آنها فعالیت کرد.

پخش تصویر صف های طولانی کارگران بیکار متقاضی کار، و مصاحبه آنها که در آن گوشزد می‌کردند که اگر استخدام شوند حاضر به هر کاری هستند. بار دیگر به درستی نشان داد که باید برای سرنگونی این نظام گندیده سرمایه داری تلاش کرد. دنیایی که اگر در دست صاحبان واقعی آن یعنی کارگران می بود، برای همه انسانها شغل و امکانات رفاهی برابر و یکسان و یک زندگی شرافتمندانه را بوجود می آورد. به امید روزی که جهان بدست صاحبان واقعی آن، کارگران، بیافتد.

حمید محمودی  
کانادا

سردبیر کارگر امروز!

در اواسط ژانویه ۹۵، کمپانی جنرال موتورز در استان انتاریو (کانادا) اعلام کرد که قصد دارد حدود ۱۳۰۰ نفر را استخدام کند. در روز مورد نظر بیش از ۱۶ هزار نفر فرم استخدام را پر کردند. تعدادی از آنها از شب قبل در محل حاضر شده و شب را در سرمای صفر درجه به صبح رسانده بودند. کمپانی که با تعداد زیاد متقاضیان روبرو شده بود یک روز دیگر توزیع برگه استخدام را تمدید کرد. در کل بیش از ۲۶ هزار برگه استخدام بین متقاضیان کار در جنرال موتورز توزیع شد. این در شرایطی بود که در مورد استخدام و تعداد آنها هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده بود. این امر موکول به تصمیم نهایی کمپانی مرکزی مینی بر افزودن یک شیفت در این کارخانه شده است.

بنابه گزارش دولت، کانادا حدود یک میلیون و شصت هزار نفر (۱۰/۵ درصد) بیکار دارد. این تعداد شامل کارگران فصلی، نیمه وقت، کارگرانی که دارای درآمد خیلی کم و حقوق پائین در حد همان سطح "ولفر" هستند و یا امنیت شغلی ندارند و هر زمان امکان اخراجشان هست، نمی شود. با اعلام استخدام جنرال موتورز برای کار ثابت و با حقوق تا ۲۲ دلار در ساعت، بیش از ۲۶ هزار نفر از سراسر استان انتاریو و استانهای دیگر برای پر کردن برگه استخدام به محل پخش برگه هجوم آوردند. اخبار این واقعه و عکس صفهای طویل و مارپیچی آن سرتیتر روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری شد.

اما برآستی جنرال موتورز چه اهدافی را دنبال می کند؟ اگر جنرال موتورز واقعا می خواست برای افزایش یک شیفت کارگر استخدام کند، لازم نبود تا با اعلام قبلی و علنی کسی را استخدام کند. هزاران کارگر جنرال موتورز در چند سال گذشته اخراج شده اند و هزاران کارگر بیکار دیگر نامشان در لیست اداره های کاریابی ثبت شده است. جنرال موتورز اگر واقعا اهداف مشخصی را دنبال نمی کرد دست به چنین کاری نمیزد. جنرال موتورز می خواهد با به رخ کشیدن بیکاری در جامعه و به رخ کشیدن ۲۶ هزار برگه تقاضای کار که بیشتر آنها به گفته یکی از مدیران جنرال موتورز دارای لیسانس و دیپلم از دانشگاه‌ها و کالج های مختلف هستند، جلوی اعتراض کارگران برای اضافه دستمزد و

## ادامه جنبش مطالبه افزایش دستمزد در سوئد

سردبیر کارگر امروز!

در ماههای آخر سال ۹۴ اتحادیه فلز وابسته به "ال او" (اتحادیه سراسری کارگران سوئد) با طرحی مبنی بر کاهش ۱۰۰ ساعت کار سالانه آغازگر مباحث افزایش دستمزد بودند که قرار است به زودی کارفرماها و "ال او" بر سر آن به مذاکره کنند. هدف اتحادیه فلز ایجاد اشتغال برای بخشی از بیکاران و در عین حال افزایش دستمزد بود. آنها افزایش دستمزد خود را در بطن طرح کاهش ساعت کار با حفظ دستمزد بررسی میکردند. وقایع بعدی و خصوصاً گسترش عمیق تر مطالبه افزایش دستمزد در درون بخشهای مختلف جنبش کارگری و اتحادیه‌ها، و در عین حال کوتاهی چشمگیر اتحادیه فلز از طرح خود که متأثر از برنامه عمل رهبری "ال او" بود، نشان داد اتحادیه فلز نمی تواند تاثیر مثبتی بر این روند داشته باشد. مطالبات رادیکالتری از جمله از سوی کارگران اتحادیه ترابری - تجارت و بخش تولید کاغذ به راس این بخش کشیده شد. جهت عمومی طرح افزایش دستمزد این اتحادیه‌ها با طرح و جهت "ال او" خوانانی ندارد. در مجموع آنها خواهان چند درصد افزایش دستمزد بیشتر از آنچه که "ال او" آنرا اعلام کرده است، هستند.

"ال او" از ابتدای سال جاری رسماً و علناً از کارگران خواست امسال افزایش دستمزد را مطالبه نکنند و در عوض با همکاری کارفرماها "اشتغال" بیشتر بیکاران را در دستور کار خود بگذارند. رهبری "ال او" نتوانسته مانع گسترش جنبش مطالبه افزایش دستمزد شود. لذا سعی کرد بسرعت خود را با آن "تطبیق" دهد و به نوعی دیگر مانع گسترش بیشتر آن شود. افزایش دستمزد به میزان ۳/۵ درصد از طرف "ال او" طرح شد و البته تائید کارفرماهای سوئد را نیز بر خود دارد.

اتحادیه سراسری کارفرماهای سوئد با گذاشتن اما و اگر و تبصره های مختلف سعی در تکه تکه کردن همین ۳/۵ درصد افزایش دستمزد کرد. مثلاً آنها می گویند در سال ۹۵، ۱/۵ درصد به مالیات بر درآمدشان افزوده شده است و ۱/۵ درصد دیگر افزایش دستمزد برای بخشها و یا افراد دیگری از کارگران، طبق قرارداد منعقد شده را باید بحساب آورد. لذا ما (کارفرماها) می توانیم بر افزایش نیم درصد به توافق برسیم.

لازم به تذکر است که طرح افزایش ۳/۵ درصد و ممکن بودن آن از طرف کارشناسان اقتصادی هر دو بخش "ال او" و اتحادیه کارفرماها طرح شد. اختلاف بخشهایی از اتحادیه‌های کارگری با رهبری "ال او" علاوه بر طرح مطالبه بیشتر افزایش دستمزد در سطح سراسری، بر افزایش بیشتر دستمزدهای آن بخش از کارگران زن و مرد که از دستمزد بسیار پائین برخوردار هستند نیز تاکید دارد. دبیر اتحادیه فلز علاوه بر اینکه به طرح رهبری "ال او" تن در داد، اعلام کرد که بدون اتحادیه‌های صنایع کاغذ، تجارت و ترابری امکان تحقق خواسته‌های ما نیست. رهبری "ال او" و سوسیال دمکراتها برای حفظ بقا و حاکمیت خویش به عوامفریبانه ترین شگردهای سیاسی در پروسه سیاست "رفرم طلبی شان" متوسل می شوند.

رفرم امروز برای آنها نه افزایش سطح معیشت کارگر بلکه دقیقاً برعکس کاهش هر چه بیشتر موقعیت اقتصادی و بی محتوا کردن موقعیت سیاسی و اجتماعی کارگران است.

واقعیت این است حتی اگر ۳/۵ درصد افزایش دستمزد نیز بدون چون و چرا از طرف کارفرماها پذیرفته شود (که بسیار محتمل است) در مقایسه با ۷ - ۶ سال گذشته هنوز طبقه کارگر میزان دستمزد و درآمد خود را به میزان بالاتر از ۱۰ درصد از دست داده است. به این افزایش مالیات‌های سنگین دوره جدید حکومت سوسیال دمکرات و گرانی روز افزون کالا را اضافه کنید تا دقیق تر عمق تنزل سطح درآمد کارگر را در سوئد متوجه شویم.

درست در دل این جنبش، دولت سوسیال دمکراتها دو طرح را، که هر دو در ضدیت مستقیم و بیشتر با زندگی و هستی کارگران است به میدان کشیده اند. ۱ - قطع ۱۵ روز مرخصی از ۳۰ روز مرخصی تعطیلات تابستانی. ۲ - کاهش مزد و قطع هزینه رفت و برگشت بر سر کار از کارگران بیکار و یا کارگرانی که تحت پوشش اتحادیه‌ها نیستند. دستمزد اینها قرار است از ۲۴۴ به ۱۴۴ کرون در روز کاهش بیاید. (بعد از کسر مالیات) وقاحت و بی شرمی این اشرافان را چگونه میتوان توضیح داد. از یک سو در پوشش دفاع و نمایندگی از کارگر می گویند ۳/۵ درصد افزایش دستمزد و از سوی دیگر با یک قلم حق ۱۲۰ ساعت دستمزد کارگران را در سال کنار می زنند. (۱۵)

## مافیای جهانی سرمایه داری است و بس

سردبیر کارگر امروز!

شاید اید در شهر ناپل ایتالیا کنفرانسی علیه مافیای ایتالیا و گروههای مشابه آن از جمله گروه مافیایی ژاپنی "یاکوزا" و "تربادز" هنگ کنگ و گروههای تازه کار مافیای روسی تشکیل شد. در این کنفرانس که به مدت سه روز بود نمایندگان ۱۳۸ کشور در آن شرکت کردند. سخنران جلسه آقای "پطروس غالی" که دبیرکل سازمان ملل است در سخنانش گفت:

"با سقوط کمونیسم و جدا شدن قسمتها و ملتهای مختلف و جنگهای ملی، و فقر بیشتر در کشورهای جهان سوم، اینها باعث بوجود آمدن و قدرت گرفتن مافیا در جهان شده و باید قانون ما علیه قانون جنگل برقرار شود."

البته باید یادآور شوم که نخست وزیر پولدار دولت ورشکسته ایتالیا هم در این جلسه شرکت داشت! راستی این آقایان دست هر چه کلاهبردار و دزدگو را از پشت بسته اند. کسی نیست به این آقایان بگوید که مافیای ایتالیا سالها در خدمت دولت آمریکا و سازمان سیا بوده و در کشتار کمونیستهای ایتالیایی و کارگران مبارز دست داشته است. در جنگ دوم جهانی دولت آمریکا حتی یکی از بزرگترین رهبران مافیا را از زندان

روز مرخصی) و در عین حال دز ازای ۳/۵ درصد کمک به افزایش دستمزد در یک قلم دیگر، علاوه بر قطع هزینه رفت و برگشت به محل کار فقط از دستمزد بخش زیادی از کارگران ۴۱ درصد کم می کنند.

قرارات این طرحهای ضد کارگری دولت سوسیال دمکراتها در اواخر مارس یا اوایل آوریل در مجلس به رای گذاشته شود. این طرح چه رای بیاورد و چه نه، یکی از نتایج واقعی و مادی آن افشای چهره دروغین بیشتر سوسیال دمکراتها خواهد بود. از همین حالا از دهها محل کارگری امضاء و طومار های فراوانی علیه آن جمع آوری شده و روانه مجلس شده و می شود.

به اعتقاد من هدف مستقیم و آبی این طرحها در درجه او خنثی کردن جنبش مطالباتی افزایش دستمزد است که به یک معضل جدی در جنبش کارگری سوئد تبدیل شده است. آنها در دل همه حمله ها و بمباران تبلیغاتی علیه کارگران و معیشت آنها، می‌خواهند سرانجام آنطور که خود مناسب میدانند قرارداد سراسری امسال کارگران را با کارفرماها منعقد کنند. و برای دوره ای طولانی هر نوع راه "قانونی" برای مبارزه افزایش دستمزد را از کارگران سلب کنند. این تکرار سیاست ضدکارگری سوسیال دمکراتها در خصوص حق اعتصاب در گذشته است که سرانجام و امروز غیر قانونی است مگر اینکه سوسیال دمکراتها و یا نمایندگان آنها در رهبری "ال او" آنرا صلاح بدانند. جاوید سلامی - سوئد

آزاد کرد تا علیه هیتلر با آمریکا همکاری کند. باید از این آقایان پرسید چرا حالا علیه مافیا برخاسته اید؟ چرا که دولت بحران زده ایتالیا برای نجات خودش کاسه و کوزه‌ها را سر مافیا خراب می کند تا خودش را از دسترس کارگران ایتالیایی دور نگه دارند.

جنگ ملتها و قومهای مختلف در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا و اروپا مگر بخاطر رقابتهای کشورهای سرمایه داری نیست، یعنی همان قانون جنگل که هر کس بفکر خودش و نجات خودش است. مافیای اصلی سرمایه داری جهانی است و بس. و هر روز از عمر آن مساوی است با کشتار و قحطی و بیماریهای همه گیر و فقر و بدبختی بیشتر.

این کنفرانسهای پر خرج و بوروکراتیک و تمام کنفرانسهای مشابه آن جز وقت تلف کردن و گول زدن زحمتکشان دنیا و نقاب دموکراسی زدن بر چهره کثیف سرمایه جهانی بیش نیست. به اسم غذا رساندن به توده های میلیونی، کشتار می کنند. به اسم دموکراسی علیه دموکراسی می جنگند. سرمایه جهانی بحرانهایش پدر می شود و این سرطان هر روز به قلب آن نزدیکتر می شود. اکبر - انگلستان

درباره راسیسم

## کمبود آگاهی پیش داوری "بوجود می آورد"



استیگ اوکه کارلسون

استیگ اوکه کارلسون یکی از نمایندگان بخش اطلاعات اتحادیه متال در استکهلم است. وی همچنین از سال ۱۹۹۰ نماینده اتحادیه متال در کمیته هیات تحریریه نشریه "کارگر متال" است.

که مهاجرین زنان را از آنها بگیرند. پایه همه این پیش داوریها در فقدان آگاهی است. گروههای راسیست از همین مسئله استفاده میکنند و وقتی این دروغها برای مدتی پخش شود آنگاه بعنوان حقیقت بروز میکنند. تا آنجا که به شغل برمیگردند، در سال ۱۹۹۳ حدود ۵۶۰ هزار سوئدی و ۵۴ هزار خارجی (غیر کشورهای شمالی) بیکار بودند. یعنی حتی اگر همه خارجیان استخدام شده بودند هنوز ۵۰۶ هزار سوئدی بدون شغل و بیکار بودند.

مسئولیت بیکاری بر دوش سایرین است. و نه مهاجرین. در حقیقت بیکاری شدید ترین ضربه را به مهاجرین زده است. مسکن هم به همین صورت. در سال ۱۹۹۱ حدود ۲۳۰ هزار نفر تقاضای مسکن کردند، زیرا بیکار بودند. پناهندگان به ۱۵ هزار آپارتمان احتیاج داشتند... و در آخر تا آنجا که به زنان برمیگردد، راستش حق انتخاب همسر در اختیار خود زنان است!

اینکه خودتان میدانید وضعیت به چه شکلی است، کمکی نمیکند. شما که خود مهاجر هستید باید اطلاعات و دانش خود را به سوئدی ها منتقل کنید. در جلسات محلی یا کلوب اتحادیه شرکت کنید و این مسائل را مطرح کنید. با همسایه ها و همکارانتان صحبت کنید. از همه مهمتر، با سوئدی ها ملاقات کنید. این احتمال وجود دارد که انسان از پدیده های ناآشنا بترسد و نسبت به آن از پیش داوری داشته باشد. ولی انسان نمی تواند از کسی که هر روز با وی غذا می خورد و صحبت می کند بترسد.

\*\*\*

علاقه مندان میتوانند برای اطلاعات بیشتر جزوه "۱۰ و ۱/۲ مسایل مهاجرین" را از "آل او" دریافت کنند و با شماره تلفن ۰۸-۷۹۶۲۵۰۰ تماس بگیرند.

زمزمه مشابهی، وقایع بعدی یوگسلاوی سابق را تحت نام "تصفیه اقلیت ها" منعکس کرد. چگونه کسی میتواند همسایه و همکار خود را به گلوله ببندد جز اینکه بر این باور باشد که ارزش آنها از خودش کمتر است؟

پایه راسیسم و خارجی زدایی چیست؟ ترس میتواند یک دلیل باشد. ترس از چیزی که غریبه و متفاوت است. ولی بنظر من بجز نسل سالندان که این ترس را دارند، این دلیل نمیشود. منظورم اینست که اکثر جوانان و میانسالان به خارج کشور سفر میکنند. هیچ سوئدی ای نیست که در خیابانهای کشورهای اروپایی، جزایر قناری، "مالورکا" و "رودوس" با ترس قدم بزند. برعکس این مردم محلی هستند که از رفتار سوئدی ها می ترسند.

سوئدی ها از اینکه خارجیان شغلها را از آنها بگیرند، بویژه در دوره رکود اقتصادی که شغل کمتر است، می ترسند. وقتی دوره رونق اقتصادی است و جامعه با کمبود مسکن مواجه است، سوئدی ها از این می ترسند که مهاجرین مسکن آنها را بگیرند. وقتی هیچ کمبودی در جامعه وجود ندارد، آنگاه می ترسند

چند مطلبی که برای شماره اول روزنامه اتحادیه ما، یعنی "کارگر متال" آمده بود را با حس خطر و تنفر خواندم. بگذارید چند خط از آنها را اینجا نقل قول کنم:

"... بنظر می آید که نمایندگان ما تصمیم گرفته اند که یک جمعیت جدید از مردم را جلب نمایند. و ما هم قرار است براحتی این مسئله را قبول کنیم. ... اینطور نیست؟"

"... من پناهندگان از کشورهای همسایه خود را قبول میکنم ولی نه کسانی که از آفریقا، خاورمیانه و سایر کشورهای آسیایی می آیند."

"... خیلی ها فقط برای اینکه از قیل پول مالیات ما یک زندگی بهتر داشته باشند، به اینجا می آیند. زیرا دولت اعلام کرده است که در اینجا با قاشق طلائی غذا می خورید."

کسانی که این مطالب را نوشته اند هرگز علنا نخواهند گفت که راسیست یا ضد خارجی هستند، ولی این چیزی است که زمزمه میکنند. همین زمزمه ها بود که قدرت را بدست نازیها داد تا میلیونها یهود، کولی و سایر مردم که به اعتبار آنها ارزش پایین تری داشتند را بدون مقاومت "آلمانی های صادق" نابود کنند. همین آدم ها پس از واقعه گفتند که نمی دانستند که چه اتفاقی می افتد... چطور می توان جمعیت یک منطقه از شهر را بدون توجه بقیه تخلیه کرد؟

بد در منحنی در نظر گرفته نشده است. با این حساب نیاز به افزایش دستمزدها در سوئد به معنای دو برابر آنچه در کشورهای دیگر وجود دارد، میباشد. اینچنین افزایش دستمزدی به دو دلیل غیرممکن است. اقتصاد سوئد نابود خواهد شد که بدنبال خود افزایش بیکاری را

## حقوق ما آنقدر باید افزایش یابد تا ما بتوانیم سطح معیشتمان را حفظ کنیم

هزار کرون درآمد دارد، به ۶ هزار کرون افزایش حقوق احتیاج دارد. در این محاسبات موارد زیر در نظر گرفته شده است:

۶/۷ تورم  
افزایش سهمیه فردی به صندوق بیمه اجتماعی از ۱/۹۵ به ۳/۹۵ درصد  
افزایش مالیات کمون به ۴۳ اوره  
افزایش ۵ درصد مالیات کسانی که بیشتر از ۲۰۰ هزار کرون در سال درآمد دارند  
قوانین تجدید نظر شده برای محاسبه میزان معافیت مالیاتی و حد نصاب تعیین مالیات تصاعدی

دولت همچنین برای کاهش کسر بودجه اقداماتی را که به بدتر شدن سیستم بیمه اجتماعی منجر میشود، پیشنهاد کرده است. مهمترین این اقدامات کاهش کمک هزینه فرزندان به ۱۲۵ کرون برای هر فرزند در ماه، از اول ژانویه ۱۹۹۶ است. اینگونه تغییرات

# اخبار "آل او"

این صفحه نشریه در اختیار "آل او" (اتحادیه سراسری کارگران سوئد) قرار دارد و مطالب آن توسط "آل او" تهیه میشود. این مطالب بدون کم و کاست به چاپ می رسد.

## دستمزدها در سوئد باید همانند اروپا باشد

بیمه های اجتماعی تکمیلی

پیشنهاد دولت در بودجه حاوی این نقطه نظر است که یک سیستم یادوام و واحد بیمه دوران بیماری و تحت کنترل دولت لازم است. مبلغ پرداختی توسط بیمه اجتماعی، ۷۵ درصد درآمد خواهد بود. سپس کارفرما و اتحادیه میتوانند مبلغ تکمیلی بر این مبلغ اضافه کنند. ارگانهای رسیدگی به بیمه دوران بیماری و بیماری ناشی از صدمه در محل کار، بر اساس یک سیستم بیمه اجتماعی تکمیلی و اجباری که توسط کارفرماها و اتحادیه ها کنترل میشود، عمل خواهند کرد. این سیستم میتواند از اول ژانویه ۱۹۹۷ به اجرا درآید.

سطح واحد جدید دریافتی

پیشنهادی که دولت باید در مورد آن موضع بگیرد، سطح یکسان دریافتی از بیمه اجتماعی معادل ۷۵ درصد درآمد است. سیستم کنونی که برای روز اول بیماری چیزی نمی پردازد از بین خواهد رفت. دریافتی کسانی که برای دوره ای طولانی در مرخصی بیماری بسر میبرند، از ۷۰ درصد به ۷۵ درصد درآمد افزایش می یابد. اگر مجلس به این پیشنهادات رای مثبت بدهد، تغییرات زیر پیاده خواهد شد:

بقیه در صفحه ۷

یکی از شرایط فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی در سوئد اینست که دستمزدها و قیمت ها سریع تر از کشورهای دیگر افزایش نیابد. چه بخواهیم چه نخواهیم ما به سایر کشورها وابسته هستیم. تا سال ۱۹۹۰ دستمزدها در سوئد بیشتر از سایر کشورهای اروپا افزایش یافت. ولی درصد افزایش دستمزد در سوئد پایین تر از سطح متوسط در اروپا بوده است. بنا به گزارش "آر ای سی دی" پیش بینی میشود که افزایش دستمزدها در اروپا به همان حد سوئد نزول خواهد کرد.

اهمیت دستمزدها برای قدرت رقابت

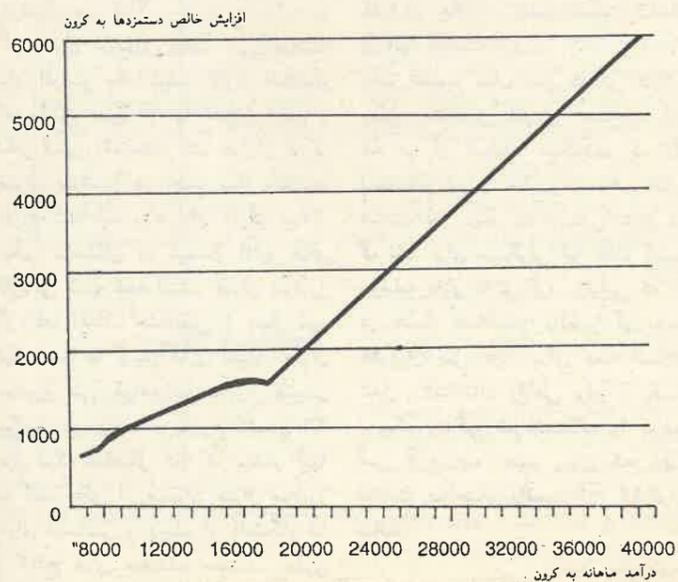
چگونگی رشد دستمزدها در توانایی یک کشور برای رقابت با سایر کشورها نقش زیادی بازی میکند. ولی این رشد صرفا به توانایی رقابت وابسته نیست. عنصر تعیین کننده، چگونگی رشد هزینه تولید کالاها است. نتیجه این معادله از طریق در نظر گرفتن افزایش دستمزدها، رشد بارآوری کار و بازار بورس بدست می آید. در سال ۱۹۹۲ هزینه تولید کالا در سوئد نسبت به کشورهای دیگر جهان بشدت کاهش یافت. دلیلش این بود که ارزش پول سوئد هنگامیکه نرخ ثابت برابری کرون سوئد برداشته شد، سقوط کرد. پیش بینی میشود که در سالهای آینده هزینه ها در سوئد بیشتر از هزینه ها در سایر کشورها افزایش یابد.

یک سیستم با دوام بیمه اجتماعی

دولت سوسیال دموکرات قصد دارد که یک سیستم یکسان بیمه اجتماعی را پیاده کند. هم اکنون سطح دریافت کمک هزینه اجتماعی از سیستم واحدی تبعیت نمیکند و به همین دلیل مشکل ایجاد می نماید.

برای تعیین مبلغ کمک هزینه، نقطه شروع درآمد خواهد بود. به عبارت دیگر مبلغ کمک هزینه دریافتی هنگام بیماری یا دوره نگهداری از فرزندان، به نسبت درآمد پرداخت خواهد شد.

ما خواهان یک سیستم پایه ای که همه را به یک سطح پایین تنزل دهد، نیستیم. چنین سیستمی به معنای بیرون نگه داشتن بخش زیادی از مردم خارج از مکانیسم ایمنی در شرایط بدتر شدن سطح زندگی است. این وضعیتی است که سیستم بیمه اجتماعی کنونی ایجاد کرده است. کسانی که امکانات مالی دارند خود را خارج از بیمه اجباری، بیمه میکنند. این به نوبه خود باعث کاهش مالیات های پرداخته شده و کلا خالی شدن سیستم بطور عمومی میشود.



حقوق ما باید آنقدر افزایش یابد تا ما بتوانیم سطح معیشتمان را حفظ کنیم. اقتصاد سوئد چنین افزایشی را تحمل نخواهد کرد.



اخبار "ال.او"

این صفحه نشریه در اختیار "ال.او" اتحادیه سراسری کارگران سوئد قرار دارد و مطالب آن توسط "ال.او" تهیه میشود. این مطالب بدون کم و کاست به چاپ می رسد.

وضعیت کارگران مهاجر در کره جنوبی

اعتصاب معدنچیان روسیه

کارگران ۴ معدن زغال در شرق روسیه با خواست پرداخت فوری دستمزدهای عقب افتاده چهار ماهه از اوایل آوریل دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب همچنین در حمایت از ۲۵ کارگر معدن که از ۳۰ مارس در عمق ۲۰۰ متری زمین در اعتصاب غذا بسر می برند صورت گرفته است. تاکنون ۱۶ تن از این اعتصابیون بزور به بیمارستان منتقل شده اند. \*

هستند. دولت در سال ۱۹۹۳ سیستمی بنام برنامه تعلیم و کارآموزی پیاده کرد که کارگران مهاجر را بکار بگیرد. کارگران معترض نپالی چندین بار وضعیت اسفناک کارگران در این دوره آموزشی را افشا کرده اند. هم اکنون از ۳۳۶۰۰ کارگر مهاجر در کره جنوبی ۱۹ هزار نفر این دوره را میگذرانند و سایر کارگران عمدتاً در صنایع نساجی مشغول بکار میباشند.

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران مهاجر در کره جنوبی در اعتراض به وضعیت بد کار خود دست به اعتصاب و اعتراض زدند. دولت اعلام کرده است که با فرم در سیستم قبول کارگران مهاجر، به وضعیت کارگران رسیدگی خواهد کرد.

به گزارش تایمز مالی، بدنبال تحصن ۹ روزه کارگران نپالی در کلیسای سنول، در اعتراض به وضعیت بد کار در این کشور، دولت قول داده است که به شکایات کارگران رسیدگی کند. این شکایات شامل شرایط غیر ایمنی محل کار، کتک خوردن توسط کارفرما، عدم پرداخت دستمزدها، ساعات کار طولانی و ضبط پاسپورت کارگران میشود.

بنا به همین گزارش، اکثر کارگران مهاجر از کشورهای چین، فیلیپین و شبه قاره هند

مبارزه برای دفاع از حق اعتصاب در نروژ

بین کارگر کارفرما بررسیهایی صورت گرفته است. هم اکنون تمام اتحادیه ها و جمعاعات از حق مذاکرات آزادانه و اعتصاب در بخشهای دولتی و خصوصی برخوردارند. در بخشهای دولتی قانون دیگری معتبر است و طبق آن تنها اتحادیه اصلی با بیش از ۱۰ هزار عضو و با داشتن عضو در ۵ موقعیت مختلف حق مذاکره و حق اعتصاب دارند. \*

حزب کار در قدرت نروژ آماده محدود کردن حق اعتصاب است. کمی قبل از ژانویه رئیس "ال.او" "ینگو، هوگسن" گفت که دست زدن به اعتصاب در نروژ بسیار آسان است. در نروژ حق اعتصاب طبق قوانین تعیین میشود. در حال حاضر بر سر تغییرات پیشنهادی در مورد قانون فوق در بخشهای خصوصی و در رابطه با قوانین موجود بر سر حل اختلافات

هیچ راه ساده ای برای صترفه جویی در بخش دولتی وجود ندارد. هرگونه صرفه جویی به معنای وضعیت بد برای عده ای است. ولی در عین حال این صرفه جویی ها لازم است وگرنه بزودی مجبور به صرفه جویی های اساسی تر خواهیم شد، و آنوقت وضعیت تعداد بیشتری بد خواهد شد. در اینصورت خیلی از خدماتی که هم اکنون بنظرمان بدیهی می آید، مانند بهداشت، نگهداری از سالمندان، آموزش و پرورش، در معرض خطر خواهند افتاد.

کسانی که درآمد بالا دارند ضربه می خورند

جمعیت میتوان به ۱۰ گروه با درآمدهای مختلف تقسیم کرد. بدین طریق میتوان حساب کرد کدام گروه ضربه بیشتری خواهد خورد. در نتیجه سیاستهای صرفه جویی که هم اکنون به مورد اجرا در آمده اند، گروه اول یعنی کسانی که بهترین وضعیت را دارند، ۲۸ درصد بار را بدوش می گیرند. اگر این گروه ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل دهد آنگاه باید بار ۴۰ درصد تقویت بودجه دولتی را بدوش بکشد. به عبارت دیگر کسانی که درآمد بیشتر دارند باید کمک بیشتری کنند.

شاغلین بیشتر

هرگونه برنامه لازم و همه جانبه برای تصفیه وضعیت مالی دولت مرکزی مستلزم شرکت همه آحاد جامعه است. برنامه های پیشنهادی صرفه جویی بر همه تاثیر خواهد گذاشت. همزمان باید اقداماتی را که به اشتغال تعداد بیشتری منجر میشود، در نظر داشت. شدیدترین ناعدالتی اکنون بین کسانی است که شغل دارند و کسانی که بیکارند. \*

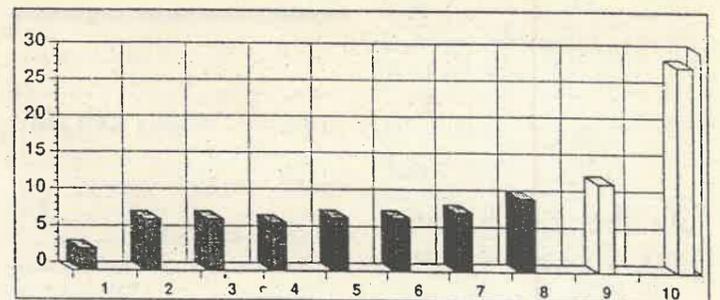
۷۵ درصد درآمد از اول ژانویه ۱۹۹۷ بابت موارد زیر پرداخت خواهد شد:  
دوران بیماری کوتاه مدت  
دوران بیماری بلند مدت  
دوران نگهداری از فرزند  
دوران موقت نگهداری از فرزند بیمار  
دوران حاملگی و زایمان  
دوران نگهداری از اقوام بیمار

پرداخت ۸۵ درصد درآمد از اول ژانویه ۱۹۹۷ برای موارد زیر:  
دوران ماهه اول نگهداری از نوزاد توسط پدر یا مادر  
دوران موقت برای نگهداری از فرزند بیمار بعد از ۱۴ روز اول  
دوران نقاهت

کسانی که بیشتر درآمد دارند، بیشتر می پردازند

بر قدرت و یا ثبات شدن اقتصاد سوئد از اهمیت زیادی برخوردار است. تعداد بیشتری باید کار کنند زیرا هزینه بالای بیمه بیکاری برای خزانه مرکزی هزینه دارد. قرض دولت و کسر بودجه دولت باید کاهش یابد.

مجلس بر اساس پیشنهاد دولت سوسیال دموکرات در ماه نوامبر تصمیم گرفت که مالیاتها را افزایش دهد. در بودجه پیشنهادی که در روز ۱۰ ژانویه ارائه شد، پیشنهاداتی مبنی بر صرفه جویی وجود داشت که به خزانه مرکزی ۱۰۰ میلیارد کرون واریز خواهد کرد.



منبع: اداره مالیات سوئد

جدول زیر رشد درآمد در بخش صنایع کشورهای مختلف را به درصد نشان می دهد:

کشور	۱۹۸۹	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
آلمان	۳/۰	۴/۲	۴/۸	۱۰/۱	۴/۵	۲/۲
فرانسه	۴/۲	۴/۹	۲/۴	۲/۶	۲/۵	۲/۸
انگلستان	۸/۶	۱۰/۰	۸/۱	۵/۲	۴/۷	۴/۷
ایتالیا	۹/۳	۸/۵	۸/۶	۶/۱	۲/۷	۲/۹
هلند	۰/۷	۲/۱	۴/۷	۴/۵	۲/۹	۲/۸
بلژیک	۴/۳	۶/۲	۷/۵	۶/۰	۴/۰	۲/۸
اسپانیا	۵/۵	۸/۵	۸/۶	۸/۲	۴/۸	۳/۱
دانمارک	۴/۵	۵/۲	۴/۹	۳/۱	۲/۸	۳/۶
پرتغال	۱۱/۸	۱۱/۹	۱۵/۶	۱۱/۷	۹/۵	۵/۰
ایرلند	۶/۳	۴/۲	۳/۵	۶/۲	۶/۲	۸/۵
یونان	۲۱/۲	۱۸/۴	۱۴/۲	۱۱/۰	۱۱/۷	۹/۲
سوئد	۸/۴	۱۰/۷	۲/۶	۳/۱	۳/۴	۲/۷
اروپا	۶/۱	۶/۹	۶/۶	۶/۵	۴/۴	۳/۱

منبع: (OECD Economic Outlook, December 1994)

آلمان، خواست ۶ درصد افزایش دستمزد برای بخش خدمات

دور جدید مذاکرات بر سر دستمزدها در آلمان برای بخش خدمات دولتی با خواست ۶ درصد افزایش آغاز گردیده است. اتحادیه آوتی وی که این مذاکرات را به پیش میبرد ۳/۴ میلیون کارگر و کارمند را نمایندگی می کند.

خواست ۶ درصد افزایش دستمزد توسط ۳۰۰ هزار کارگر بست نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

رئیس اتحادیه گفته است: کسانی که فکر میکنند بخش خدمات دولتی به کمتر از آنچه میباید که بخش صنایع کسب کرد راضی میشود، با واقعیت سر و کار ندارند. \*

از بین رفتن ۱۳۵۰ شغل در انگلستان

شرکت تولید هواپیما و موشک (نظامی و غیر نظامی) بریتانیا، (بریتیش اروسیس) قصد دارد ۱۳۵۰ شغل را از بین ببرد. کارگران باز خرید خواهند شد. شرکت فوق دلیل اخراج ها را کاهش سفارش از وزارت دفاع برای تولید موشک بعد از پایان جنگ سرد اعلام کرده است. تعداد کارگران این شرکت در عرض ۵ سال گذشته از ۱۶۵۰۰ به ۲۵۰۰ نفر رسیده است. \*

ایتالیا،

همبستگی با کارگران اتریش

۴ هزار کارگر شرکت دولتی تولید هواپیما و ماشین آلات نظامی در شهر آلتیا در دفاع و همبستگی با کارگران اتریشی دو کارخانه در تورین و ناپل، در روز ۱۵ مارس به مدت ۴۰ دقیقه خطوط راه آهن شهر را بستند. دلیل اخراجها کاهش سفارشات وزارت دفاع اعلام شده است. \*

کانادا،

دولت کارگران را به سر کار برگرداند

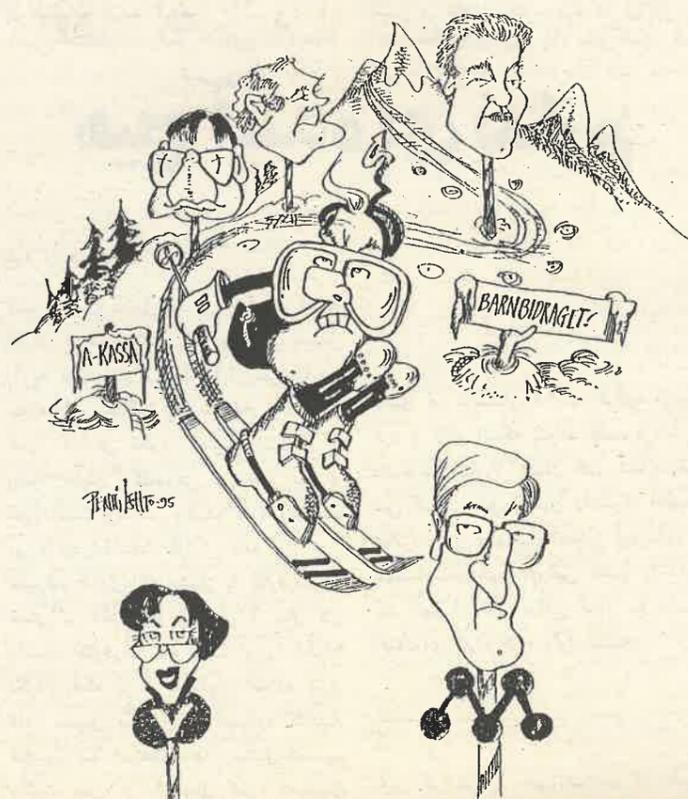
دولت کانادا با تصویب یک لایحه ۵۰۰ کارگر اعتصابی بندر ونکوور را که مجبور ساخت کرد بر سر کار برگردند. اعتصاب از ۱۳ مارس آغاز شد و بر سر اختلاف در قرارداد کار بود. سایر کارگران بندر نیز در همبستگی با اعتصابیون از خطوط بیکت عبور نکردند و ترانسپورت کالا متوقف شد. بندر مونترال نیز بدلیل مشابه تعطیل شد. \*

بیکار سازی در کانادا

"بل کانادا"، بزرگترین شرکت تلفن کانادا، اعلام کرد که تصمیم دارد ۱۰ هزار نفر کارگر را بیکار کند. بیکار سازی ها قرار است در طول سه سال آینده و از طریق بازنشستگی بیش از موعود و اخراج مستقیم صورت بگیرد. \*

بیکاری در جهان

بنا به گزارش سالانه سازمان جهانی کار، "ال.او"، ۳۰ درصد نیروی کار جهان بیکار است. به عبارت دیگر ۸۲۰ میلیون نفر در جهان بیکار هستند. \*



### اعتصاب ملوانان علیه نیروی کار ارزان

مرکز خبری کارگر امروز: سرویس های کشتی رانی بین انگلستان و فرانسه به علت اعتصاب ملوانان از کار افتاد. ملوانان این دو کشور به استخدام نیروی کار ارزان ملوانان لهستانی توسط شرکت های کشتیرانی اعتراض دارند. به گزارش تایمز مالی، روز ۲۳ فوریه ملوانان شرکتهای کشتیرانی مسیر انگلستان و فرانسه به مدت ۲۸ ساعت در اعتراض به استخدام کارگران لهستانی دست به اعتصاب زدند. اعتصاب توسط اتحادیه های، "ثروت" "تافتد" و "ثروت" سازمان داده شده بود. یک شرکت کشتیرانی انگلیسی بنام مریدین ملوانان لهستانی را با حقوق کمتر از نصف دستمزد حداقل ملوانان فرانسوی استخدام کرده است.

کارگران معادن جنوب غربی روسیه برای خواست پرداخت حقوق های عقب افتادشان و اعتراض علیه بسته شدن معادن دست به اعتصاب یک روزه زدند. به گفته رهبر اتحادیه معادن، روز ۸ فوریه ۹۰ درصد کارگران ۲۰۰ معدن روسیه در این اعتصاب شرکت کردند. کارگران خواهان دریافت حقوق پرداخت نشده خود هستند. بعلاوه چون خبر مربوط به پیشنهاد بانک

### اعتصاب یگروزه معدنچیان جنوب روسیه

جهانی مبنی بر پرداخت ۶۰۰ میلیون دلار قرض به شرط بسته شدن ۸۰ معدن در ۵ سال آینده پخش شده است، کارگران به بسته شدن معادن نیز اعتراض دارند. رهبر اتحادیه، ویتالی بودکو درباره اعتصاب گفته است: اگر دولت به خواسته های ما بی اعتنایی کند، ما دست به یک اعتصاب وسیع با خواست استعفای این دولت خواهیم زد.

### کار کودکان

بنابه گزارش منتشر شده توسط موسسه خیریه "آکشن اید" مستقر در انگلستان، تخمین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون کارگر کودک در سراسر جهان تنها بخش کوچکی از رقم واقعی است و شامل میلیونها کارگر که در مناطق روستایی و در کارهای خانگی مشغول بکارند نمی شود.

بنابه این گزارش، که ۲۸ مارس ۹۵ انتشار یافته است، کودکانی که در محیط های روستایی و خانگی کار می کنند احتمالاً اکثریت نامرئی کارگران کودک را تشکیل می دهند.

بگفته سازمان جهانی کار، بیشترین مشکل در آفریقا است که بیش از ۵۰ درصد کل کارگران کودک را دارد. "آکشن اید" معتقد است که حداقل ۱۵ تا ۲۰ درصد کودکان در آمریکای لاتین و آسیا مشغول بکارند.

### حمله به حق تشکل کارگران در انگلستان

کارگرانی که حاضر نیستند قرارداد فردی مبنی بر از بین بردن حق مذاکره اتحادیه ای خود را امضا کنند، امتناع ورزیدند. به گزارش تایمز مالی، این تصمیم بر خلاف حکمی است که دادگاه دو سال پیش درباره یک اختلاف مشابه داد. دو سال پیش چند خبرنگار و تعدادی کارگر بنادر برخلاف همکاریشان از افزایش دستمزد به این دلیل محروم شدند که قراردادی فردی شامل عدم قبول اتحادیه بعنوان مذاکره با کارفرما را امضا کرده بودند. دادگاه به نفع اتحادیه که این اقدام را تبعیض بین کارگران میدانست، رای داد.

سازمان جهانی کار این تصمیم مجلس را به این علت که حق تشکل آزادانه کارگران نقض می کند، خلاف منشور "آی.ال.او" اعلام کرده است.

مرکز خبری کارگر امروز: اعضای مجلس اعیان انگلستان در ۱۶ مارس باتفاق آرا رای دادند که کارفرمایان اجازه دارند از افزایش حقوق

### اعتصابات کارگران فلز آلمان برای افزایش دستمزد



مرکز خبری کارگر امروز: مذاکرات امسال ای.گ.متال آلمان با کارفرماها، با خواست ۶ درصد از طرف اتحادیه و عدم پیشنهاد کنکرت از طرف کارفرماها آغاز گشت. اتحادیه برای شروع با اعتصابات چند ساعته عمدتاً در مناطق ساکسونی، هسه، بادن ورتمبرگ، راینلند پالاتین و با شرکت حدود ۳۰ هزار کارگر خواست خود را مطرح کرد. این اعتصابات از اواخر ژانویه آغاز گردید و در هفته دوم مارس خاتمه یافت.

به گزارش تایمز مالی، پیشنهاد اولیه سازمان کارفرماها برای شروع مذاکرات، تعویق پروسه کاهش ساعت کار (یک ساعت توافق شده در سال ۱۹۹۰) بود. اما اتحادیه این پیشنهاد را نپذیرفت و اعلام داشت: "هیچ اما و اگری وجود ندارد. ساعات کار جدید همانطور که قبلاً توافق شده است، در ماه اکتبر پیاده خواهد شد."

رئیس اتحادیه، کلاوس زوایکل در یکی از تجمعاتی که با شرکت ۱۵ هزار عضو اتحادیه در شهر فرانکفورت برگزار شده بود، مطرح کرد که اگر تا ۲۰ فوریه جوابی از کارفرمایان نیاید، اتحادیه فراخوان اعتصاب را میدهد. پروسه رأی گیری برای اعتصاب از منطقه بوواری شروع شد زیرا کارفرماهای این منطقه قبلاً موضع تهدید آمیزی نسبت به مذاکرات داشتند و همچنین سفارشات کارخانجات این منطقه بسیار زیاد است و هرگونه تعطیلی در کار ضرر فراوان به کارخانه میزند. بعلاوه کارگران صنایع این منطقه از سال ۱۹۵۲ اعتصاب نکرده اند. نتیجه رای به نفع اعتصاب اعلام داشت که کاهش یک ساعت کار از ماه اکتبر خود عملاً به معنای ۲/۸ درصد اضافه حقوق است و به همین دلیل ۶ درصد افزایش دستمزدی که اتحادیه مطالبه می

کند غیر واقعی است. رئیس اتحادیه فلز در پاسخ اظهار داشت وضعیت اقتصادی و سود آوری آلمان آنقدر زیاد است که ظرفیت کاهش ساعت کار و افزایش دستمزدها را دارد. تا اول ماه مارس، تعداد کارگران اعتصابی بود. بدین شکل روز ۲۴ فوریه اعتصاب در این منطقه آغاز گشت. در همان اوایل، اعتصاب توسط ۲۳ هزار کارگر در سایر صنایع با دست از کار کشیدن به مدت چند ساعت و اعتصاب کوتاه مدت ۲۰ هزار کارگر مرسدس نیز مورد حمایت قرار گرفت. ۱۴ هزار کارگر در ۲۲ مجتمع منطقه بوواری در اعتصاب شرکت کردند. با شروع اعتصابات، رئیس اتحادیه کارفرماها

### کارخانه ماشین سازی "زیل" تعطیل شد

۱۲ کارخانه ماشین سازی "زیل" که بیش از ۱۲۰ هزار کارگر دارد بعلت ناتوانی در تهیه مواد اولیه موقتاً بسته شد. زیل که در سال ۱۹۹۲ به بخش خصوصی فروخته شد تاکنون نزدیک به ۳۵ هزار نفر از کارگران اخراج کرده است. گفته می شود که شروع به کار دوباره کارخانه با اخراج ۲۰ هزار کارگر دیگر همراه است.

### هیچ آینده ای ندارم

بقیه از صفحه ۱۴

کند. پزشک سنیل از وی خواست که به کارش ادامه ندهد. اما وضعیت سنیل را به مقامات مربوطه (بازرسی کار و سازمان رسیدگی به سوانح ناشی از کار) گزارش نکرد. سنیل آنزمان از وجود چنین ارگانهایی بی خبر بود و نمی دانست پزشکش وظیفه دارد وضعیت وی را به مقامات گزارش دهد. علیرغم قراری که سنیل با کارفرمایش مبنی بر اخراج او پس از ۲ سال کار داشت، کارفرما نه تنها او را اخراج نکرد، بلکه به او پیشنهاد اضافه کاری داد. سنیل با وجود کمردرد شدید مجبور شد استعفا دهد. سنیل تصمیم داشت پس از ۲ سال کار، تحصیل کند.

### تعرض به حقوق اتحادیه

بقیه از صفحه ۱۵

بدنبال اعتصاب اعضای اتحادیه پست و مخابرات در ۱۶ فوریه ۹۴، وزیر کار این کشور ۱۰ هزار و ۵۰۰ کارگر اعتصابی را یکجا اخراج کرد. همچنین شایعه دستگیری رهبران اتحادیه نیز پخش شد. با تشخیص غیر قانونی بودن اعتصاب از سوی مقامات دولتی دفاتر اتحادیه ها توسط پلیس ضد شورش محاصره شد و هر گونه تجمع در رابطه با اعتصاب طبق قانون امنیت کشور غیر قانونی اعلام شد. بالاخره بدنبال فشارهای بین المللی و محلی حکم اخراج کارگران لغو و مذاکره بین مدیریت و اتحادیه از سر گرفته شد.

### احتمال کاهش ایمنی کار

به گزارش کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا، تی.یوسی، با کاهش تعداد بازرسی ایمنی محل کار، کارگران به ویژه در صنایع ساختمان سازی، راه آهن و گاز با شرایط بدتری از ایمنی مواجه خواهند شد. ۸۵ بازرس و مشاورین پزشکی محل کار برای صرفه جویی در بودجه، بیش از موعود بازنشسته خواهند شد.

### شکاف بین فقرا و ثروتمندان

بیشتر میشود

به گزارش "کمیته راورتری" که اطلاعات خود را از پارلمان انگلستان تهیه میکند، درآمد ساعتی ۱ میلیون نفر در این کشور کمتر از ۲/۵۰ پوند و درآمد ۳۰۰ هزار نفر کمتر از ۱/۵۰ پوند است. بنا به همین گزارش در انگلستان شکاف بین فقرا و ثروتمندان نیز روز بروز بیشتر میشود.

### توسل به قانن فدرال برای بازگرداندن اجباری کارکنان

به سر کار

۳۰ هزار کارکنان اعتصابی دو خط قطار بازرسی کانادا که خواهان افزایش امنیت شغلی هستند، بدنبال استفاده دولت از قانون بازگشت به کار روز ۲۷ مارس بالاچار به سر کار باز گشتند.

### پایان اعتصاب نفت

اعتصاب صدها تن از کارگران شرکت نفت کویت که روز ۱۷ مارس آغاز شده بود پس از ۱۲ روز پایان یافت. کارگران قرارداد پایان اعتصاب را "حقوق بیشتر در ازای کار سخت تر" خواندند. از جمله خواست کارگران در این اعتصاب تسهیل امکان ارتقای شغلی برای کارگران دارای سابقه کار طولانی بود. شرکت نفت کویت اعتصاب را "غیر قانونی" اعلام کرده بود.

### اعتصاب معدنچیان قزاقستان

بیش از ۱۰۰ هزار کارگر معادن شمال قزاقستان از روز ۱۳ ژانویه برای خواست پرداخت حقوق های عقب افتاده دست به اعتصاب زدند. هفته اول فوریه دولت قبول کرد که به خواست اتحادیه کارگران معادن رسیدگی کند. در طول این اعتصاب سه هفته ای، تولید در ۲۳ معدن متوقف شد.

بقیه از صفحه ۴

### نشریات رسیده

- انترناسیونال، نشریه حزب کمونیست کارگری ایران، شماره ۱۷
- کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره های ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹
- نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره های ۴۴۹ تا ۴۴۹
- همبستگی، نشریه فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، شماره ۵۶
- جهان امروز، شماره های ۵، ۶
- نبرد خلق، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شماره های ۱۱۷، ۱۱۸
- راه آینده، شماره های ۴، ۵
- پیام زن، نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان، شماره ۳۸
- دفترهای کارگری سوسیالیستی، نشریه کارگری سوسیالیست های انقلابی ایران، شماره ۲۹
- قند پارسی، نشریه فکاهی و طنز، شماره ۳

### رسید نامه ها

صلیق جهانی، مسعود رازی، نادر بکناش (۲۲ نامه)، رضا کمانگر، ناصر اصغری (۲۲ نامه)، مسعود ناظری، پروین معاذی و بهرام نویدی، امین گرگین، هادی اسماعیلی، خانه حزب در کاسل، کیومرث، اسد نودینیان، اسماعیل ویسی (۲ نامه)، داریوش رهنایی، مزکد فرهنگ، احمد، اسماعیل مولودی، رضا شهرستانی، محمود قزوینی (۲ نامه)، نسیم، بهرام رحمانی، بهزاد بارخاندی، رضا پایا، غفار و شیرین، اکبر، تقی سلطانی، حسین فرخیخ، بهروز ناصری، صفورا رحیم، ستار نوری، زاد، مهدی آردی (۲ نامه).

این گزارش را می توانید از طریق شماره تلفن ۳۳۳۲۰۵۵۵ دریافت کنید.

سومین کنگره اتحادیه مستقل معدنچیان روسیه

## معدنچیان روسیه در پیراهه انشعاب

رضا پایا

مقدمه: چندی پیش خبر اعتصاب ۲۴ ساعته حدود ۵۰۰ هزار کارگر معدن در روسیه توسط خبرگزاریها با عکس و تفاسیر متفاوت انتشار یافت. آنها که بخشا بیش از ۳ ماه بود هیچگونه دستمزدی دریافت نکرده بودند تهدید کردند که اگر به خواسته هایشان رسیدگی نشود دست بیک اعتصاب نامحدود خواهند زد. وضعیت کارگران معدن روسیه بعد از "رفرم" های حکومت مرکزی که به خانه خرابی اکثریت آنها و بسته شدن تعداد زیادی از معادن منجر شده است هر روز وخیم تر میشود. هزاران کارگر معدن شغل خود را از دست داده اند و بخیابانها ریخته شده اند. آنها که در ابتدا از یلتسین در مقابل "آپاراتچیک ها" حمایت کرده بودند، اکنون که میوه های سرمایه داری نوع بازار بیار نشسته است، فهمیده اند که چه کلاه گشادی به سرشان رفته است. سومین کنگره اتحادیه مستقل معدنچیان می تواند آینه تمام نمای این سرخوردگی ها و انشعابها باشد و نشان می دهد که در عدم حضور یک حزب کمونیستی چگونه جنبش کارگری به باتلاقهای توهم رفرمیستی و دموکراسی طلبی بورژوازی فرو می رود.

از دوم تا چهارم دسامبر گذشته، سومین کنگره اتحادیه مستقل معدنچیان روسیه (ان.پی.جی) در "چلیابینسک" برگزار شد. وسایل ارتباط جمعی و رادیو و تلویزیون رسمی گزارش و نتایج این کنگره را در حد ناچیزی اعلام کردند. چند ثانیه در بخش خبری تلویزیون و چند تا مطلب کوتاه در روزنامه های محلی همه آن چیزی بود که از این کنگره سه روزه اعلام شد. مطبوعات سراسری اصلا خبری منتشر نکردند. گویا که اصولا کنگره ای برگزار نشده و اصلا جنبشی با گرایش غالب راست بر آن وجود نداشته است، جنبشی که همیشه در سر بزنگاه صاحبان فعلی قدرت را بر سر کار آورده و یا از آنها حمایت کرده است! و این برخورد نشان می داد که کارگران معدن مانند گذشته بدرد رفرمهای سرمایه داری نمی خورند و مطلوبیت خود را برای آنها از دست داده اند!

در طول سه سال گذشته که سیاست "بازار" باجرا در آمده، موقعیت کشور بخصوص مناطق دارای معدن بسیار وخیم شده است. مهمترین شاخه های صنعت بطور کلی نابود و کارخانه ها و کارگاهها بحال خود رها شده اند و کارگران که تحت شرایط بسیار سختی کار می کردند، ماهها حقوق و مزد دریافت نکرده اند. قدم به قدم تمام سیستم تامین اجتماعی که در شوروی سابق وجود داشت نابود شد و از بین رفت. بهمین دلیل، فقر وحشتناکی در جامعه حاکم شده و بهمهراه خود جنایت افزایش یافته و نیروهای راست و فاشیستها رشد کرده اند و میلیتاریسم در تمام بخشهای زندگی مردم تبدیل به یک نیروی تهدید کننده شده است.

قلب اقتصادی امروز روسیه، یعنی تهیه و تولید مواد سوختی و انرژی و بویژه تولید ذغال سنگ، در حال حاضر در وضعیت فاجعه باری قرار دارد. بنابر آمارهای رسمی تولید ذغال سنگ از سال ۸۸، ۴۸ درصد سقوط کرده است. تعداد کارگران معدن با حدود ۳۲ درصد

کاهش به ۲۳۲ هزار و هفتصد نفر رسیده و تولید سرانه هر کارگر حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. در حال حاضر تولید سرانه در معادن برابر سطح تولید در سال ۱۹۴۰ است. کارگران متشکل در "ان.پی.جی" در یک بن بست واقعی قرار دارند. اکنون برای اکثریت آنها مشخص شده که حمایت قبلی آنها از "رفرمهای" حکومت کاملا اشتباه بوده است و خود کارگران بیشتر از همه از این "رفرمها" صدمه دیده اند. بهمین دلیل هنگام افتتاح کنگره، نظرات و آرای اعضای اتحادیه و کارگران شرکت کننده در کنگره کاملا تغییر کرده بود. بحثهای زیادی حول این مسئله صورت گرفت و از همان ابتدا بنظر میرسد که کنگره داغی در پیش خواهد بود.

تجربه منفی اعتصاب: کارگران شرکت کننده در کنگره تجربه های قابل توجهی در اعتصاب داشتند. اما اعتصاب های سال ۹۴ که در اثر آنها چندین ماه از دریافت حقوق و مزد محروم شدند، دستاوردی برایشان نداشت. بعلاوه حکومت اکنون از فعالیتهای منجر به اعتصاب دیگر وحشتی ندارد. کارگران اما امید خود را به کنگره بسته بودند. شاید در آنجا که همه گرد می آیند و بطور جدی درباره مسائل بحث می کنند، راه حلی برای مشکلاتشان پیدا شود.

در روز اول کنگره تقریبا مسجل شد که هیچیک از شرکت کنندگان راه حل قابل قبول ندارد که ارائه دهد. رهبری رسمی اتحادیه در تمام مدت درباره پیمانی که با حکومت بسته بود و بر اساس آن قرار بود در ازای بستن تعدادی از معادن، بقیه حفظ شوند، صحبت می کرد و تاکید داشت که این عملا قیمتی است که باید پرداخت تا مشکلات کل منطقه صنعتی تا حدودی حل شود و بقیه معادن از نظر مالی از حمایت دولت بر خوردار شوند. اما این سوال هم چنان بی پاسخ می ماند که حکومت ورشکسته از چه منبعی می تواند پروژه را تامین کند. در حالی که هیچگاه در وضعیتی نبوده که مزد نه تنها معدنچیان بلکه هیچیک از شاخه های صنعتی را بموقع بپردازد.

با مباحث کارگران و نمایندگان حاضر در جلسه، تمام پیشنهادات رهبری اتحادیه پایه خود را از دست داد و تخیلات آنها مانند حبابی ترکید و بر باد رفت. کارگران که امید بسته بودند که کنگره در موقعیتی باشد که بتواند حداقل مبرم ترین مسائل آنها را پاسخ دهد، امیدشان را به یاس تبدیل شد و ناگزیر به الکل پناه بردند و خود را در الکل غرق نمودند!

باین ترتیب کنگره دوم هم نتوانست قدمی در راه مشکلات کارگران بردارد. برعکس این مسئله روشنتر شد که در اتحادیه، رشته ای از تضاد منافع وجود دارد و عمل می کند، از یک سوی میان رهبری رسمی "ان.پی.جی" و

هیئت های نمایندگان از مناطق معدنی و از سوی دیگر میان نمایندگان و معتمدان معادن منفرد ذغال سنگ با یکدیگر!

با اینهمه در بین کارگران اعتراض به سیاست حکومت در درجه اول قرار داشت. حمایتی که از "سیاست رفرم" توسط رهبری رسمی اتحادیه انجام گرفته بوده از سوی بسیاری از هیئتهای نمایندگی مانند گذشته پذیرفتنی نبود. بسیاری از آنها این سیاست را فریبی مکارانه می دانستند.

دومین اعتراض که از سوی بسیاری از معتمدین معادن منفرد ذغال سنگ بعمل آمد بر این پایه قرار داشت که اصولا تقاضا برای ذغال که بطور فاجعه باری کاهش یافته رقابتی را بین معادن مختلف دامن زده است. باور نکردنی تر از همه رقابتی مرگبار بود که بین منطقه معدنی "ورکوتا" و

را می خردند و به مشتریان خود می فروشد. طبیعی است که سهم بیشتر در جیب این واسطه های میانی می ریزد. آنها پول خرید ذغال از معدن را ماهها نگه می دارند در صورتیکه خودشان بلافاصله پول را از مشتری دریافت می کنند. باین ترتیب معادن همیشه محتاج آنها هستند. بدون شک این واسطه ها که بازاریابی ذغال سنگ را بعهده دارند بمقدار زیادی بر آرای معدنچیان تاثیر می گذارند و فعالیتها را در کانالهایی هدایت می کنند که برای خریداران مناسبتر باشد. منافع بلافصل آنها در این است که وحدت کارگران معدن نابود شود تا آنها بتوانند کارگران را علیه یکدیگر ببازی بگیرند. باین دلایل این واسطه ها می توانند پارازیت های خود را در میان کارگران فعال کنند و با توجه به نفوذ خود از آنها حمایت نمایند، بدون ترس



از اینکه کارگران آنها را از صفوف خود بیرون اندازند. شکست و عدم موفقیت کنگره باعث شد که بخشی از هیئت های نمایندگی کارگران، در روز سوم اصولا در مجمع کنگره شرکت نکنند و ترجیح دهند با شیشه های ودکا به سخن آیند. پناه بردن وسیع به الکل در کنگره بطور قطع مطمئن ترین نشانه بحران عمیقی بود که در جنبش کارگران معدن پشیم می خورد.

علل سیاسی بحران در میان معدنچیان: معدنچیان بعنوان فعالترین و مبارزترین بخش طبقه کارگر شوروی در سالهای پروسترویکا رای خود را علیه امتیازات حاکمان سابق با صدای بلند اعلام کردند. اما پیروزی طبقه کارگر شوروی بر بورژوازی دولتی حاکم و نظام بوروکراتیک شوروی، تنها در صورتی امکان داشت که آنها متکی به برنامه سیاسی خودشان یعنی برنامه کمونیستی کارگری و دستاوردهای انقلاب اکتبر می بودند. و حزب سیاسی خودشان را می داشتند.

اما سالها سرکوب جنبش کارگری در شوروی و مسخ و تحریف دستاوردهای اکتبر، ایجاد تشکلهای کارگری وابسته به حزب حاکم در شوروی و اوضاع بد اقتصادی کارگران و غیره باعث شده

بود که تشکلهای کارگری حتی بعد از سقوط دولت یکپارچه شوروی تحت تسلط باقیمانده بوروکراتها، فرصت طلبان و گرایش ضد کارگری قرار گیرند و به بیراهه انشعاب و تفرقه کشانده شوند. تا هنگامی که کارگران نتوانند صفوف خود را از این گرایشات پاک کنند، جنبش معدنچیان مانند بقیه جنبش کارگری روسیه - بدون جهت گیری در راستای منافع کارگران است و سرانجام - هم چنان که تاکنون - زندانی برنامه راست "اپوزسیون لیبرال" و سنگ بنای بازسازی سرمایه داری بازار آزاد روسیه خواهند بود.

کارگران خواستار بازگشت وضع سابق نیستند و در عین حال نمی دانند در چه جهتی به پیش بروند: همراه با بورژوازی "خودی" بسمت استقرار بازار و یا بهمهراه برادران طبقاتی خود در سایر کشورها بسمت سوسیالیسم؟

این انتخاب بسیار سخت و تعیین کننده ای است. اما آنها باید انتخاب کنند. راه سومی وجود ندارد. آنها یا باید جزئی از ارتش ذخیره ارتجاع سرمایه داری بین المللی شوند و زمینه ساز برنامه آنها برای حاکمیت یک رژیم فاشیستی گردند و یا اینکه مکان خود را در میان طبقه کارگر جهانی باز یابند. توهم اینکه لیبرالیسم و ایجاد یک "بهار دوم" سرمایه داری می تواند آنها را از زیر سطر بوروکراسی سابق نجات دهد، تنها سرابی بیش نیست.

بهرحال یکی از نتایج کنگره سوم "ان.پی.جی" تائید این مسئله بود که حمایت کارگران معدن از حکومت و رفرمهای سرمایه داری آن، عمیقا تغییر کرده است. حتی جو غالب ضد حکومتی در کنگره باعث شد که تعدادی از مخالفان رفرمهای حکومت به رهبری اتحادیه راه یابند. با وجود این کنگره سوم نتوانست هیچگونه راه حلی برای خروج از بحران پیشروی کارگران معدن قرار دهد.

بقیه از صفحه ۱۱

## اعتصابی پر از ابهام

روزه تظاهراتها و جنبشهای اجتماعی متفاوت، از جنبش دفاع از زنان تا دفاع از پناهندگان و جنبشهای ضد امپریالیستی و غیره نشان می دهد. برای هر کارگر کمونیستی باید تفاوت روشن برخورد بورژوازی به این جنبشها و جنبش کارگری روشنتر این نکته باشد که در مقابل جنبش کارگری بورژوازی ناچار است حساب شده تر حرکت کند. در دورانی که جنبشهای اجتماعی مختلف یکی پس از دیگری در مواجهه با دستگاه سرکوب بورژوازی ناچار به پذیرش شکست می شوند، موفقیت نسبی اعتصاب فلزکاران به قدر کافی گویای موفقیت اجتماعی متفاوت کارگران است.

میگویم موفقیت نسبی، چرا که خصلت این موفقیت، روند اعتصاب، ابعاد آن و روشهای آن به هیچ وجه حکایت از یک موفقیت قطعی و آغاز دوره جدیدی از تعرض جنبش کارگری نمی کنند. برعکس. باید نگران بود که تحت رهبری جنبش اتحادیه ای همین موفقیت نسبی هم در کوتاهترین مدت پس گرفته شود. \*

درباره اعتصاب کارگران فلز در ایالت بایرن آلمان

## اعتصابی پر از ابهام

بهمن شفیق

فکرکردن و صحبت کردن از جریان مذاکرات دورتعارف ۹۵ دستمزدها در آلمان بدون فکرکردن و پرداختن به اعتصاب دو هفته‌ای فلزکاران در ایالت بایرن امکان پذیر نیست. حقیقتاً هم حلقه اصلی این دورتعارف در این اعتصاب بود. اعتصابی که با خود سوالات بسیار همراه داشت: چرا اعتصاب به وقوع پیوست؟ چرا در بایرن و چرا در آن ۲۲ کارخانه مشخص؟ چرا در این مدت کوتاه و با این ابعاد کوچک؟ نتیجه آن چه بود شکست یا پیروزی؟ چه درسهایی می شود از این اعتصاب گرفت؟

## پیش زمینه اعتصاب

اتحادیه فلز برای دورتعارف دستمزد ۹۵ مولفه جبران کمبود دستمزدها در سالهای ۹۲-۸۲ را توصیه نمیکنند. در این سالها فلزکاران توانستند در توزیع درآمدها نسبت خود را حفظ کنند. اتحادیه هم چنین طرح چنین مولفه ای برای سال ۹۴ را نیز توصیه نمیکنند. در این سال برای اتحادیه حفظ اشتغال الویت داشت و به همین خاطر از افزایش دستمزدها صرف نظر نمود. اتحادیه نمی خواهد قراردادی را که خود منعقد نموده است حالاً نقض کند. میزان مطالبات اتحادیه براساس رشد بازدهی تولید و نرخ گرانی تعیین میشود. و بر این اساس با مطالبه ۶ درصد اضافه دستمزدها، جا برای رشد سود کارفرماها باقی خواهد ماند.

اینها رتوس توصیه های هیات رئیسه اتحادیه فلز در نوامبر ۹۴ بود. برای اتحادیه همه چیز عادی بود. آنقدر عادی که حتی از طرح کاهش دستمزدهای واقعی در سالهای ۹۳ و ۹۴ و وارد کردن مطالبه ای برای جبران این کاهش هم خودداری نمود. در واقع اتحادیه با طرح این مطالبات حداکثر انعطاف را از خود نشان داده بود. انعطاف از این بیشتر امکانپذیر نبود، بویژه اینکه سال ۹۴ سال سودهای سرسام آور برای شرکت های آلمانی بود. بنابراین آمار خود اتحادیه سود شرکتهای صنایع فلز در سال ۹۴ معادل ۷۳ درصد نسبت به سال ۹۳ افزایش داشت و به میزان ۱۲/۳ میلیارد مارک رسید. همین آمار برای سال ۹۵ افزایش سودی به میزان ۴۹ تا ۸۷ درصد نسبت به سال ۹۴ - از ۲۰ تا ۲۵ میلیارد مارک سود - را پیش بینی کرده بود. از پایان سال ۹۴ و در آستانه مذاکرات دیگر صحبتی از بحران نبود. همه جا حرف رونق اقتصادی و وضعیت رو به التیام و بهبود صنایع آلمان بود.

حتی سخنگویان متعدد کارفرماها هم اذعان می داشتند که سال جاری برای کارگران همراه با اضافه دستمزد خواهد بود. همه چیز عادی به نظر می رسید و فضای مملو از یاس و ناامیدی و نگرانی سال قبل جای خود را به نوعی خوشبینی پیرامون عادی شدن اوضاع می داد. با شروع سال ۹۵ و اجرا شدن طرحهای مالیاتی جدید، عوارض همبستگی (عوارض برای بازسازی شرق آلمان) و بیمه مراقبت از سالمندان، که

نهایت استفاده را کرد. هیچ کس نمی داند که پشت پرده مذاکرات چه می گذشت. طرفین ۳۴ دور با هم مذاکره کردند و سندیکای کارفرماها با سماجت تمام از ارائه پیشنهاد مشخص سر باز زد و در همان سطح کلی خواهان جبران افزایش دستمزدها از محلی دیگر شد. تنها خواست مشخص کارفرماها به عقب انداختن اجرای ۳۵ ساعت کار هفتگی بود که این نیز با توجه به میزان بیکاری در آلمان - بیش از ۶/۳ میلیون نفر طبق آمار رسمی - کمتر گوش شنوا پیدا کرد.

## "اتحادیه زیرک؟"

بعد از ۳۴ دور مذاکره اتحادیه شکست مذاکرات و آغاز اعتصابات هشدار را اعلام کرد. در سراسر آلمان بیش از یک میلیون نفر در اعتصابات هشدار شرکت کردند. در بعضی مناطق - بویژه بادن وورتمبرگ - اعتصابات از حالت استراحت های طولانی بیرون آمد و جنبه تدارک برای اعتصابات گسترده تر را پیدا کرد. آکسیونهای چند ساعته همراه با میتینگ ها و تظاهرات باعث توقف موقتی تولید در بسیاری از کارخانجات شد. همه اینها زمانی اتفاق می افتاد که صنایع با ظرفیت کامل برای برآورده کردن سفارشات مشغول به کار بودند. در حالیکه آمریکا درگیر بحران مکزیک

پنجاه قرن حاضر به بعد ساخته شدند. بخش های قابل توجهی از این کارخانجات به مونتاژ نهایی محصولات مصرفی می پردازند. ساختار صنعت در این ایالت آنچنان به هم تنیده نیست که اعتصاب در یک کارخانه بطور زنجیره ای منجر به تعطیلی کارخانجات دیگر شود. این موضوع از آن نظر اهمیت دارد که اتحادیه فلز مثل هر اتحادیه دیگری از سال ۸۶ به این طرف ناچار است هنگام دست زدن به اعتصاب و احتمال اینکه کارفرماها از قانون منع ورود استفاده کنند را نیز برای تعیین تاکتیک خود مد نظر بگیرد. کارفرماهای آلمان مجازند بر اساس پاراگراف ۱۱۶ قانون اشتغال هنگام وقوع اعتصاب از ورود کارگران در کارخانه های دیگر جلوگیری کنند و در چنین حالتی اتحادیه موظف است حقوق پایه چنین کارگرانی را هم بپردازد. بویژه زمانی که این منع ورود در کارخانه هائی صورت بگیرد که در اثر اعتصاب در کارخانه ای دیگر دچار کمبود قطعات باشند، اتحادیه در وضع دشواری قرار خواهد گرفت.

از همان سال ۸۶ به این سو اتحادیه فلز دست به ایجاد یک سیستم کامپیوتری زد که ارقام و آمار تولید کارخانجات و میزان در هم تنیدگی آنان را به یکدیگر روشن می کند. براساس چنین آمار و ارقامی میزان وابستگی و در



هم تنیدگی ساختار صنعتی در بایرن بمراتب از مناطق دیگر کمتر است. خود اتحادیه و بسیاری از ناظران همین را دلیل بر انتخاب بایرن دانستند، سیستم اطلاعاتی مبارزات کارگری. آکیس. ماندن در این سطح اما ساده نگری است. بایرن ایالتی است که در صنعت فلز آن از سال ۱۹۵۴ به این طرف اعتصاب صورت نگرفته است. اعتصاب سال ۵۴ آنچنان شکست سختی خورد که هنوز هم ساختارهای اتحادیه از آن التیام نیافته است. درجه سازمانیابی اتحادیه ای کارگران در بایرن از کلیه ایالتهای دیگر غرب آلمان پائین تر است. در حالیکه در کارخانجات بزرگ آلمان ۸۰ تا ۹۰ درصد و بیشتر عضو اتحادیه هستند در بایرن حتی در کارخانجات بزرگ هم به زحمت به ۵۰ درصد می رسد. کلا در صنعت فلز بایرن رقمی معادل ۲۰ درصد شاغلین عضو اتحادیه هستند. یک دلیل ساده انتخاب بایرن به عنوان مرکز اعتصاب همین واقعیت است. اتحادیه که در سالهای گذشته بطور بی وقفه ای اعضای خود را از دست داده است، با اطمینان به اینکه در دور جاری شکست نخواهد خورد با انتخاب بایرن به تقویت سازمان خود در این ایالت پرداخت. اما این نیز دلیل اصلی نیست. علت اساسی را باید

بود و ژاپن از عواقب زلزله کوبه هنوز التیام نیافته بود و صنایع آلمان به سرعت درصدد تحکیم موقعیت خود در بازارهای جهانی بودند، شبح اعتصاب در افق پیدا شد.

اتحادیه اما زیرک تر از آن بود که با دست زدن به یک اقدام "تسنجیده" موقعیت صنعت خودی را به مخاطره بیاندازد. در عین حال برای هر آدم با هوش متوسط هم روشن بود که کارفرماها نمی توانند از موضع سرسختانه خود دفاع کنند. اعتصابات هشدار ترس بسیاری از کارگران را ریخته بود و روحیه یاس و عدم اطمینان دو سال گذشته رفته رفته جای خود را به یک روحیه مبارزاتی داده بود. هیات رئیسه اتحادیه اعلام نمود که اعتصاب در ایالت بایرن صورت خواهد گرفت. تصمیمی که هنوز مورد بحث و گفتگو است. چرا بایرن؟

## "آکیس یا محاسبات سیاسی؟"

ساختار صنعتی در ایالت بایرن مثل ایالتهای صنعتی کلاسیک بادن وورتمبرگ، نوردراین و ستفالن و یا هسن پیشرفته نیست. غیر از معدودی کارخانجات بزرگ از قبیل "بام-دبلیو" و "مان" سایر کارخانجات صنایع فلز عمدتاً از دهه

در اهمیت - یا بی اهمیتی - سیاسی بایرن دید. کل شاغلین صنعت فلز در ایالت بایرن در حدود ۱۶۸ هزار نفر هستند. بایرن یکی از ضعیف ترین حلقه های جنبش اتحادیه ای در آلمان را تشکیل می دهد. با انتقال اعتصاب به بایرن اتحادیه نبرد را در جانی آغاز کرد که ضعیف ترین حلقه کل جبهه بود. درست مثل اینکه ارتشهای مجهز به پیشرفته ترین سلاحهای اتمی در جنگ توافق کنند که برای دوره ایی با سلاحهای سبک مبارزه کنند. تلفات برای هر دو طرف محدود خواهد ماند. انتخاب بایرن چنین انتخابی بود. نشانه ای بود از تعقل و خردگرایی در اتحادیه که در دوران رونق صنایع به تخریب سازمان تولید دست نمیزند. علامتی بود به دولت و کارفرماها و جامعه مبنی بر اینکه احساس مسئولیت اتحادیه در مقابل "پایگاه صنعت آلمان" را درک کنند. تندروترین و پرخاشجورترین عناصر سندیکای کارفرماهای فلز درست در نقاطی متمرکز هستند که اتحادیه قویترین سازمانهای خود را دارد: در بادن وورتمبرگ و نوردراین وستفالن، انتخاب این مناطق میتوانست منجر به حدت یابی مبارزه تا حد مبارزه ای بر سر پرنسپ شود، عواقب چنین چیزی برای صنعت آلمان قابل پیش بینی نبود. این دلیل اصلی انتخاب بایرن به عنوان اعتصاب بود، اگر نه با همان سیستم کامپیوتری اعتصاب اتحادیه می شد در ایالتهای دیگر هم چند کارخانه ای را پیدا کرد و کارگران را به مرخصی فرستاد و حقوقشان را هم برای این دوره مرخصی پرداخت. بقیه کارخانجات در حفظ نظم اعتصاب با کمیته های اعتصاب اتحادیه همکاری لازم را نمودند و حداکثر تلاش خود را به عمل آوردند تا از تحریک کارگران خودداری کنند.

سندیکای کارفرماهای فلز در بایرن اعلام کرد که تعهد استفاده از قانون منع ورود (پاراگراف ۱۰۶) را ندارد. بعد از یک هفته جلسه مجمع عمومی سندیکا مجاز بودن استفاده از این قانون را اصولاً اعلام کرد اما اجرای آن را به تعویق انداخت. اتحادیه هم در مقابل تهدید کرد در صورت اجرای منع ورود، کل آلمان را به اعتصاب خواهد کشاند. در عین حال در بایرن از روز دهم به بعد از تعداد کارخانجات اعتصابی کاسته شد. اتحادیه اعلام کرد که قصد گسترش اعتصاب به کارخانجات دیگر را ندارد. اعتصاب کارگری در چنین محیطی پر از تفاهمی در هیچ کجای دیگر دنیا قابل تصور نیست. بازومتر اقتصادی آلمان، بازار بورس، هم این واقعیت را دید و ثبت کرد. در تمام مدت اعتصاب نزولی در بازار بورس صنایع آلمان وارد نشد. روز پانزدهم اعتصاب توافق طرفین اعلام شد. اتحادیه توانسته بود حرف خود را به کرسی بنشاند.

## نتیجه اعتصاب

از همان روز اول پایان اعتصاب سیل سرزنش و انتقاد به طرف سندیکای کارفرماها سرازیر شد. شاخه های ایالتی و منطقه ای کارفرماها بر سر پذیرش نتایج اعتصاب دچار تفرقه شدید و در برخی ایالتها تنها با اکثریت ناچیزی نتیجه اعتصاب را پذیرفتند. انتقاد اصلی به کمیته مذاکره کننده سندیکا و رهبری بقیه در صفحه ۱۱

## جدا ماندن "تشکل بیکاران کردستان"

## از صف دیگر تشکلهای کارگری، به جنبش ضرر میزند

سکتاریسم بزرگترین مانع و پرضررتترین پدیده آن مقطع بود. علت اصلی کشمکش ها از اینجا سرچشمه گرفته بود. اختلاف، انعکاس تناقض و تضاد نگرش سکتاریستی از یک طرف و جنبش اجتماعی کارگری از طرف دیگر بود.

ضعیف شدن جنبش علیه بیکاری و عقب نشینی آن بدنبال آکسیون توانایی سکتاریسم را نشان داد و دو شقه شدن اتحادیه بیکاران بخشی از این توانایی بود. به نظر من در دو بخش شدن اتحادیه بیکاران سکتاریسم حزب کمونیست کارگری عراق و کسانیکه بعنوان نمایندگان کمونیسم کارگری شناخته میشدند نقش فراوانی داشت.

آنها در این مورد سیاست غیر کمونیستی داشتند. البته جریان کمونیسم کارگری خود منتقد کل سکتاریسم و اقدام آنها در مقابل جنبش علیه بیکاری است. بنظر من جایگاه بیانیه ۹۳/۹/۲۷ بعنوان سنگ بنای جدایی و انشعاب، به همان اندازه ای است که کشتن ولیعهد اتریش آغازگر جنگ جهانی اول بود. چون بیانیه ۹۳/۹/۲۷ نه تنها با نگرش و سیاست اتحادیه بیکاران جور در نمی آمد بلکه وقتی در سمینار اکتبر (۱۴/۱۰/۹۳) تمامی فعالین آن را نقد کردند دیگر چه اعتباری داشت.

بعد از جدایی هم اینبار "تشکل بیکاران کردستان" (بخشی که از اتحادیه بیکاران جدا شدند) روحیه سکتاریستی در مقابله با حزب کمونیست کارگری عراق از خود نشان داد که البته این هم منافع بیکاران و کل جنبش کارگری را در نظر نمی گیرد، همچنانکه آشکارا از اقدام برای

اتحاد مجدد پرهیز کرد. دنبال کردن و تمرکز بر این نکته هم که کدام طرف مسئول این اختلاف و جدایی است بنظر اساسی نیست. کمبودهای آن دوره حاصل رشد و تجربه جنبش در آن زمان بود. سکتاریسم بیماری کشنده سیاستهای اشتباه آمیز بود. اما هر دو طرف به این لحاظ که تشکلی دهها هزار نفری به دو تشکل ضعیف و تا حدودی بی تاثیر در صحنه کردستان تبدیل شد، مسئولند. بنظر من در پیشروها و عقب نشینی های این جنبش همه مسئولیم.

رحمان حسین زاده: بنظر من بیانیه نقطه چرخشی در عدول از سیاستهای رادیکال اتحادیه بیکاران بود و در نتیجه تاثیر جدی در قطب بندیها و جدایی بعدی داشت. این درست است که همه رهبران اتحادیه بعد از آن را نقد کردند اما زمانی که مسئله اتحاد مجدد دو بخش طرح میشود، جناحی از رهبری "تشکل بیکاران" خود را حق بجانب میدانند و برای دیگری شرط می گذارد. معنایش این است که اشتباهات خود و از جمله صدور این بیانیه را بفراموشی سپرده است. با این حال در همین رابطه مایلیم نظرت را مشخص تر در مورد آن بیانیه بدانم. بنظر تو علت انتشار آن بیانیه چه بود و نظرت در مورد آن چیست؟

جمال احمد یوسف: بیانیه مورد بحث و هر سه بند آن نشانه تسلیم شدن به فشاری که ناسیونالیسم کرد بر اتحادیه بیکاران اعمال میکرد، بود. و بویژه تاثیر ملاقات و مذاکره ۹۳/۹/۷ رهبری موضوع در فرصت دیگر خواهیم پرداخت تا جاتی که به خود توافقات بر می گردد، افزایش دستمزدی در این سطح، حتی سطح کنونی زندگی کارگران را هم حفظ نخواهد کرد. کاهشهای متعدد از دستمزد کارگران، عوارض مالیات همبستگی و بیمه مراقبت از سالمندان و هم چنین گرانی روز افزون مایحتاج اصلی مورد نیاز مردم با افزایش ۳/۵ درصدی دستمزد به هیچ وجه جبران نمی شود. تنزل موقعیت اقتصادی کارگران در سالهای اخیر به حدی بوده است که حتی کارگران متخصص رده های شغلی بالاتر را هم به مرز حداقل درآمد رسانده است. در یک کارخانه پانصد نفری تولید کننده دستگاههای برودتی که عمدتاً از کارگران متخصص تشکیل شده است حدود ده درصد آنان وارد جدول معروف به جدول "زد" شده اند که شامل افراد کم درآمد است و تسهیلات مالیاتی معینی را برای آنان در نظر میگیرد. اینها کسانی هستند که در رده های شغلی ۹ به بالاتر قرار دارند. بدیهی است که رده های شغلی ۴ یا ۵ از وضعیتی بدتر برخوردارند. کارگری که دارای همسر و دو فرزند است میگفت که پس از دریافت اضافه دستمزد ثابت سه ماهه اول سال جاری که کل آن ۴۵۷ مازک بود تنها مبلغ ۱۲۰ مازک دریافت نموده است و مابقی آن تحت عناوین مختلف مالیاتی کسر شده است. از مبلغ اضافه دستمزد ۱۵۲ مازک در ماه چیزی در حدود ۴۰ مازک

اتحادیه بیکاران با جلال طالبانی در آن آشکار بود. هر چند رهبری اتحادیه بیکاران فکر میکردند که حرکت آنها در خدمت بیکاران است. آن بیانیه در سه بند یعنی مستقل بودن اتحادیه، مسئله سرنگونی قدرت بورژوازی و مسئله رفم خلاصه شده بود. از همان ابتدای ایجاد اتحادیه بیکاران بر مسئله مستقل بودن این تشکل تاکید شده است. منظور ما از مستقل بودن این بود که بعنوان بخشی و جزئی از استقلال طبقاتی کارگر از طبقات دیگر در جامعه مستقل هستیم، نه به معنای اینکه از کشمکش سیاسی و احزاب سیاسی مستقل باشیم. منفعت طبقاتی ما ایجاب میکند که در کردستان جانبدار و طرفدار یک نیروی سیاسی و در مقابل و مخالف نیروی سیاسی دیگری باشیم.

همچنین در مناسبتهای بسیاری اتحادیه چنین معرفی شده که ابزار بهبود اوضاع امروز بیکاران و وسیله کارگران در راهی فردای آنهاست. تمام تبلیغات ما این بود که در سایه سرمایه داری مشکل بیکاری خاتمه نمی یابد و ما تا ریشه کن کردن این معضل مبارزه می کنیم. این ضمناً به معنای مبارزه کردن برای سرنگونی حاکمیت بورژوازیست. در مورد مسئله رفم، زمانیکه دولتها به رفمی به نفع کارگران تن می دهند و یا زمانیکه احزاب بورژوازی شعار رفم را به دست میگیرند، این به معنای فشار مبارزاتی کارگران است و خیرات و برکت بورژوازی نیست.

انتشار آن بیانیه اقدامی غیر منتظره و حیرت آور بود و به هیچ عنوان با مسیر و اهداف مبارزاتی اتحادیه بیکاران مطابقت نداشت. به همین دلیل هم در سمینار اکتبر ۹۳ قاطعانه رد شد. رحمان حسین زاده: اکنون بیش از یکسال از تلاش جدی به منظور اتحاد مجدد دو

برای چنین کارگری میماند. حتی همین مبلغ هم برای کارگران مجرد نمیماند. روشن است که صحبتی از بهبود وضعیت کارگران نمی تواند در میان باشد. بویژه اینکه سیستم افزایش دستمزد درصدی برای کارگرانی با رده های پائین حقوق، افزایش دستمزد ناچیزتری همراه دارد و به شکاف موجود در میان خود کارگران هم دامن خواهد زد.

اهمیت قرارداد حاضر در این است که برای اولین بار بعد از دو سال افزایش دستمزد را با امتیازات دیگر همراه نکرده است. امتناع کارفرماها از پرداخت اضافه دستمزد و اعلام سیاست سرسختی در قبال اتحادیه و سپس عقب نشینی آنان قرارداد را تبدیل به واقعه سیاسی با اهمیتی نمود. امری که به هیچ وجه نباید آنرا به پای پیروزی اتحادیه نوشت. برعکس. تا جاتی که به اتحادیه بر میگرده در سطح رهبری آن آمادگی برای دادن امتیازات، بویژه در زمینه ۳۵ ساعت کار هفتگی به اندازه کافی وجود داشت و دارد. اظهارات والتر ریستر عضو هیات سه نفره مذاکرات از طرف اتحادیه و دبیر دوم اتحادیه مثال و مسئول سیاست تعرفه اتحادیه در مصاحبه با روزنامه "هندلز بلات" به خوبی نشانگر این موضوع است. ریستر در این مصاحبه اظهار داشت که خود او در جریان مذاکرات کارفرماها پیشنهادی در مورد ۳۵ ساعت کار هفتگی ارائه کرد که مورد قبول آنان واقع نشد. بر اساس این پیشنهاد همزمان با اجرای هفته کار

بخش اتحادیه بیکاران در جریانست. خود شما از جمله کسانی بودید با شرکت در یک میزگرد و بعد از بررسی مسائل اتحادیه و علل جدایی، بیانیه ای را در جهت متحد شدن دوباره اتحادیه منتشر کردید. علت تاخیر تاکنونی و بسر انجام نرسیدن این اقدام چیست؟

جمال احمد یوسف: نه تنها در کردستان و عراق، بلکه در کشورهای بیشماری بدترین سناریوی سیاه در جریانست. نظم نوین بربریت بورژوازیست در سراسر جهان. مقابله با این شرایط اقدامات جدی و سریعی را از ما می طلبد. در مورد اتحاد مجدد دو بخش جنبش بیکاری، می بایست خیلی زودتر اقدام میشد. وضعیت امروز کردستان و منطقه وظایف حساسی را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است به نحوی که کشمکش های گذشته سپری شده و کوچک شده اند. امروز بیرون ماندن "تشکل بیکاران کردستان" از صف دیگر تشکلهای توده ای و کارگری و حرکت کردن آن جدا از جنبش رادیکال هیچ خدمتی به جنبش نمیکند، بلکه به آن ضرر هم میرسانند. علت گام بر نداشتن "تشکل بیکاران کردستان" در راستای اتحاد مجدد، به غیر از وجود طرز فکری سکتاریستی و ابراز وجود همچون گروهی جدا از کمونیسم کارگری و مقاومت منفی در مقابل آن، چیز دیگری نیست.

رحمان حسین زاده: مسئله بیکاری یک معضل جدی امروز کارگران کردستان است. جواب به این معضل و نیرومند کردن جنبش بیکاری در گرو چیست؟

جمال احمد یوسف: اگر چه برای بیشتر فعالین سوسیالیست روشن بود که تنها از طریق سازمان یافتن کارگران در

شوراهایشان و اقداماتشان می توانند به معضلاتشان جواب بدهند. اما بدلیل غالب بودن ایده ناسیونالیسم و ضعف بودن سوسیالیسم در میان کارگران، وضعیتی بوجود آمد که حرکت اتحادیه ای سازمان یابد. هر چند اتحادیه بیکاران یک تشکل رادیکال است اما از نیمه دوم سال ۱۹۹۴ هنر نوع فعالیتی به این شکل بیهوده بود. نبودن حکومت در کردستان و جنگ و عمیق شدن مصائب زندگی کارگران، چنان شرایطی را بوجود آورده است که کارگران باید راه دیگری را چه برای جوابگویی به مسائل روزانه و چه برای جواب به مسائل جامعه در پیش بگیرند. الان حکومتی نیست که مطالبه طرح کنی و بخواهی بر آن تحمیل کنی. وضعیتی در کردستان ایجاد شده است که صحبت از افزایش دستمزد و ساعت کار مطرح نیست. مسئله قدرت سیاسی چه در کارگاه و کارخانه و چه در محله شهر، و حتی برای دفاع از حیات فیزیکی مردم در مقابل جنگ و گرسنگی و بیماری غیره مطرح است.

البته جنبش بیکاری همانند بخشی از جنبش کارگری، در شرایط امروز به منظور جوابگویی به مسائل خود و مسائل جامعه ضروریست خود را در شوراها سازمان دهد. این اقدام قبل از اینکه این مسئله مطرح باشد که الگو و طرح چه کسی است، تنها راه حلی است که در شرایط امروز به جلوی صحنه آمده است. به میدان نیامدن حرکت شورایی به معنای تسلیم شدن طبقه کارگر و ناتوانی جنبش سوسیالیستی است. تسلیم شدن به وضع موجود مصائب بزرگتری را حتی نسبت به موقعیتی که شوراها را سرکوب کردند، بدنبال دارد. تا زمانی که بحران اقتصادی و سیاسی کنونی در جریان است، حرکت برای ایجاد شوراها حقایقیت دارد. \*

باز بود، اما حالا و بعد از پایان مذاکرات ماناچار خواهیم بود این پیشنهاد را در سطح اتحادیه هم مطرح کنیم و برای بدست آوردن اکثریت در درون اتحادیه مبارزه کنیم. اهمیت واقعی این اظهارات زمانی روشن میشود که به توافق جنبی در این دور تعرفه توجه شود. بر اساس این توافق جنبی طرفین مذاکرات از پانزده سال جاری به مذاکره پیرامون چگونگی ادامه قرارداد سال ۹۴، قرارداد معروف به حفظ مشاغل خواهند پرداخت. مهلت این قرارداد در پایان سال جاری به اتمام خواهد رسید. اتحادیه در پانزده سال در شرایطی وارد مذاکرات خواهد شد که بر اساس توافق اخیر تا پایان سال ۹۶ موظف به حفظ آرامش در محیط کار است. تا آزمون کارفرماها هم خواهند توانست به صف سر درگم خود نظمی بدهند.

## پایان سخن

اعتصاب فلزکاران علیرغم خصلت آلمانی، اعتصاب موفق بود. این موفقیت اما بیش از آنچه مدیون رهبری زیرکانه اتحادیه باشد مدیون یک واقعیت ساده و بدیهی است که دورنمای عظیمی را پشت سر خود داشت. برای هر کارگری باید روشن باشد که چه قدرت عظیمی در درون طبقه کارگر نهفته است. دولت و دستگاه سرکوب در آلمان اصلاً احساساتی و با وجدان نیست. این را سرکوب هر بقیه در صفحه ۹

"جمال احمد یوسف" از فعالین اولیه و بنیانگذار اتحادیه بیکاران کردستان عراق:

## جداماندن "تشکل بیکاران کردستان"

### از صف دیگر تشکلهای کارگری، به جنبش ضرور میزند

\* منظور ما از مستقل بودن این بود که بعنوان بخشی از استقلال طبقاتی کارگر از طبقات دیگر در جامعه مستقل هستیم، نه به معنای اینکه از کشمکش سیاسی و احزاب سیاسی مستقل باشیم. منفعت طبقاتی ما ایجاب میکند که در کردستان جانبدار یک نیروی سیاسی و در مقابل و مخالف نیروی سیاسی دیگری باشیم.

جمال احمد یوسف (صلاح) یکی از فعالین اولیه و بنیانگذار اتحادیه بیکاران کردستان عراق است. او تا مقطع ۹۳/۶/۱۹ عضو کمیته عالی اتحادیه بود و در هدایت آن نقش مستقیم داشت. بعد از جدایی در اتحادیه بیکاران یکی از شرکت کنندگان در میزگردی بود که درباره معضلات اتحادیه بیکاران تشکیل شد (متن مباحثات این میزگرد در کارگر امروز شماره ۴۵ و ۴۶ چاپ شده است) و بیانیه ای را در جهت اتحاد مجدد دو بخش اتحادیه صادر کرد. مطلبی که می خوانید بحث و گفتگوی وی با رحمان حسین زاده درباره انشعاب در اتحادیه بیکاران کردستان است.

مردم و ناامید شدن آنها از توقعی که از اتحادیه بیکاران و جنبش سوسیالیستی داشتند.

۳ - لغو آکسیون باعث شد، چنین ارزیابی شود که اتحادیه بیکاران از تهدید حکومت ترسیده و هنوز توانایی مقابله با آن را ندارد.

۴ - این اقدام باعث بیشتر اعضا و بدرجه ای اتحادیه اعتبار خود را از دست بدهند.

۵ - این وضعیت کشمکش درونی اتحادیه را عمیق تر کرد که وضع کنونی نتیجه آنست.

به نظر من آن هشت بندی که شما بعنوان دستاورد اتحادیه از آن نام میبرید، کارگران و بیکاران را قانع نمیکند.

رحمان حسین زاده: من در آن نوشته "جنبش بیکاران در کردستان" که علاوه بر کارگر کمونیست در شماره قبلی کارگر امروز هم چاپ شده، به تفصیل ارزیابی خود را از رویداد های مربوط به اتحادیه بیکاران و جدایی آن نوشته ام. به این دلیل اینجا صحبت بیشتری ندارم، اما میخواهم نکاتی را در رابطه با ملاحظات شما طرح کنم.

من هنوز هم معتقدم "تسلیم شدن به فشار سیاسی روانی بورژوازی و آن شارلاتاریسم و شانناژ سیاسی" که به بهانه اینکه "رژیم بعث و جریانهای اسلامی از این اعتراض بهره برداری میکنند" یکی از موانع اصلی سر راه برگزاری آکسیون بود. همین نکات که خودت به آن اشاره داری از جمله اینکه "ضعف حکومت بیشتر از هر زمانی آشکار بود، دهها هزار کارگر و مردم ستمدیده فقط در سلیمانیه آماده آکسیون بودند... نکته مهم دیگر این بود، که نمیخواستیم آکسیون ما در میان بازی احزاب ارتجاعی با هم گم شود" همین واقعیت را تایید می کند که ما از سر ضعف و عدم حمایت توده ای آکسیون را لغو نکرده ایم، بلکه وقتی به بیانیه های تعویق آکسیون در آن زمان نگاه میکنی، در همه آنها اساسا به همین مساله "احتمال بهره برداری جریانهای دیگر بورژوازی" اشاره شده است. "احتمال بهره برداری جریانهای همان شانناژ سیاسی دولت و احزاب حاکم بود که در نتیجه تبلیغ وسیع و فشرده بر ما تحمیل کردند و اتحادیه

تشدید شد". به هیچ وجه هیچ توهمی به وعده های حکومت وجود نداشت. در فاصله زمانی ۱۰-۹۳/۶/۱۳ یک هماهنگی عالی در میان فعالین از سازمانهای جدا از هم وجود داشت. اگر چه دو نفر در سلیمانیه در اقدام به آکسیون تزلزل داشتند و در اربیل هم سه نفر مخالف آکسیون بودند اما روند رویدادها بسیار قوی بود و به هیچ شیوه ای نمیتوانستند جلوی آن اقدام را بگیرند.

در آن شرایط حساس محسن کریم و نزار عبدالله از "رهوت کمونیست" (آنوقت هنوز حزب کمونیست کارگری عراق ایجاد نشده بود) طرحی را مطرح کردند که البته هیچ ربطی به آکسیون ۹۳/۶/۱۹ و آن وضعیت نداشت، اما فرصتی خوبی برای کسانی که به آکسیون ۹۳/۶/۱۹ معترض بودند بوجود آورد که به نمایندگی این طرح تبدیل شوند و بخش زیادی از اعضا و طرفداران سه جریان "رهوت کمونیست"، "یه کیه تی خدیات" و "سه رنجی کرکار" به دور آن جمع شوند و برای تحمیل لغو آکسیون اقدام کنند. همه ۱۲ نفر رهبری آکسیون (بغیر از یکنفرشان) علیه لغو آکسیون بودند. با این اقدام آن توانایی هر چند ناکافی که در آن شرایط وجود داشت، کاهش یافت و به یک ناتوانی تبدیل شد و لغو آکسیون خود را تحمیل کرد بدون آنکه اعلام شود.

لغو آکسیون ۹۳/۶/۱۹ ضربه سختی علیه اتحادیه بیکاران و جنبش کارگری بود. بنظر من اگر آن اقدام با موفقیت تمام میشد، دستاوردهای بسیار مثبتی میداشت از جمله:

۱ - حکومت منطقه مجبور به اجرای وعده هایش میشد و مطالبات دیگری هم بر آنها تحمیل میشد.

۲ - اعتماد توده مردم عموماً و بویژه بیکاران به اتحادیه بیکاران و جنبش سوسیالیستی بسیار بیشتر میشد.

۳ - سابقه بسیار خوبی بدست می آمد تا در آینده در مقابل هر تعرض حکومت منطقه و برای بدست آوردن هر مطالبه ای به آن اتکا شود.

اما وقتی که به سرانجام نرسید نتایجش اینها بود:

۱ - اتحادیه بیکاران با وجود آن همه حمایت توده ای و فراوان، نشان داد که هنوز قابلیت رهبری آنها را ندارد.

۲ - از دست رفتن اعتماد توده وسیع

دهی و آمادگی ما و مطالبات هم تغییر میکرد به نحوی که با آن موقعیت سازگار باشد. همچنین حکومت منطقه (نخست وزیر به نمایندگی از طرف آنها) تنها به دنبال و تحت فشار فراخوان آکسیون، اجباراً به وعده هایی تن داد. حتی بدون سازماندهی آکسیون و تنها با تهدید فراخوان آن هم میشد مطالبات دیگری را هم بر آنها تحمیل کرد و آنها را به پای اجرائیش آورد.

نقطه مهم دیگر این بود، که ما نمیخواستیم آکسیون ما در میان بازی احزاب ارتجاعی با هم گم شود. به این دلایل تصمیم گرفته شد آکسیون به تعویق افتاده شود تا با آمادگی بیشتر و به نحوی دیگر و بنا به محاسبات جدید در وقت دیگری برگزار شود.

در همین جا میخواهم چند ملاحظه را که در مورد نوشته شما (جنبش بیکاران در کردستان عراق، تحولات یکساله اخیر، درسها و تجارب آن - کارگر کمونیست شماره یک) دارم، مطرح کنم.

در آن مقاله اشاره میکنید که "اما آنچه در این میان بیش از هر عامل دیگری مانع برگزاری آکسیون شد، نه زور و قلدری دشمنان کارگران بلکه تسلیم شدن به آن فشار سیاسی روانی بورژوازی بود که اهداف برحق... و یا تسلیم شدن به این شارلاتاریسم و شانناژ سیاسی بی اساس بورژوازی اولین و اصلی ترین مانع برگزاری آکسیون بود".

بنظرم به هیچ وجه نمیشود چنین گفت. چون زمانی که قرار تعویق آکسیون از طرف رهبری آکسیون صادر شد، بغیر از یک نفرشان، بقیه کوچکترین ترسی به خود راه ندادند. در واقعیت میبایست از غرور بترسیم. در شرایطی که فقط در سلیمانیه دهها هزار مردم کارگر و ستم دیده با همه هستی خویش آماده آکسیون بودند و از هر زمانی ضعف حکومت آشکار تر بود و مسئولین حکومتی با زبان خود میگفتند: "ما نه تنها نمی توانیم آکسیون را محافظت کنیم، بلکه قابلیت حفظ خودمان را هم در مقابل کینه و بیزاری مردم نداریم".

همچنین اینها هم علت تعویق انداختن آکسیون نبود. که اشاره کرده ای "وجود درجه ای از توهم به این وعده ها (وعده های حکومت) عامل دیگری در لغو آکسیون بود. البته میتوان عوامل دیگر و از جمله عدم انسجام رهبری اتحادیه و اختلافات آنها که تحت آن شرایط هم

رحمان حسین زاده: از آکسیون اتحادیه بیکاران شروع کنیم. این آکسیون در حیات جنبش بیکاران و جنبش کارگری کردستان عراق حرکت مهمی بود. ارزیابی شما از این آکسیون و سرانجام آن چیست؟

جمال احمد یوسف: فراخوان ۹۳/۶/۱۹ به آکسیون در تاریخ مبارزاتی اتحادیه بیکاران کردستان و جنبش کارگری در کردستان عراق یک نقطه عطف بود. به این دلیل که ابعاد وسیع اجتماعی به خود گرفت و یک تقابل جدی بود از طرف کارگران و مردم ستمدیده و نیروهای سیاسی رادیکال با حکومت منطقه کردستان و تمامی نیروهای ناسیونالیست و قومی.

زمانیکه اتحادیه بیکاران کردستان تشکیل شد، بیکاری وسیعی که طی چند سال وجود داشت بدنبال قیام ماه مارس ۹۱ چندین برابر افزایش یافته بود. حکومت منطقه کردستان نه تنها توجهی به مسئله بیکاری و معیشت بیکاران نداشت، بلکه با اعمال خود آن را وسیع تر هم کرده بود و مستقیماً هم بیکاران را مورد حمله و تعرض قرار میداد. بیکاران به امید اینکه از طریق تشکل خویش تغییری در وضعیت زندگیشان ایجاد کنند بصورت دهها هزار نفری به اتحادیه بیکاران کردستان پیوستند. اما بی نتیجه ماندن آن بخش از فعالیت اتحادیه بیکاران که از طریق مذاکره و گفتگو با مقامات حکومتی جریان داشت، باعث شد که بیکاران در اربیل و اطراف آن از اتحادیه بیکاران فاصله بگیرند و از سلیمانیه هم به اتحادیه فشار بیاروند. بیکاری وسیع، زندگی و معیشت بشدت سخت، و تعرض مداوم و عدم جوابگویی به مطالبات از جانب حکومت منطقه کردستان از طریق گفتگو، اقدام به فراخوان آکسیون را ضروری و خود را تحمیل کرد.

در فاصله ۱۰-۹۳/۶/۱۹ تا ۲۲-۹۳/۶/۱۹ قابلیت و توانایی خوبی از جانب جنبش سوسیالیستی و فعالین کارگری در سراسر کردستان و بویژه در سلیمانیه در رابطه با آکسیون به میدان آمد. تبلیغ آکسیون ۹۳/۶/۱۹ یک فشار جدی را به حکومت و جبهه کردستان اعمال کرد. تمامی دم و دستگاه حکومت و احزاب درون جبهه در مقابل ما متحد شدند و وعده دادند و در عین حال به تهدید و تهمت زنی علیه ما پرداختند. شهرها را با نیروهای مسلح پر کردند، سرمایه و پولهایشان را از بانکها خارج کردند و از ترس تعرض مردم، انبارهای مواد خوراکی را بشدت تحت حمایت و کنترل نظامی درآوردند.

نارضایتی شدید یک حرکت اعتراضی را به میدان آورد که از توقع ما سازمان دهندگان آکسیون بسیار بیشتر بود. یک نیروی وسیع اجتماعی آمادگی خود را برای ملحق شدن به آکسیون نشان داد. این نیرو بسیار وسیع تر اعضای اتحادیه بیکاران و حتی کل بیکاران بود. استقبال وسیع از آکسیون و خود این اقدام وارد محاسبات و معادلات سیاسی منطقه شد. جنبش اسلامی و همچنین حکومت بعث عراق و چند نیروی سیاسی دیگر هم برای بهره برداری از آن خود را آماده کردند.

اما آکسیونی که ما برای آن نقشه و طرح ریخته بودیم و تنها در چهارچوب اعضای اتحادیه بیکاران و با مطالبات محدود آن بود دیگر مناسب دوره ۹۳/۶/۱۶ به بعد نبود. میبایست شیوه و درجه سازمان

بیکاران و نیروهای چپ در آن زمان نتوانستند آن را خنثی کنند. این امر به دلیل نبودن یک رهبری واحد و هماهنگ بود. در آن شرایط، جنبش سوسیالیستی و کارگران و بیکاران باید با هم متحد میشدند و با هم در مقابل حکومت و احزاب ارتجاعی ایستادند. اما در آن زمان، این امکان وجود نداشت. در آن شرایط، حکومت و احزاب ارتجاعی با هم متحد شدند و با هم در مقابل ما ایستادند. در آن شرایط، ما نمیتوانستیم با هم متحد شویم و با هم در مقابل حکومت و احزاب ارتجاعی ایستادیم. در آن شرایط، ما مجبور بودیم که با هم متحد شویم و با هم در مقابل حکومت و احزاب ارتجاعی ایستادیم.

اما آکسیونی که ما برای آن نقشه و طرح ریخته بودیم و تنها در چهارچوب اعضای اتحادیه بیکاران و با مطالبات محدود آن بود دیگر مناسب دوره ۹۳/۶/۱۶ به بعد نبود. میبایست شیوه و درجه سازمان

بیکاران و نیروهای چپ در آن زمان نتوانستند آن را خنثی کنند. این امر به دلیل نبودن یک رهبری واحد و هماهنگ بود. در آن شرایط، جنبش سوسیالیستی و کارگران و بیکاران باید با هم متحد میشدند و با هم در مقابل حکومت و احزاب ارتجاعی ایستادند. اما در آن زمان، این امکان وجود نداشت. در آن شرایط، ما نمیتوانستیم با هم متحد شویم و با هم در مقابل حکومت و احزاب ارتجاعی ایستادیم.

اما آکسیونی که ما برای آن نقشه و طرح ریخته بودیم و تنها در چهارچوب اعضای اتحادیه بیکاران و با مطالبات محدود آن بود دیگر مناسب دوره ۹۳/۶/۱۶ به بعد نبود. میبایست شیوه و درجه سازمان

بیکاران و نیروهای چپ در آن زمان نتوانستند آن را خنثی کنند و در برگزاری آکسیون تزلزل ایجاد کرد. این را بگویم منظور من از تسلیم شدن به این شانناژ، این نیست که گویا رهبران و سازماندهندگان ترسیده و روحیه مبارزه جویانه خود را از دست داده بودند و تازه ملاحظه من تنها به رهبران مربوط نیست، بلکه مساله اینست در نتیجه تبلیغ ناسیونالیستها به این توهم دامن زده شد که احتمالاً بعث و اسلامیه این آکسیون را به مسیر اهداف خود بیندازند. بنظر من این یک تلاش سیاسی روانی احزاب حاکم علیه ما بود که خنثی نشد و بر لغو آکسیون تاثیر گذاشت. تازه من آنرا بعنوان یکی از عوامل مهم نام برده ام، چون عوامل دیگری هم عمل کرده اند. به طرح رقفا محسن کریم و نزار عبدالله اشاره می کنی که متأسفانه من آنها را نخوانده ام تا قضاوتی داشته باشم. با اینحال من که خیلی چیزها را تعقیب و مطالعه کردم تا ارزیابی ام را بنویسم، هیچ جا و در گفته و نوشته هیچ کس دیگری این را احساس نکردم که چنین طرحهایی نقشی در بحران درونی اتحادیه داشته اند. من فکر میکنم اگر تاثیری هم داشته اند فرعی بوده است. کلاً احساس میکنم که در ارزیابی شما از علت لغو آکسیون، اقدامات بورژوازی و احزاب و دولت حاکم را دست کم گرفته میشود. ملاحظه دیگرم در مورد مساله دستاورد های آکسیون است. طبعاً همچنانکه شما هم اشاره کرده ای اگر آکسیون بشکل پیش بینی شده و کامل پیش میرفت، حتما دستاوردهای آن بسیار بیشتر و اتحادیه موقعیت بهتری قرار میگرفت. اما مسئله اینست که اگر چه آکسیون بشکل کامل پیش نرفت، اما در همان سطح هم دستاوردهای خوبی داشت. قضیه به این صورت نیست که چون آکسیون لغو شد دیگر هیچ دستاوردی وجود نداشت. این همان طرز فکری است که آن زمان بیشتر جا افتاد و مشکلات دیگری به دنبال خود آورد. من هنوز هم معتقدم فراخوان آکسیون دستاورد هایی داشت که در آن نوشته ام به آن اشاره کرده ام.

حال ستوالم این است. بدنبال آکسیون ۱۹/۱۲/۹۳ اختلافات درون اتحادیه بیکاران عمیق تر شد. به نظر شما علت اصلی این کشمکش ها چه بود؟ و کدام طرف در مقابل آن مسئولند؟

جمال احمد یوسف: اصل کشمکش های درون اتحادیه بیکاران از آنجا سر چشمه میگرفت که ایجاد اتحادیه بیکاران با ابتکار و پیش قدمی جنبش سوسیالیستی بود. کشمکش های درون این جنبش در اتحادیه بیکاران هم انعکاس داشت، و قطب بندی این گروهها قبل از آکسیون هم بخشی از حیات اتحادیه بیکاران بود. اما اتحادیه بیکاران و تمامی تشکلهای توده ای دیگر به دلیل اینکه علاوه بر افراد گروههای چپ، فعالین بسیاری را در خود جذب کرده بود که جزو این گروهها نبودند. در نتیجه اتحادیه بیکاران تحت کنترل هیچ یک از این گروهها نبود. بخش زیادی از کشمکش ها در جهت کنترل کردن این تشکل بود.

نه تنها در اتحادیه بیکاران بلکه در کل جنبش سوسیالیستی و کارگری عراق

بقیه در صفحه ۱۱

## مقدمه

تحولات اخیر عراق و قیام مردم کردستان جنبه‌های گوناگونی دارد که غالباً توسط رسانه‌های جهانی و حتی جریانات کرد مسکوت گذاشته می‌شود. یکی از این جنبه‌ها پاگیری و رشد جنبش شورایی یا بقول خودشان شورا خواهی است. اینکه این جنبش چه جایگاهی را در کل این حرکت داشته، نقاط قوت و ضعف آن کجاست، محتاج نه تنها دسترسی به اسناد و گزارش‌های مستند است بلکه نیازمند تحلیل و موشکافی این اسناد و سیر تحولات و نشان دادن منطق تحولات و قیام مردم کردستان عراق است. ترجمه و انتشار جزوه حاضر تلاشی برای کمک به این کار است.

این جزوه ترجمه یادداشتهای یکی از فعالین جنبش شورایی در کردستان عراق است که چاپ کردی آن به خارج رسیده است. بعلاوه مجموعه‌ای از اسناد، اعلامیه‌ها و نشریاتی که در جزوه کردی آمده همراه ترجمه فارسی آنها بعنوان ضمیمه به ترجمه فارسی اضافه شده است.

ترجمه این نوشته‌ها و اسناد خالی از اشکال نیست. در ترجمه یادداشتهای تلاش شده که لحن محاوره‌ای نوشته با حفظ امانت نسبت به اصل مطلب حفظ شود. در بخش اسناد پاره‌ای از کلمات و گاه سطرها ناخوانا و یا نامفهوم بوده که همانجا بصورت (...) نشانه‌گذاری گردیده است. بعلاوه برای مفهوم کردن پاره‌ای از جملات به ناچار اضافه کردن کلماتی ضروری بوده که این کلمات نیز در داخل کروشه قرار داده شده‌اند.

شیرکو - پاریس - مه ۱۹۹۱

## پایان یک جنگ و آغاز جنگ دیگر

با آغاز ماه مارس جنگ خلیج فارس متوقف می‌شود.

هم‌اکنون کشور عراق دارای یک حکومت متزلزل، شکست خورده با یک ارتش تحقیر شده و توسری خورده، مردم گرسنه و در خطر مرگ و قحطی، اما امیدوار. امید به اینکه هر چه باشد این رژیم رفتنی است و این تنها دستاورد مردم می‌بود که تاوانش بش غظیم و نابود کننده بوده است. این آرزوی بالغ بر ۱۶ میلیون مردم یک کشور از ترک و کرد و عرب و اقلیت‌های مذهبی است.

و با این هدف در دریائی از فلاکت و فقر دست‌های قیام در شهرهای کردستان عراق در جنوب و شمال سازمان می‌یابد.

## دسته‌های قیام در شهر سلیمانیه

اخبار قیام مسلحانه را از چند شهر کردستان شنیدیم و خبر درگیریهای جنوب عراق را هم داشتیم. زمره قیام اینجا و آنجا در شهر بود و ما عناصر رادیکال و باقیمانده از گروههای متعدد چپ در شهر که اغلب همدیگر را می‌شناختیم اولین دسته‌های مسلح قیام را تشکیل دادیم. ما میدانستیم که با صدای اولین شلیک صدها نفر مسلح از خانه‌هایشان بیرون خواهند آمد. افراد مسلح رژیم آشکارا مایوس بودند

## یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می‌گوید

## یادداشتهای درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست

## قسمت اول

و زخمیها لحظه به لحظه بیشتر می‌شود. بیمارستانها از زخمی و کشته پر شده‌اند. نزدیک ظهر هواپیماهای توپدار رژیم که از ارتفاع بالا تیراندازی می‌کنند به بالای شهر رسیده‌اند، تا ساعت ۱۲ ظهر قسمتهایی از محل تجمع مردم در اطراف مقرهای تسلیم نشده رژیم با توپ و راکت زده شد. و سرانجام ساعت ۱۲ و ۱۵ دقیقه ظهر آخرین سنگرهای دشمن فتح شدند.

شهر سرتا پا غرق شادی و رقص و پایکوبی بود. قیام مسلحانه پیروز شد. مواد خوراکی توسط مردم مسلح با تراکتور و تریلی در محلات فقیر نشین توزیع شد.

تعدادی در شهر فریاد می‌زدند ما از هیچ همه چیز شدیم. ما حزب کارگری نداریم و پاکتهای سیگار را که از بزرگترین فروشگاه دولتی شهر مصادره شده بهم تعارف می‌کنند.

حالا وقت آنست در مورد چه باید کرد بعدی بنشینیم و تصمیم بگیریم. این کارها شامل سازماندهی قدرت شورایی و تسلیح همگانی و وظایف شورا، شوراهای کارگری و قانون کاری که فوراً اجرا میشود و برخورد کارگران به احزاب بورژوازی و جبهه (۱) آنها است، اینها تقریباً یک پلاتفرم عملی برای قیام و بعد از پیروزی یعنی نتیجه آنست.

جا انداختن و عمل کردن این پلاتفرم کار میخواهد. آیا کارگران زیادی دور آن جمع خواهند شد؟ این سوالی است که در حال حاضر جوابی برایش نداریم. باید برایش کار بشود.

## ۱۸ اسفند (۹ مارس)

ایده شورایی وسیعاً در شهر پخش شده است. پلاتفرمهای کوتاه اما روشن در مورد وظایف پس از قیام پخش شده‌اند. در محلات فعالین جنبش شورایی مشغولند. اولین جلسات توده‌ای برگزار می‌شوند. در کنارین، مقرات متعدد احزاب جبهه دایر شده‌اند. آنها دیروز و دیسب خود را به شهر رسانده‌اند و مستقر شده‌اند. همه چیز آماده است. قیام در شهر پیروز شده مردم آماده‌اند سازمان یابند، همه منتظرند تا ببینند وظیفه‌شان چیست؟ چه چیزی میماند و چه چیزی می‌رود.

از نظر احزاب "جبهه" چیز زیادی نباید تغییر کند. سازمان نظامی کردهای مزدور رژیم دست نخورده باقی مانده‌اند. حتی روسایشان که "مستشار" نامیده می‌شوند تشویق هم میشوند که گویا آنها هم در قیام نقش داشته‌اند. البته اینها که تزلزل رژیم و قدرت مردم را دیدند در آخرین لحظات بمرم پیوستند. اما نه از سر انقلابیگریشان بلکه از فرصت طلبی تاریخی شان که همیشه چنین کرده‌اند و بین نیروهای مردم و دولت مرکزی در نوسان بوده‌اند. گاهی اینطرف و اغلب طرف رژیم و حالا فرصت غارتگری را هم یافته‌اند البته. مدیران ادارات و کارخانه‌ها بنظر میرسد ابقاء شوند و دستورهایی از بالا و از رادیوی احزاب "جبهه" مرتب صادر می‌شوند:

"سلاحها را بیابورید و تحویل مقرات جبهه بدهید"، "و سرمایه داران و تاجران بزرگ شهر هم با رفتن به مقر جبهه کارت عضویت گرفته"، "وسایل غارت شده را پس بدهید" که در عین حال بمعنی کارت معافیت و مصونیت از مصادره انبارها و پول بانکهایشان است.

۱- کلیه احزاب بورژوازی چپ و راست از مدت‌ها قبل در یک جبهه "بهره" ائتلاف کرده‌اند و هم اکنون در پشت مرزها منتظرند و صحبت از حاکمیت دمکراتیک در عراق و خود مختاری در کردستان می‌کنند. اینها از پیش خود را برای حاکمیت از بالا آماده کرده‌اند و آنرا حق مسلم خود می‌دانند. در این یادداشتهای هر کلمه "جبهه" آمده منظور همین ائتلاف است.

سردبیر محترم کارگر امروز! با سلام و آرزوی موفقیت برای شما.

آیا امکان دارد "یادداشتهای درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست" را از جزوه "یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می‌گوید" بصورت پاورقی در کارگر امروز به چاپ برسانید؟

این کار شما کمکی است به تحولات کنونی در کردستان عراق در رابطه با تلاش برای برپایی مجدد شوراها و برقراری حکومت کارگران.

این یادداشتهای، گوشه‌هایی از خاطرات روزانه من است که در آن زمان (مارس ۱۹۹۱) با نام مستعار "سمکو" به کردی و فارسی منتشر شد. اگر موافقت خواهش می‌کنم مقدمه زیر را بر چاپ این یادداشتهای اضافه کنید.

مظفر محمدی  
۹۵/۱/۲۰

## مقدمه:

بهنگام خیزش کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق، به‌همراه تعدادی از رفقا که به گرایش کمونیسم کارگری متعلق بودیم که این گرایش بعداً در حزب کمونیست کارگری ایران متشکل شد، در جنبش شوراهای آندوره فعالانه شرکت کردیم. از آنجا که با تعدادی از رهبران و فعالین جنبش آشنایی داشتیم به آنها پیوستیم تا آنها را در پیشبرد امر جنبش شورایی و برپایی دولت شوراهای کارگران یاری دهیم و تجارب قیام ایران و جنبش کارگری و شورایی آندوره را در اختیارشان قرار دهیم.

ما با تعداد زیادی از فعالین این جنبش در "دسته‌های پیشبرد جنبش شورایی"، "کمیته نمایندگان شوراها"، شوراهای کارگران کارخانه‌هایی چون دخانیات سلیمانیه و اربیل، پوشاک، سیمان، شهرداریها و شوراهای زحمتکشان محلات شهرها... از نزدیک آشنا شدیم و مشورت و تصمیم‌گیری کردیم. متأسفانه اینجا مجال نام بردن از یک یک آنها نیست و اسامی خیلی‌ها شان را فراموش کرده‌ام.

در اینجا حداقل از دوستان و رفقا خسرو سایه، آسو کمال و جمال احمد یوسف نام میبرم که از رهبران و فعالین اصلی جنبش شورایی بودند و با هم ارتباط مداوم تری داشتیم.

خاطرات این جنبش از هنگام برپایی تا شکست آن که بصورت یادداشتهای روزانه من بود ابتدا به کردی در کردستان عراق و سپس به فارسی در خارج از کشور در جزوه‌ای چاپ و پخش شد. در آزمون این یادداشتهای با اسم مستعار "سمکو" منتشر شد و یکی از دوستان هم با نام مستعار "شیرکو" مقدمه‌ای بر چاپ فارسی آن نوشته است. اکنون مدت زیادی از این تجربه کوتاه نمی‌گذرد و کماکان آلترناتیو شورایی کارگری در کردستان عراق امری فوری و حیاتی و روز است.

احزاب ناسیونالیست بورژوا در کردستان جهنمی درست کرده‌اند و قبل از اینکه بدست کارگران بزرگ کشیده شوند خود فاتحه حکومتشان را خوانده‌اند. قدرت هم اکنون مساله روز است. بخش نه چندان کمی از کارگران اکنون در اتحادیه‌های متشکل اند. کارگران حزب کمونیست کارگری شان را دارند، تجربه شوراهای مارس ۹۱ را دارند و عملکرد ننگین ناسیونالیست‌ها را مردم بار دیگر به چشم خود دیدند و نباید توهمی به بورژوازی ناسیونالیست کرد باقی مانده باشد. و بالاخره اتکاء به امریکا و غرب هم بار دیگر پوچ از آب در آمد.

اکنون تنها دست قدرتمند کارگران است که می‌تواند جامعه بهم ریخته کردستان را سر و سامان بدهد. برپایی شوراهای کارگری و مردم زحمتکش در محلهای کار و زندگی در شهرهای کردستان عراق پایه‌های حکومت کارگری را همین امروز می‌سازند.

های شمال و شرق شهر بطرف خیابانهای اصلی و مرکز شهر راه افتادیم. اولین تیراندازی افراد مسلح رژیم را با تیراندازی متقابل جواب دادیم و آنها نسبتاً غافلگیر شدند. شاید کمتر از یک ساعت طول کشید که کلیه محلات اطراف شهر از سربازان و پلیس رژیم تخلیه و پاک شد و نیروهای امنیتی در مقرها و مراکز خود سنگر گرفتند و با این ترتیب قیام مردم که گویا همگی از قبل آماده بودند سراسر شهر را پوشاند.

## ۱۶ اسفند (۷ مارس)

## ۱۷ اسفند (۸ مارس)

مردم اند بخصوص بچه‌ها و جوانان. امروز بعد از ظهر تعدادی نوجوان یکی از پایگاههای نیروهای رژیم را محاصره می‌کنند، با دست خالی. و افراد رژیم بعد از تیراندازی چندی، برای ترساندن بچه‌ها، وقتی آنها را در پای خاکریز پایگاه می‌یابند تسلیمشان می‌شوند و بچه‌ها تکیه استفاده از تفنگ را بلد نیستند تفنگها را تحویل مردم می‌دهند. تا ساعت نزدیک غروب دو سوم شهر در دست قیام کنندگان است.

اولین شب آرام است و تیراندازی و حمله‌هایی از ساعت ۴/۵ بعد از نیمه شب شروع می‌شود.

و متزلزل. حالت دفاعی آنها برای همه آشکار بود و این بمردم روحیه می‌داد. و نگرانی بمباران شیمیایی در میان مردم کم شده بود.

عصر روز ۶ مارس اولین تظاهرات کوچک و پراکنده جوانان و جنگ و گریز آنها در کوچه‌ها و خیابانها شروع شد. افراد مسلح و پلیس مخفی رژیم تیر هوانی شلیک میکنند. و بچه‌ها به کوچه‌های باریک و خانه‌ها عقب می‌نشینند. تب و تاب تظاهرات و قیام را در چشم همگان می‌خواندیم. اما نشانه‌هایی از سازماندهی یک قیام با نقشه وجود ندارد. و ما تدارک اولین حمله را کامل کردیم. ما میدانستیم که حمله ما بمشابه کشیدن ضامن و آزاد کردن چاشنی خواهد بود.

می‌شنیدیم که نیروهای امنیتی رژیم خود را برای کشتار جمعی آماده کردند و بین خودشان گفته‌اند اگر تظاهرات بشود درس خوبی بمردم خواهند داد. تانکهایشان را به خیابانها آوردند اما آنها نمیدانستند که با تظاهرات آرام و دست خالی مردم روبرو نمی‌شوند. آنها میدانستند پیشمرگان در این نزدیکیها نیستند، حتی کمترینشان از مرز ایران به اینطرف آمده‌اند و این به آنها دلگرمی می‌داد. اما کور خواندند. اولین ساعات صبح ۷ مارس اولین دسته‌های مسلح قیام از دو تا از محله

خیابانها در دست مردم قیام کننده است. بخش زیادی از سربازان و افراد مسلح محلی به مردم پیوسته‌اند و اکثر جوانان شهر که در جریان جنگ کویت مسلح شده بودند هم اسلحه‌هایشان را درآوردند و اسلحه‌های جدیدی هم که از نیروهای رژیم گرفته شده بین مردم تقسیم می‌شوند.

قیام مسلحانه خودبخودی و سازمان نیافته است. اینجا و آنجا کمونیستها و مبارزین و هواداران نیروهای مسلح اپوزیسیون حضور دارند و نقش مهمی دارند. اینها اغلب پیشمرگان سابق اند و استفاده از انواع سلاحها را بلدند بخصوص آرپی‌جی. اما جلوداران خود

از گزارش شرایط کار کارگران خارجی در دانمارک

## هیچ آینده ای ندارم

چهارمین و آخرین بخش گزارش شرایط کار کارگران خارجی در دانمارک به شرح حال دو کارگر مهاجر از ترکیه اختصاص دارد. این گزارش که کارگر امروز درج آنرا از شماره ۵۰ آغاز کرده بود توسط دو نویسنده دانمارکی به نامهای "سپا نیلسن" و "کارین ویندینگ" تهیه شده و توسط مریم متین ترجمه و تلخیص شده است.

یوسف (نام مستعار) سال ۱۹۸۳ در جستجوی کار به دانمارک مهاجرت کرد. وی در ترکیه کارگر کشاورزی بود و دارای تحصیلات نیست. وی ۱۴ روز پس از ورود به دانمارک در یک باغ که همه کارگران خارجی بودند، بمدت ۶ ماه مشغول بکار شد. و بعد از یکدوره کوتاه بیکاری در یک کارخانه مانکن سازی بمدت دو ماه دیگر کار کرد. یوسف پس از بیکار شدن از طریق اتحادیه "اس.آی.دی" در دوره های آموزشی زبان دانمارکی، جوشکاری و لوله کشی شرکت کرد.

یوسف در سال ۱۹۸۷ بعنوان کارگر شهرداری استخدام شد. وی همراه دو همکارش (که آنها هم خارجی بودند)، زباله ها و مواد قابل استفاده مجدد را جمع آوری می کردند. یوسف پس از ۳ سال به بخش راهسازی منتقل شد. اما بدلیل نوع و فشار کار پس از یکسال و نیم دچار کمردرد شد و سپس به کار چمن زنی انتقال داده شد.

یوسف پس از چند دوره بیماری بدلیل کمردرد شدید در نوامبر ۱۹۹۳ از کار اخراج شد و در حال حاضر (زمان انجام مصاحبه - فوریه ۱۹۹۴) تحت پوشش کمکهای شهرداری است.

ترس دائم از بیکاری و رفتار متفاوت سرپرستان نسبت به کارگران خارجی و دانمارکی

کار یوسف در شهرداری بسیار سنگین بود. وی میگوید: "سخت ترین بخش کارم در شهرداری جابجا کردن اشیای سنگین که گاهی اوقات وزن آنها به ۵۰ کیلو می رسید بود. خیلی مواقع با تحمل فشار زیاد کارم را انجام می دادم. آتموقع از عواقب کار کردن به این شکل بی اطلاع بودم. همیشه تلاش می کردم به موثرترین و سریع ترین شکل کار کنم. منم از آن تیپ هایی بودم که با کارم سعی می کردم کارفرمایم را راضی نگه دارم."

به او هرگز آموزشی در زمینه روش جابجا کردن اشیای سنگین داده نشده بود و در نتیجه حین کار کمربندش از پیش صدمه دیده است. با اینکه نماینده ایمنی محیط کار یوسف از کارگران خواسته بود برای جابجایی اشیای سنگین از جرثقیل استفاده کنند، همکاران دانمارکی یوسف گفته بودند که کارگران خارجی حق استفاده از آنرا ندارند.

کار یوسف در بخش راهسازی هم، بویژه زمان کندن زمین با بیل بمنظور رسیدن به لوله های آب در عمق یک و نیم متری بسیار سخت بود. کار چمن زنی هم به دلیل استفاده از ماشین چمن زنی بسیار قدیمی که صدلی اش برای

بدلیل مشکل زبان ارتباطی با همکاران دانمارکی خود در ساعات کار و یا خارج از آن نداشت. زمانیکه یوسف در بیمارستان بستری بود، تنها یکی از همکارانش به عیادت او رفت. وی می گوید: "وقتی آدم مشکل زبان دارد، بسادگی مورد سوء استفاده قرار می گیرد. بعنوان مثال اگر من موضوع برگه کارفرما را درست فهمیده بودم هرگز آنرا امضا نمی کردم. من با اعتماد به نماینده مان و علم به اینکه او در موارد اخراج کارگران دخالت فعال میکند، برگه را امضا کردم. اما نماینده مان در مورد من بی تفاوت بود."

به اعتقاد یوسف نماینده شان از کارگران دانمارکی بیشتر از کارگران خارجی حمایت می کرد و می گوید: "مثلا اگر یکی از همکاران دانمارکی من در محل کار دچار سانحه می شد، نماینده به منزل او می رفت و برگه های لازم را جهت اطلاع مراجع مربوطه در رابطه با سانحه پر می کرد. اما در مورد من چنین کاری نکرد. تنها نماینده ایمنی محیط کار پس از عمل جراحی به دیدن آمد و توصیه کرد بیماریم را به اطلاع اتحادیه برسانم تا بعنوان صدمه ناشی از کار مورد بررسی قرار گیرد." به اعتقاد یوسف نماینده فوق بدلیل ترس از کارفرما خود جرات انجام آنرا نداشت.

### صدمه ناشی از کار

صدمه به کمر یوسف در سال ۸۸ بدلیل جابجا کردن اشیای سنگین وارد شد. اما کارفرمای یوسف آنرا بعنوان سانحه محیط کار گزارش نکرد. یوسف به دکتر متخصص و اورتوپد رجوع داده شد. با اینکه یوسف در آزمون بسختی قادر به راه رفتن بود، پزشک یوسف با تجویز یک کمرست وی را بر سر کار فرستاد. یوسف از ترس اخراج اعتراضی نکرد.

درد کمر یوسف در ۱۹۹۱ بحدی شد که گاهی اوقات پاهایش حس نداشتند. در سال ۹۲ یوسف مجبور شد بار دیگر خود را بیمار اعلام کند. بنا به اظهارات پزشک کشیکی که نیمه شب برای ویزیت یوسف آمده بود، وی در صورت عدم اقدام به معالجه در معرض فلج شدن قرار داشت. یک هفته بعد از آن پای چپ یوسف فلج شد. یوسف شبانه به بیمارستان انتقال داده شد و بدلیل دیسک کمر مورد عمل جراحی قرار گرفت. یوسف از پزشک خود بدلیل سهل انگاری بشدت عصبانی است.

به اعتقاد پزشکان اگر وضع جسمی یوسف ۶ ماه پس از عمل جراحی رو به بهبودی نمی رفت، امیدی به سلامتی کامل او در آینده نبود. امروزه یوسف از کمردرد مزمن رنج می برد، اما با آکراه حاضر به انجام دوباره عمل جراحی است.

### جلسه با اتحادیه

یوسف از زمان ورودش به دانمارک بجز یکدوره کوتاه که در شهر دیگری کار می کرد، عضو اتحادیه "اس.آی.دی" بوده است. اما به اعتقاد او رابطه اش با اتحادیه رضایتبخش نبوده است.

اتحادیه "اس.آی.دی" بجز یک مورد، هرگز به یوسف پیشنهاد شرکت در دوره های آموزشی اتحادیه را نکرده است. وی را هرگز با حقوق کارگران در سیستم دانمارک چه از طریق نماینده خود و چه از طریق جزوه آشنا نکرده است.

هیچکدام از انتظارات یوسف از اتحادیه از قبیل کمک بهنگام اخراج در زمان بیماری، کمک برای ثبت رساندن کمردرد وی بعنوان صدمه ناشی از کار، کمک برای برخورداری از بازنشستگی و ... برآورده نشده است.

وقتی که یوسف تحت پوشش کمکهای شهرداری قرار گرفت، برای پائین آوردن مبلغ حق عضویت به همراه دوستش بنام حسن به اتحادیه رجوع کرد. حسن برخورد مسئولین اتحادیه را نسبت به خودشان تحقیر آمیز دانسته و می گوید: "هنوز از در وارد نشده بودیم یکی داد زد "شما اینجا چه می خواهید؟"

مشاور اجتماعی در اتحادیه علیرغم اظهار نظر کتبی پزشکان از یوسف خواهان بازگشت به کار است و حاضر به قبول بازنشستگی یوسف نیست. یوسف می گوید: "در اتحادیه به ما مثل باندنا برخورد می کنند. و وقتی به زبان دانمارکی تسلط نداریم، نمی توانیم از خودمان دفاع کنیم."

زمانیکه یوسف از اتحادیه خواستار رسیدگی به پرونده اش بعنوان صدمه ناشی از کار شد، وی را به پزشکش رجوع دادند و گفتند که برای پزشک نامه فرستاده اند. پزشک یوسف هم اظهار داشت که برای سازمان رسیدگی به شکایات صدمات ناشی از کار نامه ارسال کرده است. اما یوسف تا بحال نه نامه اتحادیه و نه نامه پزشک را ندیده است و هیچکس از او در مورد جزئیات کارش و بیماریش سوالی نکرده است.

در ماه می ۹۳ یوسف جهت معاینات پزشکی فرا خوانده شد. مکالمه توسط مترجمی انجام شد که به اعتقاد یوسف بارها حرفهایش را به غلط ترجمه کرد.

### آینده ای که از بین رفت

اسناد و مدارک زیادی از جانب پزشکان وجود دارد که فهم آنها برای یوسف بسیار دشوار است. در سپتامبر ۹۳ تقاضای یوسف برای پرداخت خسارت بدلیل صدمه به کمرش در حین کار رد شد.

یوسف تصویری از وضعیت اقتصادی آینده اش ندارد. تقاضای یوسف برای پرداخت خسارت رد شد، به تقاضای بازنشستگی اش پاسخی داده نشده است و خودش قادر به کار کردن نیست. وی می گوید: "من هیچ آینده ای ندارم."

\* \* \* \* \*

### مقررات متفاوت برای کارگران خارجی و دانمارکی

"سنیل" (نام مستعار) در سال ۱۹۸۰ در سن ۷ سالگی به پدرش که بعنوان کارگر مهاجر به دانمارک آمده بود، پیوست. سنیل از سن ۱۷ سالگی، پس از پایان دوره تحصیلی اش، در رختشویخانه ای

که برادرش کار می کرد، شروع بکار کرد. از میان ۱۵۰ تن کارکنان رختشویخانه فقط ۶۸ نفر دانمارکی (از این تعداد ۲ تن سرپرست بودند) و بقیه کارگرانی از کشورهای ترکیه، پاکستان و فیلیپین بودند.

### شرایط کار سنیل

کار سنیل از نظر فیزیکی سخت و شدت کارش بسیار بالا بود. سنیل مجبور به جابجا کردن سبدهای لباسی بود که وزنشان گاهی اوقات به ۶۰ کیلو می رسید. وی ۸ ساعت در روز با شدت کار می کرد. با اینکه سنیل به اندازه همکاران دانمارکی اش کار می کرد، اما از حقوق برابر با آنها برخوردار نبود. وقتی سنیل با همکاران دانمارکی اش در این باره صحبت کرد، آنها به او پیشنهاد کردند که به مدیر مراجعه کند. اما مدیر نه تنها به سنیل حقوق برابر نداد بلکه وی را شفاها تهدید به اخراج کرد.

سنیل از وجود قراردادهای کار بی خبر بود و واژه نماینده کارگر در محیط کار برایش ناآشنا است. او بمرور به این نتیجه رسیده بود که حتما کارگران دانمارکی و خارجی مشمول مقررات متفاوتی هستند.

طبق تجربیات سنیل، کارگران خارجی همیشه اولین قربانیان اخراج بودند. برخورد سرپرستان بخش به کارگران دانمارکی و خارجی کاملاً متفاوت بود. اگر سنیل لحظه ای برای نفس تازه کردن مکث میکرد فوراً به وی هشدار داده میشد. در حالیکه دو همکار دیگر سنیل مرتباً برای کشیدن سیگار دست از کار می کشیدند. سنیل می گوید: "بسیاری از کارگران خارجی با شدت بالایی کار می کردند تا کارفرما آنها را قبل از یکسال اخراج نکند، تا در صورت بیکار شدن بتوانند از بیمه بیکاری برخوردار شوند. خود من به کارفرمایم قول دادم که ۲ سال اول کارم درخواست مرخصی نکنم. آزمون نمی دانستم این قرار مغایر با قانون مرخصی در دانمارک است. کارگران فیلیپینی از کارگران ترک هم شدیدتر کار می کردند. بسیاری از آنها قبل از شروع روزکار، کارشان را آغاز می کردند. بین کارگران همبستگی وجود نداشت."

### حادثه کار

سنیل بهنگام کار روی زمین لغزنده و خیس لیز خورد و دستش آسیب دید. اما جرات نکرد غیبت کند. روز بعد سر کار حاضر شد و وقتی موضوع را با سرپرستان در میان گذاشت به وی پیشنهاد تاکردن حوله ها داده شد. و وقتی این کار هم برایش عملی نبود، نزد مقام بالاتری رفت و ماجرا را با او در میان گذاشت و به وی اجازه داده شد به منزل برود. سنیل می گوید حادثه ای که برایش اتفاق افتاد، هرگز توسط کارفرما به "سازمان رسیدگی به سوانح ناشی از کار" گزارش داده نشد. و بازرس محیط کار هرگز در محل کار حاضر نشد. سنیل پس از گذشت یکسال کمر درد گرفت. پس از گذشت مدتی کمر دردش بحدی عود کرد که وی مجبور شد خود را مریض اعلام بقیه در صفحه ۸

گزارش کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی،

## تعرض به حقوق اتحادیه ها در سال ۱۹۹۳

قسمت سوم

ترجمه: سارا اقبالی

### چاد

جمعیت ۵/۷ میلیون نفر،  
جمعیت شاغل ۲۷ درصد،  
بیسوادی ۷۰ درصد،  
سن متوسط مرگ ۴۷ سال

بیش از هزار تن از کارکنان دولتی در جریان اعتصابی با خواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده در ژوئیه ۹۲ اخراج شدند. با وجود دستور رئیس جمهور مبنی بر پایان تحریم علیه اعتصابیون در دسامبر ۹۲، آنها تا سال ۹۳ نیز هنوز به استخدام مجدد در نیامده بودند. همچنین علیرغم وعده دولت چاد، دستمزدهای عقب افتاده هم پرداخت نشده بود.

مقامات دولتی با تقاضای اتحادیه سراسری "یواس تی" که عضو اتحادیه های آزاد بین المللی است مبنی بر تشکیل کنفرانس ملی دمکراتیک در تاریخ ۱۵ ژانویه ۹۳ موافقت کردند.

حمله و تعرض به حقوق اتحادیه ای و حقوق بشر بدون آنکه حمله کنندگان مجازات شوند در سال ۹۳ همچنان ادامه داشت. فعالین "یواس تی" و اعضای سازمان دفاع از حقوق بشر چاد مانند همیشه از جمله قربانیان این حملات بودند، قوانین معتبر جاری حقوق اتحادیه ای را بشدت محدود می کنند.

حق اعتصاب بر اساس قانون امنیت شماره ۳۰ مصوب ۲۶ نوامبر سال ۱۹۷۵ لغو شد و کارکنان دولتی از حق تشکل در اتحادیه ها طبق قانون امنیت شماره ۰۰۱ مصوب ۸ ژانویه ۱۹۷۶ محروم شدند. قانون کار کشور چاد هرگونه فعالیت سیاسی در اتحادیه ها را ممنوع می کند.

با توجه به محدودیت های فوق می توان علت قتل "ساموئل مبیایوگیدم"، عضو شورای مرکزی ملی اتحادیه سراسری "یواس تی" را فهمید. جسد "ساموئل" یک هفته پس از ریخته شدن وی توسط افراد ناشناس، در حالیکه دستپایش بسته بود، در رودخانه "چاری" در "ندیامنا" در ۲۵ فوریه پیدا شد.

اعتصاب ۳ روزه ای که قرار بود از اول تا سوم ژوئیه صورت گیرد، در ۱۸ ژوئن منجر به قتل "لاوکورا تاتوراویوم"، عضو شورای مرکزی اتحادیه صنعت - تجارت که به "یواس تی" پیوسته است و همچنین منجر به قتل "مبایلو میامبه"، رئیس اتحادیه کارکنان دولتی در ۲۶ ژوئن انجامید.

دکتر "دیدا کدای" و دکتر "سیرا کولو" اعضای اتحادیه دامپزشکان "یواس تی" بترتیب در ۱۳ اکتبر و اول نوامبر بقتل رسیدند.

مقامات دولتی از دادن اجازه به اتحادیه ها جهت برگزاری جلسات امتناع کردند و اعضای اتحادیه ها در

برای انعقاد قرارداد منشاء اختلافات دائمی است.

نگرانیهای جدی ای در مورد سرنوشت ۲ عضو "یوام تی" بنامهای "ابداحق روئسی" و "حسین ابن علی المنوزی" همچنان وجود دارد. این دو تن در سالهای ۶۴ و ۷۲ مفقودالاش شدند. شایع است که آنها هنوز زنده اند و در یک زندان مخفی بسر می برند. همچنین گفته می شود تعداد زیادی از فعالین اتحادیه ای در زندانهای مراکش هستند. کارگران کارخانه آیکاری "سوماتام" بدنبال اخراج ۵ نماینده اتحادیه "یوام تی" که عضو اتحادیه های آزاد بین المللی است، پنجم ژانویه دست به اعتصاب زدند. کارفرما برای مرعوب ساختن اعتصابیون عضو اتحادیه به پلیس شکایت کرد که کارگران اخراج شده وی را تهدید به مرگ کرده اند. بدنبال این شکایت پلیس علاوه بر ۵ کارگر اخراج شده، ۵ تن دیگر را نیز بازداشت و به اداره پلیس برد.

"محمد نویبالعمانوی"، دبیر کل اتحادیه سراسری "سی.اس.تی" بجرم "زنجاندن دولت" در ۲۱ ژانویه به ۲ سال زندان در سلولهای انفرادی محکوم شد. وی پس از گذراندن قریب ۱۵ ماه از حکم خود، در ماه اوت آزاد شد.

همزمان با اخراج بسیاری از فعالین اتحادیه ای در کارخانه سرامیک "هیسا" در "توان"، ۱۵ کارگر دیگر به همراه ۵ نماینده اتحادیه "یوام تی" دستگیر شدند. کارفرما نه تنها در ۴ فوریه در دادگاه حضور نیافت، بلکه با شروع اعتصاب به استخدام کارگران اعتصاب شکن پرداخت.

در کارخانه "سومتال" پس از اخراج سه نماینده تازه منتخب "یوام تی"، تظاهراتی در محل کارخانه سازمان داده شد که طی آن لباسهای ۳ نماینده فوق آتش زده شد. در هتل "منصور اد داهبی" در مراکش ۳ نماینده تازه منتخب یکرور پس از انتخابشان در ماه آوریل اخراج شدند. کارفرما با امتناع از مذاکره با اتحادیه ضمن تهدید کارگران ۹۸ تن از آنها را اخراج کرد. در جریان اعتصاب دیگری ۱۰ کارگر دستگیر و تعدادی دیگر زخمی شدند.

بنابه گزارش "یوام تی" ۲۰ نماینده اتحادیه پس از برگزاری انتخابات و بدلیل خواست حق مذاکره بر سر قرارداد های کار در کازابلانکا، در اول ژوئن اخراج شدند. در ۱۴ ژوئن پلیس به کارگران اعتصابی کارخانه "پلاستیم" که در اعتراض به امتناع کارفرما از مذاکره با اتحادیه در اعتصاب بودند، حمله کرد. در این جریان ۱۱ کارگر اخراج شدند. مورد مشابهی در کارخانه پوشاک چند ملیتی "سوپروماروک"، که سابقه اختلافات در آن به سوم آوریل بر می گشت پیش آمد. از جمله موارد دیگر اخراج فعالین اتحادیه ای عبارتند از:

اخراج اعضای اتحادیه از "سوکافیر" و "میترام" در رشته های متال، اخراج دبیر منطقه ای اتحادیه "یوام تی" از کارخانه پوشاک "میلیبا"، اخراج دبیر و معاون دبیر اتحادیه "یوام تی" از "واواریپ" و بالاخره اخراج اعضای فعال اتحادیه از "سی.پی.ام".

بنابه گزارشات "یوام تی" در ژوئن، اذیت و آزار و دستگیری رهبران و اعضای سازمان های کارگری همچنان ادامه داشت. با وجود مجاز بودن اتحادیه در بخشهای دولتی، رهبران اتحادیه وادار می شوند

تا دستورات مداوم مقامات دولت را مبنی بر تغییر ساختار اتحادیه بپذیرند. عدم تمایل به مذاکره با اتحادیه ها بطور وسیعی در میان کارفرماهای بخشهای دولتی وجود دارد.

۱۳۱ تن از اعضای اتحادیه های آ.اس.ان.اوام.ام - یوام تی و آ.اس.ان.ام.سی - یوام تی از کارخانه "مارفوسین" که شعبه کارخانه دولتی "اداره فسفات ملی"، (اوسی پی) است در اوائل ژوئیه اخراج شدند. این واقعه منجر به یکسری اعتصابات ۲۴ ساعته در ۲ ژوئیه شد. اعتصابات فوق همچنین در اعتراض به امتناع مدیریت از اجرای مواد مندرج در قراردادها بود. مدیریت باز دیگر کارگران را تهدید کرد تا به اعتصابات پایان دهند. ۲ ژوئیه مدیریت کارگران اعتصابی را در "پورت لاسفار" مجازات کرد.

۲ ژوئیه ۶ کارگر اعتصابی در کارخانه "سیکویار" در کازابلانکا بجرم "زیر پا گذاشتن حق کار کردن" دستگیر و زندانی شدند. بنابه گزارش "یوام تی" همکاری وزد و بند بین پلیس و کارفرماها دلیل اصلی دستگیری کارگران به بهانه های واهی بوده است. کارگران دستگیر شده به ۳ ماه زندان محکوم شدند.

در جریان حمله وحشیانه پلیس به یک اعتصاب حمایتی در کارخانه قالب سازی "سوکوفیر" در کازابلانکا، ۱۲ کارگر اعتصابی بجرم "زیر پا گذاشتن حق کار کردن" در ۷ ژوئیه دستگیر شدند. اعتصاب مورد حمایت کارگران که در اعتراض به اخراج بدون دلیل ۴ نماینده "یوام تی" صورت گرفته بود، از ۲۰ فوریه آغاز گشته بود. کارگران دستگیر شده به ۳ ماه زندان و پرداخت جریمه ای معادل دستمزد دو ماهشان محکوم شدند.

۲۷ کارگر اعتصابی در کارخانه "سوماگری" در "آل براکا سیدی کاسم" که بتازگی به بخش خصوصی واگذار شده بدلیل "زیر پا گذاشتن حق کار کردن" در ۱۲ ژوئیه توسط پلیس دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اعتصاب کارگران در اعتراض به استخدام گروهی اعتصاب شکن توسط مدیریت در کارخانه بود.

در ۱۳ و ۱۴ ژوئیه در جریان حمله پلیس به تظاهرات معلمین در "ریط" تعداد زیادی زخمی شدند.

در ۱۴ ژوئیه در اعتراض به تداوم تعرض به حقوق اتحادیه ای، یک اعتصاب عمومی در کازابلانکا صورت گرفت. همچنین شایع شد که در کازابلانکا ۵۸ تن از نمایندگان اتحادیه ها در ماه ژوئیه دستگیر شده اند. بنابه گزارش "یوام تی"، ۲۴ تن از اعضای اتحادیه بدلیل فعالیت های اتحادیه ای دستگیر شدند.

در "تادور" ۱۲ ماهیگیری که در ۱۶ ژوئیه دست به اعتصاب زده بودند، دستگیر شدند و قرار بود تا زمان تشکیل دادگاه در زندان بسر ببرند.

اعتصاب ۴۸ ساعته ای در کارخانجات کشتی سازی در اعتراض به اخراج ۱۷۰ تن از کارگران و نیز امتناع مدیریت از مذاکره با اتحادیه در تاریخ ۱۵ و ۱۷ ژوئیه صورت گرفت.

در اواخر اکتبر، امتناع مدیریت از مذاکره با اتحادیه "یواس.آی.بی" - یوام تی، منجر به وقوع موجی از اعتصابات در بخش بانکها شد. کارفرماها از طریق نادیده گرفتن اتحادیه و در عوض مذاکره با گروههایی که کارگران

رانمایندگی نمی کردند، کارگران را تهدید کردند.

اعلام ممنوعیت اعتصاب عمومی که توسط "سی.دی.تی" در ۲۵ فوریه سازمان داده شده بود، در اوایل سال ۹۴ موجب نگرانیهای جدی شد. "سی.دی.تی" و "یوام تی" با خواست برسمیت شناختن حق اعتصاب در قانون اساسی کشور به دولت شدیداً اعتراض کردند.

### زیمبابوه

جمعیت ۱۰/۳ میلیون نفر،  
جمعیت شاغل ۴۱ درصد،  
بیسوادی ۳۳ درصد،  
سن متوسط مرگ ۶۰ سال

قانون کار (ال.آ.ا)، زیمبابوه مصوب ۱۹۸۵، حق اعتصاب را بسیار محدود می کند. زیرا اعتصابات باید نکاتی را رعایت کنند که لازمه اش گذر از یک پیرویه طولانی است. در غیر اینصورت اعتصاب غیرقانونی محسوب می شود.

قانون ممنوعیت اعتصاب در "بخشهایی از تولید با فونکسیونهای حیاتی" که تقریباً شامل تمامی بخشهای تولیدی این کشور میشود، اعتصاب را عملاً غیر مجاز کرده است. علاوه بر این مجاز بودن وزیر کار در الحاق هر بخش از تولید و در هر زمان به گروه با "فونکسیونهای حیاتی" حق اعتصاب را بیش از پیش محدود می کند.

طبق قوانین موجود و اختیارات تفویض شده به وزیر کار در مواقع اضطراری، وی می تواند هر اعتصابی را غیر قانونی اعلام کند. لذا وی نقش مهم و تعیین کننده ای در اعتصابات جاری در سراسر کشور دارد.

طبق قوانین موجود و حق دولت در دخالت در مذاکرات بر سر قراردادهای کار، دولت میتواند بطور یکجانبه سطح دستمزدها را تعیین کند. مستخدمین خانگی، کارگران کشاورزی و کارگرانی که در مراکز دولتی شاغلند، مشمول قانون کار موجود نمی باشند.

تغییراتی که در قانون کار زیمبابوه و بدلیل تطبیق آن با برنامه اقتصادی کشور در سال ۹۲ صورت گرفت، به مقامات دولتی امکان بیشتری در امتناع از مذاکرات آزادانه بر سر قراردادهای کار میدهد. قانون کار جدید با مجاز شمردن ارجحیت تصمیمات اتخاذ شده در جمع متشکل از نمایندگان مقامات دولتی و کارگران عادی در کارخانه بر تصمیمات اتخاذ شده در شورای صنف معینی از تولید، اتحادیه ها را عملاً فاقد نفوذ واقعی می کند.

از سوی دیگر با وجود تفاسیر متفاوت از جمع فوق، سرپرستان و بازرسان جزو کارگران عادی محسوب نمیشوند و در کنار کارفرماها قرار می گیرند و بدین ترتیب حق شرکت در جمع فوق را ندارند.

اعتصاب کارگران دانشگاه "هراره" برای افزایش دستمزد در دسامبر یا مقابله پلیس مسلح به سلاحهای سنگین مواجه شد. مدیریت از مذاکره با اتحادیه و استخدام کارگران متشکل خودداری کرد و بدین ترتیب ۱۵ هزار کارگر اعتصابی در معرض اخراج قرار گرفتند. اعتصاب با استخدام مجدد بخشی از کارگران با قید شروط معینی پایان رسید.

بقیه در صفحه ۸

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol 6, NO 53, April 1995

صفحه ۱۶، سال ششم، شماره ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۴

## انگلستان در مخالفت با مقررات یکسان کار در اتحادیه اروپا

جان مانکس دبیرکل اتحادیه سراسری کارگران انگلستان (تی.یوسی) گفت که وزیر کار انگلستان "خواهان یک منشور کابونی برای بدترین کارفرمایان اروپا است. بهترین شیوه حمایت از منافع بریتانیا، پشتیبانی از این رهنمود (رهنمود اتحادیه اروپا) و اجرای حداقل استانداردهای اشتغالی مناسب است". در عین حال، هاورد دیویس، مدیر کل کنفدراسیون صنایع انگلستان (سی.بی.آی)، از به بن بست رسیدن مذاکرات استقبال کرد. یکی از نکات گزینی مباحث وزرای کار این مساله بود که آیا شرایط اشتغالی محلی می بایست از همان روز اول استخدام بمرور اجرا در آید، یا اینکه یک "مدت زمان ارفاقی" برای کمپانیها در نظر گرفته شود.

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال مخالفت وزیرکار انگلستان، مذاکرات وزرای کار اتحادیه اروپا در باره اجرای مقررات یکسان در مورد کارکنان "اعزامی" کمپانیهایی که در کشورهای عضو دیگر مستقرند به نتیجه نرسید. به گزارش تایمز مالی، بنابه مقررات پیشنهادی، کمپانیها می بایست سطح دستمزد و شرایط اشتغالی کشور "میزبان" را اتخاذ کنند. بنابه این گزارش، کمیسیون اروپا از سال ۱۹۹۱ برای شرایط اشتغالی یکسان تلاش کرده است. میشل ژیرا وزیر کار فرانسه گفت که کمیسیون این مساله را مجددا در جلسه بعدی خود که اواخر ماه ژوئن برگزار میشود بررسی خواهد کرد.

## موج اعتصابات در فرانسه

کارگران مترو و راه آهن با اینکه اعتصاب ۲۴ ساعته را برنامه ریزی کرده بودند، اعتصابشان را تمام روز جمعه ادامه دادند. در طول اعتصاب تنها ۲۵ درصد از قطارهای دولتی کار می کردند و پروازهای داخلی به ۵۰ درصد کاهش یافت. بعلاوه اعتصاب کارکنان آتش نشانی در دو فرودگاه بزرگ پاریس، اولی و شارل دوگل، که باعث تاخیرات زیادی در خطوط هوایی ملی این کشور شد از ۳ فوریه آغاز شد. این اعتصاب که قرار بود یکروزه باشد دو روز بطول انجامید. اعتصابیون هنوز به خواست خود مبنی بر استخدام تعدادی بیشتر نرسیده اند.

هزاران کارگر ترانسپورت با اعتصاب خود رفت و آمد در فرانسه را فلج کردند. در طول روز جمعه ۳۱ مارس اعتصاب کنندگان بخش دولتی ترانسپورت افزایش یافت. دهها هزار کارگر در اعتراض به انجماد دستمزدها و اخراجها و خصوصی کردن آنها در بخشهای دولتی ترانسپورت از رفتن به سر کار خودداری کردند. فلج شدن بخش ترانسپورت در فرانسه نقطه اوج موج اعتصابات ماههای اخیر بود که در بخشهای دولتی و با خواست افزایش دستمزد بوقوع پیوست. روز سه شنبه (۲۸ مارس) کارکنان شرکت هوایی ملی "ایر اینتر" دست به اعتصاب زدند. پنجشنبه (۳۰ مارس)

## موج وسیع اعتصابات در آفریقای جنوبی

دست خواهند داد. واگذاری این شرکت به بخش خصوصی در جهت اجرای سیاستهای دیکته شده از سوی بانک جهانی صورت خواهد گرفت. موج اعتصابات در تمام بخشهای دولتی از جمله بین کارگران صنایع ماشین سازی، کارگران معدن، رانندگان کامیونها، کارکنان بیمارستان، رانندگان تاکسی و حتی بین نیروی پلیس بوقوع پیوست. تنها ۹ درصد از نیروی کار سفید در آفریقای جنوبی بیکارند در حالیکه این رقم در بین کارگران سیاه به ۳۷ درصد می رسد. بین جمعیت رنگین پوست که ۲۴ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، این رقم به ۱۷ درصد می رسد. تیتو مبولونی وزیر کار آفریقای جنوبی در اوایل مارس اعلام کرد که کارخانجات خصوصی "اس.ام" نخواهند توانست مشاغل جدید زیادی ایجاد کنند. وی گفت با وضعیت حاضر تنها ۵۰۰ هزار شغل قبل از سال ۱۹۹۹ ایجاد خواهد شد. "مبولونی" ادعا کرد که تنها سرمایه های خارجی خواهند توانست بیش از این مقدار به حل مشکل بیکاری ما کمک کنند.

کارگران سیاهپوست آفریقای جنوبی از سیاست خصوصی کردن آنها، بیکارهای وسیع و آپارتاید اقتصادی خسته شده است. موج وسیعی از اعتصابات در ماههای اخیر در اعتراض به آپارتاید اقتصادی و اجتماعی در آفریقای جنوبی بوقوع پیوست. در جریان اعتراضات اخیر، کارگران سیاهپوست آفریقای جنوبی در جلوی جبهه قرار گرفته است. تفاوت بین دستمزد کارگران سیاه و سفید در آفریقای جنوبی همچنان بالاست. این کارگران سیاه هستند که بدنبال بسته شدن کارخانجات دولتی در وهله اول به خیابانها فرستاده می شوند. بیکاری بین این گروه از کارگران بسیار بالاتر از همکاران سفیدشان است. در نیمه دوم مارس هزاران کارگر که در اتحادیه ملوانان و راه آهن متشکل هستند در اعتراض به خصوصی کردن آنها با حمل شعارهای "بانکهای خارجی نه - خصوصی کردن نه" دست به راهپیمایی زدند. این راهپیمایی در مقابل "شرکت هوایی ملی دولتی آفریقای جنوبی" پایان یافت. بسیاری شاغلان این شرکت عضو اتحادیه هستند. این گروه از کارگران اطمینان دارند که در صورت واگذاری این شرکت به بخش خصوصی کارشان را از دست خواهند داد.

بمناسبت دهمین سالگرد اعتصاب معدنچیان انگلستان،

## اعتصابی که برای همیشه پیاد می ماند



دهسال از اعتصاب معدنچیان میگذرد. ده سالی که طی هربهار بقول پیترو هیتفیلد (رهبر بازنشسته اتحادیه معدنچیان) "فکر هزاران نفر به یاد مبارزه یکساله می افتد، که از خیلی جهات زندگی سیاسی در این کشور را تغییر داد و بدرستی برای بسیاری شجاعانه ترین و با پرنسیب ترین مبارزه در تاریخ اتحادیه ای این کشور شناخته شده است." مبارزه ای که با خود انواع و اقسام گروههای پشتیبانی را بوجود آورد که شبیه آنان سابقه نداشت و میلیونها نفر را در انگلستان و خارج از آن به دفاع از هدف واقعی اعتصاب یعنی حق کار کشاند.

در طی اعتصاب و پس از آن در مناطق ناتینگهام شایر، جایی که مارگارت تاچر علیه اعتصابیون اقدام به تشکیل "اتحادیه دموکراتیک معدنچیان" (یو.دی.ام) کرد، و لستر شایر و داری شایر بخش قابل ملاحظه ای از معدنچیان و خانواده در هایشان تصمیم به مبارزه برای دفاع از شغلشان و کانونهای زندگیشان گرفتند و در طول اعتصاب در اتحادیه خویش (ان.یو.ام) باقی ماندند. با وجود ایزوله شدن و حتی بدرفتاری و ظلم به فرزندان و خانواده های این معدنچیان در مدارس و محلات و غیره، این عده به مبارزه خود ادامه دادند. این پروسه سیستماتیک تهدید به اخراج و بی احترامی و ایزوله کردن معدنچیان عضو "ان.یو.ام" تا به امروز ادامه دارد. حتی یک معدنچی که بخاطر چسباندن یک اطلاعیه از کار اخراج شده است، با وجود رای دادگاه کار علیه این اخراج، هنوز بی کار است.

در چنین شرایطی امسال - جشن دهسالگی اعتصاب در منطقه ناتینگهام شایر و در روز شنبه ۴ مارس ۱۹۹۵ برگزار شد. طی این روز در ابتدا نزدیک به ۶۰۰ نفر از معدنچیان، خانواده هایشان و طرفداران آنان در "اولرتون" گرد هم آمدند تا این جشن را با راهپیمایی آغاز کنند.

گردهمایی دوباره بسیار زنده و لذت بخش بود. تظاهرات کنندگان با افتخار و سرافراشته پرچم هایشان را در دست

گرفتند و با همراهی یک گروه موسیقی حرکت کردند. صف تظاهرات از خیابانهای اصلی دهکده عبور کرد، از مقابل معدن "اولرتون" که در نوامبر ۹۳ بسته شده است، گذشت و سپس در مقابل یادبودی که به افتخار "دیوید گارت" بنا شده است به مدت دو دقیقه با سکوت ایستاد. دیوید جان خود را در صفوف پیکت در ۱۵ مارس ۱۹۸۴ از دست داد. بیاد وی، رهبر بخش ناتینگهام "ان.یو.ام"، هنری ریچاردسون، سخنانی بیان داشت. وی از جمله گفت که چگونه دیوید و رفقای شجاعش سعی کردند اعتصاب شکنان را از رفتن به سر کار باز دارند. او بخصوص از خانواده دیوید بخاطر عمل با وقار و با پرنسیب شان تا به امروز تشکر کرد. تظاهرات سپس از خیابان اصلی رد شد و در حالیکه ناظرین، بالاخص زنان، در کنار خیابان با دست زدن به تشویق تظاهرات کنندگان می پرداختند به راه خود ادامه داد.

در جلسه ای که در پایان راهپیمایی برگزار شد، چندین نفر سخنرانی کردند، از جمله یکی از اعضای کمیته اعتصاب معدنچیان محله ناتینگهام شایر که امروز بیکار است، از گروه زنان علیه بسته شدن معدن و پیترو هیتفیلد. هیتفیلد ضمن اشاره به پیشنهاد رای گیری در موقع اعتصاب گفت که "ما چگونه می توانستیم حتی پیشنهاد رای گیری برای اعتصاب را مطرح کنیم وقتی که ۱۵۰ هزار معدنچی خود با پایایشان رای داده بودند". در این جلسه همچنین پیامهای رسیده قرائت شد، از جمله پیام حزب کمونیست کارگری ایران - واحد انگلستان. در پایان مراسم رئیس جلسه با این جمله که "مک گراگر" (مدیر سابق معدن، مارگارت تاچر و تعدادی دیگر از وزرا رفته اند اما ما هنوز اینجا هستیم و مبارزه میکنیم" جلسه را پایان داد.

## آدرس کمیته های همبستگی کارگری

کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران  
هماهنگ کننده: رضا مقدم  
آدرس:

ICSIW, Box 6278  
102 34 Stockholm  
Sweden

کمیته کارگری ایران، آمریکا  
هماهنگ کننده: علی جوادی  
آدرس:

P.O. Box 241412  
L.A. CA 900024  
USA

کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش  
هماهنگ کننده: مهدی آردی  
آدرس:

I.A.S. Postfach 570  
1151 Wien  
Austria

کمیته همبستگی با کارگران ایران، فرانسه  
هماهنگ کننده: نادریکاش  
آدرس:

CSOI, Mr. Tary  
P.R.  
38 Bld. Strasbourg  
France

کمیته همبستگی کارگری (ایران - آلمان)  
هماهنگ کننده: بیژن بهزادی  
آدرس:

Postfach 180 468  
60085 Frankfurt / M  
Germany

کمیته همبستگی کارگران ایران، دانمارک  
آدرس:

S.K.I., Box 1715, 2300 Kopenhagen S, Denmark

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد  
هماهنگ کننده: بهزاد بارخدايي  
آدرس:

ISASK, Box 4082  
128 05 Bagis  
Sweden

کمیته همبستگی با کارگران ایران انگلستان  
هماهنگ کننده: امان کفا  
آدرس:

ILSC, BM Box 1919  
London WC1N 3XX  
England

کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند  
هماهنگ کننده: علی خنری  
آدرس:

Kuovikja 2A2  
10320 Karjaa  
Finland

کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا  
هماهنگ کننده: حمید محمودی  
آدرس:

ICLSC, P.o. Box 1228  
Stn. O Toronto  
Ont. M4T 2p4  
Canada

کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه  
هماهنگ کننده: رضا شهرستانی  
آدرس:

Reza, Box 58  
148 00 Osma  
Sweden

کمیته همبستگی کارگران ایران، دانمارک  
آدرس:

(Fax: (46) - 8 - 53180863